خ	م	ع
٩٣٨٣	٤٩٧٤	

٩٣٨٣

٩٣٨٣

١

١٥٠

س ١١

٧×١٢

١٣×٢٠٫١٥

۹۳۸۳

التدقیق فی سیر الطریق

از نگارشات سرکار رفعت السلطان محمد علی خان فرزند جناب فخامت

نصاب حاجی احمد خان سرتیپ دام اقباله در مسافرت بمشهد مقدس

نگارش فرموده

بسم الله الرحمن الرحیم

دقیقه اول از یوم ابتدای مسافرت بارض اقدس الی یوم

حرکت از بوشهر

سه شنبه غره ربیع الثانی مطابق پنجم اسد و با نهم اگست

ماه انگلیسی سنه هزار و سیصد و چهارده ۱۳۱۴ هجری مطابق سنه هزار و هشتصد و

هشتصد و نود و شش عیسوی ابتدای مسافرت ارض اقدس و

زیارت مشهد مقدس دلم و مشغول تهیه و تدارک هستم

امروز آقا سید جواد و آقا سید محمد علی حاجی محمد و آقا عبدعلی و

حاجی محمد علی منزل ما آمده آقا سید جواد از مردم کفرات سابقاً

واعظ بوده حالا پیشنماز است در مسجد نو نماز میکند مکنتش بد نیست

در دستگاه خانه ساخته همشیره سادات شبانکاره در خانه

اوست در مقدمه شورش مردم که بتحریک حاجی محمد مهدی ملک

التجار وقوع یافت تقویت از جناب ملک داشته ارشد

اولاد مذکورش سید حسن است آقا سید محمد علی از اهل بهبهان

پیشنماز است در مسجد ملک نماز میکند صبیه سید سلیمان

در خانه اوست در بلوا تقویت زیادی از ملک کرده پس از پیشرفت

کار جناب ملک خانهٔ قریب خانهٔ نخو باو بخشید حاجی محمد از

کبار بنده اهل است مالیه او از صد هزار تومان متجاوز است بنا بر

دیانهٔ بزرگان خدا حضور خلد مقام خالی از زیان است در ترقی پنبه

در امریکا منافع زیادی کرده صبیه مرحوم سید محمد طاهر در خانهٔ اوست

پسرش حاجی محمد حسین دلال بوده

هشت فرزند داشته حاجی عبدالله و حاجی محمد و مرحوم حاجی

صادق و مرحوم حاجی عبدالکریم و حاجی عبدالرحمن و حاجی

محمد جعفر و دو صبیه هر کدام را در حیات نخو پنجاه تومان داده

و از خانه بیرون کرد در نهم شوال هزار و سیصد ۱۳۰۰ وفات نمود

بیست هزار تومان مالک بوده بیشتر از مقدار گذشته بود حاجی محمد

در بلوا حاضر بوده و تقویت زیادی نموده پس از انجام عمل و ورود شاهزاده

شاهزاده حسام السلطنه به تصویب ملک یکی از نخو بابش

حقالبش کرده که عنده مع پسر حاجی جعفر مشهور گنبد صحه از اواسط

تجارات زن باره و جوان و لجباز است حاجی محمد هم از نجبا

محبوب می نخو تاجر بوده در ترقی پنبه در گشت شد نفش

از پنجاه متجاوز از مالیه سابق غیر از کاروانسرا و چند

دستگاه خانه دیگر جثه باقی نیست پسرش حاجی محمد حسین قاضی

بوده شش فرزند داشته حاجی محمد هم و مرحوم آقا محمد جعفر و مرحوم

حاجی عبدالنبی و سه صبیه میرزا عنبر امروز آنکه پست

هند و فرنگستان کمپنی لینگ متعهد شده وارد

خلیج فارس کند هر هفته روز جمعه از بمبئی روز شنبه از بصره

می‌آید به بوشهر و ۱۲ ساعت در لنگرگاه توقف کرده و میرود

غالب هفته‌ها از موعد معینه نحو تخلف میکند جهازات
کمپنی مذکور در بنادر مشهور بمبئی است

دوم

شرح چهارشنبه دوم

امروز اسدالله خان و احمد آقا و زیتون و داناتی دیگران دیدنی
و قبطان دلازروس آمده اسدالله خان پرسش از مردم شیراز
بعد در بنگلور هند متولد شده رعیت انگلیس است قاعده
دان است از سیاسی دول مستحضر است نجوان است لذا کمانی
میکند در اداره وزارت پست داخل شده نه ماه است
ماه سورتیه رعیت پست بوشهر حاصل کرده چون طبایع مردم
از قوانین و ضوابط متنفر است غالب اهالی از او دلشکی
هستند هشت و پنج تومان مواجب میگیرد در دستگاه خانه‌ها

خانه‌ها در ماهی پنجتومان اجاره کرده بزبان انگلیسی آشنا است
احمد آقا کفیل جهات امور خارجه بوشهر کلاور میرزا علی
محمد خان کارپرداز است جوان است از السنه خارجه مطلع
نیست اهل کلاور متمولند و مشهورند با بنیاء البقر میرزا
علی محمد خان نفعة طلب است نیابت نخواسته برادرش
سترا بمیرزا حسین بانک داکنزار که املاک زیاد در شیراز
و میرزا عباس ارشاد از مرحوم میرزا عبدالله خان با نهار سیره
پدر آنها مرحوم حاجی محمد حسن مشهور لک و کرجی که شیخ حسین
خان از شیخ لک مذکور بعد مادر آنها از اقوام میرزا
علی محمد باب است زیتون از اهل صفات است سالها است
بوشهر لکن در تدریس زبان انگلیسی مسلط است ارمنی است

سابقاً رئیس پست داشته حالا در آفیس دالوسایتون
منشی است از ملعنت و شیطنت نزد مردم مشهور شیطان است
دانیال ارمنی است در آفیس مکنیل منشی است رعیت
انگلیس است در ستکه است تکمران حبقانی بعد تجارت میکند
اکثر اسلحه در بنادر فروش میرود غالب تگران دبرادرش
ارشام صاحب دارد مینویسند از نهو صاحب مایه حیران
هستند مالیه مردم نخو آنها بسیار است خانواده اینها مشهور
بحکم رعیت انگلیسند ارمنی هستند پدر آنها خواجه یوسف
از تجار مشهور و از مردم خوب بعهد شاه شهید ناصر اعظم الملک السلطان
توجه غریبی از اینها میکنند املاک زیاد در بوشهر خریده و
ساخته تکمران دولت است تا حین نشد مدعی است که بالیوز

بالیوز دولت امریکا است فرنیس از دشتی است چند سال است
از هند به بوشهر آمده تجارت میکند ثلث اسلحه وارده
بنادر از اوست رعیت انگلیس است همراهش صاحب
شریک است غالب مایه از هم است یکی دستگاه خانه‌ها
در ماهی ده الف تومان اجاره کرده قبطان از مردم المان مشرد باب
فرنگ زیاد صرف میکنند مشهور برلیش است در پرسن پلیس
جهاز جنگ دولت علیه معلم هم بعهد برون استحقاق معلم
اخراج شده حال مرده است بنام قبطانی انگلیس که وجهان
مواجب سابق نخود دریافت میکنند ولی از آنجا مواجب
قبطانی لا دریافت از دولت گرفته و در جیب نخود میریزد از روس
رعیت عثمانی است از اهل بغداد است در جهاز پرسپولیس انجینیر

ستیم

اطلاعات شرح پنج شنبه ستیم

امروز میرزا احمد پادر و میرزا محمد حسین میور و آقا محمد باقر
و شیخ ناصر خان و شیخ صالح و میرزا علی محمد آمده میرزا احمد
از مردم شیراز است در سلک طلاب بعضی چند سال است
در تلگرافخانه داخل شده حال مأمور بوشهر است بسیار
شوخ است جوان است رئیس حالیه تلگرافخانه بوشهر میرزا
موسی خان سرتیپ است در هوا تقویت شورشیان داشته
با انصار خان رشوت گرفته میرزا محمد حسین از اهل کازرون
سابقاً منشی آفیس میور بعضی حال تجارت میکند صاحب
مایه است در عرض سال اسلحه زیاد به بندر وارد میکند جوان
از مردم دنیادار محبوب بعضی آقا محمد باقر بهبهانی سابقاً منشی ملک

ملک بعضی حالی نزد بالیوز انگلیس منشی است از علوم عربیه
مطلع است پدرش حاجی ابوطالب تجارت داشته دو
فرزندش از جاریه و یکی از سفیره است محمود و احمد و ابوطالب
سنش قریب پنجاه است متمول است شیخ ناصر خان پسر
شیخ حسین از آل مذکوح ساکن چاه کوتاه است از فنون
ادبیه مستحضر ناصر تخلص منفور مأمور سابق ضابط چاه کوتاه
بعضی از سنه هزار و سیصد و سه [۱۳۰۳] توقف بوشهر اختیار نموده
سالی دویست تومان از حکومت محلیه وظیفه میگیرد نقداً
از انگلیسها جناب معین التجار است در مسافرت ملک
التجار باصفهان و در رکاب بعضی سنش نزدیک پنجاه است
شیخ صالح عموزاده شیخ ناصر خان پدرش شیخ ابراهیم است

ستوده تخلص میکند در طفولیت تا حال بنا شد تخلص ازرقی
گرفته جوان است ساکن بوشهر شیخ ناصر خان دشتی
اعمامش طریقه سنت و جماعت داشته چند وقت است
تغییر طریقه داده شیعه خالص شده میرزا محمد از
سادات شیراز سالها کربلا بوده نستعلیق پاکیزه مینویسد
جوان معقولی است سابق در دستگاه حاجی میرزا کریم
بوده چند ماه است بوشهر آمده در نزد ملک التجار است

چهاردم

شرح جمعه چهاردم

امروز است الان دارد شد موعد معینه است و ورودش
روز پنجشنبه خروجش روز شنبه غالب بقیه‌ها در ورودش
تخلف نشد

شرح

پنجم

شرح شنبه پنجم

امروز مسائل بصره رسیده خطوط بنادر و غیره نوشته شد

ششم

شرح یکشنبه ششم

امروز حاجی شیخ احمد و شیخ خلف و آ سید محمد و آ سید
مهدی آمده شیخ احمد از علماء است بسیار پیر است صاحب [illegible]
عموی جناب امام جمعه داماد مرحوم شیخ خلف است سه
[illegible] مرحوم شیخ ابراهیم و شیخ احمد و مرحوم
شیخ [illegible] از مشایخ آل عصفور بر شیخ خلف پسر
حاجی شیخ احمد است جوان است در نجف اشرف
تحصیل کرده آ سید محمد [illegible] از شصت متجاوز بسیار
شکسته شده ترک زیادی تعارف میکند سابق منشی

ملک التجار رفته سالها خدمت آن خانواده مخصوصه مرزا آن
خدمات جای مجانی ملک التجار دنبالش گرفته و در صدد
تلفیش برآمده که نخود یک است خانه نحو کرده قرار
کنند سببی غیر از همراهی تنخواه در بلوا نمیشه وجیت همیشه
حاجی شیخ احمد در خانه است تقریباً هشتصد تومان
نقد او هیچ پسرش سید باقر از خراسان بیوشهر آمده تجارت
داشته ه سید مهدی فرزند ه سید محمد هم است سابقاً
منشی ملک التجار رفته تقریباً چهل سال از عمرش
گذشته کرتچه ملک در خانه او است سه برادر هستند
سید مهدی و سید جعفر و سید باقر

امروز شرح دوشنبه هفتم هفتم

امروز میرزا حسین معتقد و میرزا حسین بانک آمده میرزا
حسین معتقد از افاضل روزگار است مادرش سیده
پدرش از ۷ رفته در ماه محرم سنه هزار و دویست و پنجاه و سه ۱۲۵۳ خواجگان دبشهر
متولد شده (در ماه) و در شهر نشو و نما یافته معتقد تخلص
میفرماید لکن فارسی تخلص از او دارم دیوانی در مناقب
و مراثی ترتیب داده جواهر زواهر نام نهاده با اهتمام
بنده حلیه طبع پوشیده کتابی در غیبت نوشته موسوم
بعبقریه الحضور و دلائل الظهور مجموعة اللطائف بطریق
کشکول تالیف فرموده لکن فارسی فنون ادبیه نحو او
تدریس نموده در حکمت جناب ۵ ام جمعه تحریر میکنید میرزا محمد تقی
فارغ التحصیل و میرزا حسن و میرزا احمد اولاد کرام او هستند :

میرزا حسین بانک از اهل آذربایجان است سالها در
فرنگستان بوده در اواخر سال بوشهر آمده یک چند
در دستگاه ملک التجار یک چند در بانک نوکر بوده حال
نخود بالیوز فرانسه منشی است در زبان فرانسه و انگلیسی
مسلط است بسیار زرنگ آدم است منزلش از بنیاد پیش است

شرح سه شنبه هشتم

امروز دیدن امام جمعه رفتم از خانواده جلیل آل
عصفورات پدرش مرحوم شیخ ابراهیم است اسمش
شیخ محمد سنه هزار و دویست و پنجاه و هفت متولد شده ۱۲۵۷
تاریخ سنه مزبور نور ارض است با نصرالله است فضلا
و دانش در این خانواده گردش میکند مرحوم شیخ حسن

حسن در سلطنت شاه مبرور محمدشاه از جزیره بحرین
ببوشهر آمده در حقیقت بوشهر آباد کرده مرحوم شیخ است
تقویت ؟ از دولت کرده نسل مشایخ آل مذکور که
بوده در حدود هزار و دویست و شصت برحمت الهی ۱۲۶
پیوست جناب امام پس از وفات پدر زن شیخ امامت
یافته از دولت هر سالی وظیفه معینه می گیرد تولیت
غالب موقوفات بوشهر با اوست اخباری مذهب است
در قناعت منفرد کسی ملجا نه او متنفر از شیخ مالک یکدستگاه
خانه در شهر و دو دستگاه در بیرون و زمین و باغ و دکاکین
در مقام که از رجال بوشهر است در بلوا تقویت زیاد
از حکومت نموده پس از عزل حکومت ملک التجار در مقام.

مخاصمت برآنکه بمردم ترغیب و ترهیب نمود در کوچه و بازار

دشنامش دادند چندمرتبه نجاست بر در خانه‌اش ریخته

بروضه‌خوانها تهدید کرد که اگر از ذکر [illegible] برکنار

بجنایتی موهوم و جنایتی غیرمعلوم گرفته چوب زده

و مصادره کردند نگذاردند منصب امامت داشته در مسجد جمعه

فرستاد نماز کند قناتش پر کرده اشجار مثمرهٔ باغش را

از بن کندند موقوفات بدیگران سپردند معمولها هم

تهمت زدند و در محضر حکومت تازیانه خورد و زنجیرش

کردند در همهٔ آن موارد تمام صبر و تحمل نمود و در خانه

انزوا و عزلت اختیار کرد غیر از ما کسی جرئت ملاقات

او نداشت هرانکاری هم مقصود است درباره مومی الیه تاکنون

کنون وارد لکره

نهم — شرح چهارشنبه نهم

امروز شیخ عبدالسلام دیدن آمده شافعی مذهب است و امام

و مقتدای اهل تسنن و جماعت است سنش از چهل متجاوز

فربه و خوش سیما است بانزاکت نحوی دارای مکنت سیاحت بسیار

در سواحل عمان و زنگبار کرده است

دهم — شرح پنجشنبه دهم

امروز دیدن احمدخان دیوان‌بیگی رفتم پیر ناظم دربار است از مردم

آذربایجان است سنش در حدود اربعین است روز و شب مرتکب

مناهی و ملاهی است نسبت بولی‌نعمت نحو خائن است مأمور

تنظیمات جهاز جنگی است در سنه هزار و سیصد و یک (١٣٠١) بوشهر

لکره لباس تبدیل کرده اسم اوش نحو حال تکلمش زیاد از اندازه

ماهی دویست تومان مخارج خانه او میشود یکدستگاه خانه در خارج

شهر در سه هزار تومان تمام کرده اسباب الکتریک نیز از جهة

معین و حتیاً بخصه در غیاب حسام السلطنه به تصویب ملک و معین

دو ماه نیابت حکومت بوشهر داشت مبلغ دو از سه هزار تومان

یازدهم مرافق کرد شرح جمعه یازدهم

امروز سید علی الرضا و سید علی و سید محمد رضا و سید ابوالقاسم

و سید حسین و حاجی آقا بیدن آمده سید عبد الرضا طبیب است

حاذق تر رئیس طبابت نمیرسد که پس از وفات

استاد خود حافظ الصحه بوشهر شد دولت هنوز جهه او مواجب

معین نکرده حقوق بسیار در کون مردم بوشهر بیدا مخصوصه

غالب مریضها مجاناً معالجه کرده مسکینه امید است خدمات

خدمات او نزد اولیاء دولت بهدر نرود منزلش از پنجاه مبتی دور

همشیره جناب علم الهدی در خانه اوست فرزند رشیدش سید

صالح حافظ الصحه در علوم ادبیه ماهر بزبان انگلیسی آشنا

چهار کلاس تحصیل مرحوم سید حسین در محکمه تمام جمعه تحریرات میشد در

خط نستعلیق کمال مهارت داشته مرحوم سید محمد صدرت زرگانی

خود شغل زرگری داشت بعد حافظ الصحه و سید علی پدر ایشان مرحوم

سید صالح بعد سید علی کلاه دوز حافظ الصحه ساعت ساز

ماهریست و از این صنعت در بوشهر منحصر بجوانان است

آراسته و پیراسته و نجیب سید محمد رضا تجارت مختصر میکند

سرمایه کافی در کف ندارد در قالی شناسی منحصر و مشهور است

سید غلام در جدو ستیر است پدرش از ادارات ماشین بعد

در شورش دلوار همراهی با حکومت داشته بعد از انجام عمل
ملک صرافات زیادی با ورثه نسبت بزرگی نواده اوست
عاقبت سبکی کرد دست از زندگی اوکشیده نمود سید ابوالقاسم
فرزند مرحمت پناه سید عبدالله مشهور بهبهانی در سلک
علماست غیور و تند مزاج است فرزند رشیدش سید عبدالله
در فنون جنون مهارت کاملی دارند اکنون چهار برادر هستند
جناب حاجی سید مهدی علم الهدی و سید ابوالقاسم و سید
مرتضی صدر العلماء و سید عیسی جد آنها از جزیره بحرین
به بهبهان رفته پدر آنها از اکابر علماء بهبهان سید حسین فرزند
جناب علم الهدی سنش در حدود شصت است از علوم رسمیه
نصیبی نیمه سنه گذشته بمقط دهنه دشتستان رفت

رفت و مراجعت کرد حاجی آقا مادرش دختر محمد کریم از اعیان
بوشهر است ازدواجشان بصبیه مشهدی کلبور تعمیر محمد کریم
همشیره محمد رحیم درخانه اوست پدر آنها مرحوم میرزا احمد
پسر حاجی طاهر است و مادر آنها صبیه مرحوم حاجی محمد
بقیه دو برادر دیگر محمود است و محمد رضا که صبیه محمد رحیم
درخانه است وفات نموده آنها حد سالی منتی در است در
بوشهر اقامت گرفته و از نجیب محجوب میشوند

دوازدهم

شرح شنبه دوازدهم

امروز نخواهی نشستن و جماعت عید مسلمین حضرت
ختمی مرتبت است کلینی در اصول کافی در حالات حضرت
رسالت مآب تولد و رحلت ایشان در دوازدهم ربیع الاول نوشته

مولوی در مثنوی پیغمبر ما را   احمد آخر زمان را
انتقال   در ربیع اول اکبر با جبرال   لفظ انتقال
شاید ولکوت در حلت ارواحیه حدیث می برند
بجز دو صفر لسبرته برخول الجنبته   دلالت میکنید
رحلت در ماه ربیع لجه سلمان ساوجی طرفه تشیع
داشته در قصیده‌ئه خود میگوید   در وضع حمل آمنه
از بهر وضع خلق   وضعی نهاد خویش که به از وضع
مریم است   بگذشته از ربیع نخستین دو ثلثه
روز دوشنبه که زادهٔ اکرم است   ولی امروز جمهور
علماء شیعه ولادت هفدهم ربیع الاول رحلت
بیست و هشتم صفر مینویسند   شرح

شرح یک شنبه سیزدهم

سیزدهم

امروز ح محمد جواد بانک و چند نفر اطفال و ح مصطفی
و میر احمد و ح محمد صادق و ح محمد مهدی و میرزا محمد تقی منزل
ما آمده ح محمد جواد فرزند میرزا محمود جوان معقولی است
صاحب ثروت است و منشی بانک هم و جناب ملک
التجار و معین متفق از امور و خیلی انها مطلع میرزا نصرالله
خان برادر حمید محمود است از مردم منافق و دیگر ظالم
روز کار است در هزار و سیصد و دوازده ۱۳۱۲ یعنی ما به نیابت حکومت
میرزا عباس داشته تقربات زیاد بخصوص مردم نسبت به
آقاه رنگ ثابت ؟ از او نزد حام السلطنه که عاقبت حمید
شاهزاده از نیابت عباسی و نفصالش داده سالی صد

دیگر آقا از حکومت محمره جبه او وظیفه مقرر است
در حکومت جناب نظام السلطنه و سعد الملک و قوام مرحوم
کارگزار آقا مصطفی از سادات است اجدادش در بندر
بوشهر مشهور است بزاز رعیت انگلیس است بسیار پیره
و ضعیف است سالی تقریباً صد صندوق اسلحه بشراکت
میرزا احمد وارد بندر میکند میرزا احمد از اهل دوان است
سابق حمال بوشهر حال در لباس تجار داخل شده
اسلحه خوب جبه فروش نزد او موجود است بسیار
متقلب است آقا محمد صادق فرزند مرحوم حاجی عبد النبی
که از تجار مشهور بوشهر در هشتم شوال هزار و سیصد [۱۳۰۰] فوت
کرده از اعیان بوشهر محسوب میشود سه کلاو بوشهر آقا محمد رحیم

رحیم و آقا محمد صادق و مرحوم آقا جان بر سه مصداق فرمایش
شیخ علیه الرحمه هستند پیران نشدن سه بدبختند که
چهارم نژاد مادرشان این بدروان بترنام اکف
آن بتر تر از فلک بر سرشان آقا محمد مهدی پسر آقا محمد ابراهیم
برادرزاده مرحوم حاجی عبد النبی مزبور است جوان معقول
با محبتی است میرزا محمد تقی صحاف بوشهر حال خودشه [illegible]
کازرونی است برادرش میرزا حسن در صنعت عکاسی
ماهر است چند وقت است کازرون رفته

چهاردهم

شرح دوشنبه چهاردهم

امشب آقا میرزا عبدالله منزل ما خوابیده از تجار مشهور
و معتبر بوشهر است جوانی است از فنون ادبیه و اسلوب

رشتهٔ آراسته و پیراسته بیست سال عمرش متجاوز نیست
باصغر سن ذکاوت و فطانتش از متخیلین الحکم و الصواب است
و فراستش از سنین افزون است از طفولیت با یک زن آشنا
و هم نشو و نما یافته فرزند مرحوم حاجی محمد حسین تاجر شیرازی معروف
بر تدل است شعر و ابیات خوب میگوید و ترک تخلص مینماید

شرح سه شنبه پانزدهم

امروز چهار برج رفته نزد محمد کاظم میرزا نایب الحکومه جهت
صدور کاغذ مواجب متجاوز از بیست مرتبه تا حال رفته تماشا
وعده امروز و صبا میدهد و صبح رفته امیگویند امروز
بعد از صدور احکام تلگرافی متعدد از صدارت عظمی کاغذ مواجب
صادر گشته حواله میشود که در برج جبری کوچ خسته نزد چهار

چهار برج دارالحکومه بوشهر است از زمان شیخ آل مذکور
تعبیه در سلطنت شاهنشاه شهید حکام بوشهر متفرق از
دولت تقریباً متجاوز از شصت هزار تومان جهت تعمیر چهار برج
گرفته بیش از پنجهزار تومان تعمیرش نشده عمارت جنوبی
از مستحدثات جناب نظام السلطنه و سعد الملک است
محمد کاظم میرزا پسر علیشاه میرزا نوه تیمور میرزا نبیره
فرمانفرما است نیابت حکومت بوشهر از شاهزاده
علاء السلطنه اجاره نموده تعدیات زیاد بمردم کرده و
میکند دایم الخمر و عیاش است سنش از چهل متجاوز است

شرح چهارشنبه شانزدهم

امروز حیدر کاسکین نایب حرم و شکیره نایب محموم

بالیوز انگلیس مقیم بوشهر رفتم کاسکین رعیت
عثمانی است در بغداد نشو و نما یافته لذا کمی وقتی است
در خدمت دولت انگلیس داخل شده یکمرتبه بزرگ
همیره سالها است خدمت دولت انگلیس میکند از
مرتبه پست بمراتب عالیه ارتقا جسته سیاه چهره میلادش
در هند آن گونه مردم مشهور به پرتگیسند سالها است
با ما آشنا است فرانسه نیز بافت هردو نایب عربی
و فارسی صحبت میکنند

هفدهم

شرح پنجشنبه هفدهم

امشب عید میلاد حضرت رسالت است حاجی شیخ حسن را
خواسته بودم جهت بعضی مطالب امروز در میان وارد شده

شده از اقوام نخو یک مالک است کلانتر میناب است
بسیار زراعت و مشجر است تقریباً هفتاد سال از عمرش
رفته پدرش مرحوم حاجی احمد بحرانی بوده در میناب
املاک زیادی لذا وجهه شیخ احمد و شیخ عبد الرضا هردو
فرزند او هستند صحبتیه شیخ احمد نامزد است از میناب
تا بندر عباس شانزده فرسخ است از راه دریا و خشکی هردو
عبور و مرور میکنند جهازات بزرگ [illegible] بمیناب
[illegible]
رفت مالیات میناب یا گفته هزار و یکصد و هفده ۱۵۵ است
مشروب نخیل و باغات و محصول الجی آب رودخانه است

هیژدهم

شرح جمعه هیژدهم

امروز سید محمد منشی سابق ملک التجار احوالش نگاشته

شده بمرض اسهال درگذشت پهلوی مدفن مرحوم سید حسنی
خلط شوهر خواهرش مدفون شده در تشییع جنازه
و یک مجلس نهار و دو مجلس ختم حاضر شدم

نوزدهم
شرح شنبه نوزدهم

امروز خبر رسید سید عیسی برادر جناب علم الهدی در کربلا
غره شهر حال بعلت اسهال مرحوم شده در مسجد عزیز مجلس
ختم جیره یکمرتبه رفتم سید عیسی از مردم خوب دنیا
بود عمرش از هشتاد و اربعین گذشته مادرش هنوز
در قید حیات است و سالها است که در کربلا است
چهار ماه است بعتبات عالیات مشرف شده بود از ماه
صفر قصد مراجعت داشته چون خودش میگوید اگر تحول

تحول کار جهانیان نه قضا است چرا جای اعتراف بر ملا
رضا است اگر از نفس بر آرد زمانه و نجو یکی بخی نکند
در آئینه تصور ما است

بیستم
شرح یک شنبه بیستم

امروز بتوسط کربلائی محمد حسین مشهور بخلیفه شال کفه قاطر از
مشهدی عباس پسر مشهدی خلیل زرقانی کرایه نمودم تا
شیراز کی ده نه ... ترکی ده هفت ... دو هزار و پانصد
دینار بار جلب و سر نشین شال کفه زیر پا چهار ...
دیروز از کربلائی محمد حسین سابقه چاروادار بچه های دلالی
مسکنید لقم بسیار نجیب است از منسوبان معین التجار است

بیست و یکم
شرح دوشنبه بیست و یکم

امروز میرزا حسن خان و عبدالله خان سلطان آمده بودند
حسن خان جوان معقولی است دارای کمالات صوری و معنوی
بسیار با تجربه است مادرش عفت الحاجیه همشیره نصرالله خان
دبیرالملک وزیر رسائل پدرش میرزا محمد خان موتمن الوزاره
کارگزار سابق بوشهر است نجابت را از طرفین دارا است
نسب از هر کس ماکو این نیک به [illegible] همشیره مادرش عفت الحاجیه
بعتبات مشرف شده و سفینه نجف مراجعت کرده در دار نیرار است
عبدالله سلطان هم خوش محضر بد باطنی است سلطان
فوج دره جزین است و سال است مامور بوشهر است چند ماهی است
منشی نایب الحکومه شده شرح و بسط معایب و مثالب حکام
السلطنه و نایب الحکومه نخواو خواد ان است هر کس بجویانشود

شور گفتی مرضا تقیه و دریغ نمیکند تقریباً پنجاه سال دارد مشروبات
زیاد صرف میکند سنطور را بسیار خوب میزند

بیست و دوم

شرح سه شنبه بیست و دوم

امروز جهت وداع نزد غالب از اعزه و احبه رفتم

بیست و سیم

شرح چهارشنبه بیست و سیم

امروز بعضی از دوستان قند و چای فرستادند از حاجی محمد حاجی محمدی
ده سر قند و یک ظرف چای و میرزا محمد پنج سر قند و محمد مرتضی
ده کله قند و شیرینی و سید حسین دوازده سر قند و شیرینی و حمید
عبدالله پانزده سر قند و آقا شفیع پنج سر قند و یک ظرف چای
و آقا محمد مهدی ده سر قند و یک ظرف چای و حاجی محمد تقی
کتاب فروش پنج سر قند و کربلائی عباس ده سر قند و یک ظرف

چای دکان صاحب کمپنی دو قند لعبه

بیست چهارم

شرح پنج شنبه بیست چهارم

امروز آ سید حسین و آ محمود و کربلائی محمدرضا و حاجی محمد تقی
و آ منعم مهمان آقا شب باز مهمان میرزا احسن خان رفتم از روز
در دو مهمانی میرزا محمد حسین میوه است آ سید حسین دخترزاده
مرحوم حاجی محمد ربیع عطار است پدرش سید حبیب اسمی به عطار
مشهور و باشهرت است رفیق شفیق کف زن بسیار با تجربت
بمکه معظمه و مشهد مقدس مشرف شده ثروتش بر بیست در جزو
عشرین است آ محمود کلانتر میرزا محمد حسین میوه است جوان
معقولی است بزازی میکند کربلائی محمدرضا جوانی است سیه
چرده و معقول و پیشه اش عطاری است بازار آ نقد و جنس

جنس او بیشتر مکرر بمبئی رفته سالها است با کف زن آشنا است
حاجی محمد تقی کتاب فروش و در شغل خود ممتاز و دیرجو است
اهل طواف حرم بیت الله مکه معظمه بنفسه و مکرر بمشهد مقدس
مشرف شده آ منعم پسر آ محمد کریم نوه میرزا احمد حاجی طاهر
دخترزاده مرحوم حاجی عبد الغنی است سه برادر هستند آ خلیل
صبیه آ محمد رحیم در خانه است و آ محسن هم از زبان
انگلیسی با اثر و آ منعم امروز رفتم مقصد نزد حاجی محمد حسین
حلبه دعای جناب حاجی مشهور ببشیر ریگی است از تجار
نجبه نقال و کمالش در بوشهر مختصر شغر با کرده سفر ماید
تخلص متعب نفس فقط در سنه هزار و دویست ۱۲۴۷ و چهل و هفت
متولد شده سالها است از دواخانه اختیار مغفه در بروی مردم بسته .

درگوشهٔ عزلت نشسته هر روز دو بار بر سبیل استمرار مُعتقد
لکن تفرج منمایید همشیره حاجی عبدالغنی سابق الذکر در خانه
است اولادش منحصر در ذکور است موسوم به آقا احمد تقریباً
سی هزار بیت دیوانش می‌شود در هجو سلطان غنی باکه

ببیت پنجم

شرح جمعه ببیت پنجم

امشب که سید حسین منزل ما خواهید آمد امروز جناب
معین التجار و حاجی بشیر خان و خواجه اسما سا طور دگر بلکه
نور محمد لکن جناب معین پسر مرحوم حاجی محمد رحیم دهدشتی است
سنش متقارن پنجاه در عقل و حزم و تدبیر و کفایت و
درایتش از همگنان پیش و از وجود و فطانت و ذکاوت
از اهالی دو قسمت بیش و از هوش و خرد و کارسازی دایگر

و امور کاروانی و مردم نوازی سرآمد عصر خویش است و
وضیع و شریف و غنی و فقیر و اعلا و ادنی لا الی آخر خود
و در ستر او و با جهد و امروزه از کل برای جبه و تحف
اتفاق بوشهر است دارای منصب سرتیپی و آقازاده
هزار تومان مواجب از دولت است و در بندرها حق مستعمرات
زیاد دارد اولادش متعدد کمرک حالیه بوشهر بنا کرده
است املاک زیاد و نقد بسیار اندوخته پدرش از
تجار بود درگذشت مآل کار محتاج بنان شیرینش همیشه
او در خانه حاجی عبدالمحمد ملک التجار بود حاجی عبدالمحمد
اولادی نداشت وارث اولادش که محمد رحیم ملک
بعد حاجی لطف مالیه نحو تعیبا لش بخشید پس از

وفاتش ضعیفه چیزی نزلعه ضعیفه حقوق خود برادر
شوهر خود حاجی ملا محمد معین التجار مصالحه نمود برادر وفات
ضعیفه جناب معین حقوق خود از حاجی محمد مهدی ملک
التجار لوت کرده بسه چهار لک روپیه مصالحه نمود پس از آن
القاب معینش به لقب معین التجاری گرفته و چون
حکم احضار ملک بطهران رسید ایشان بتقویت ملک تجار
بعد اوت جناب قوام الملک حکم داد حرکت نمود بوا
کهنه در ملکتراتی نه جمع شدند هرزگیهای کثیر که نوکر
قدیم کار آگر دولت را در انظار خارجه خفیف نموده در
حقیقت دولت را مفتضح ساختند مع ذالک کله
دولت در سوختند و انتقام آن ماهی خوار کان ارازل

ارازل بر بنیاد سبب معلوم نشد حاجی بشیر فلان
خانه ملک تدبیرش از غالب مشاهیر شهر فزونتر
[illegible]
از اموال ملک بطریق سرقت معادل پنجاه هزار [illegible]
لیره دعشه باغ لسیا رنجی خارج شهر ساخته معین التجار
[illegible]
در پانصد [illegible] اجاره کرده اسباب عیش و عشرت
مهیا ساخته بنش در جزو خمسین است علی الرضا و علی اکبر
فرزندان او هستند وابسته بمعین التجار اسماً اطوار
ارمنی است و جوان کربلائی نور محمد صاحب سایه است
امروز معفانه دلال مجمع در حالت اعیان و زیر اعلی
بوشهر دوستان حقیقی خود بعنوان مواد دعه و ملاقات
نگاشتم سابقاً مقاله در جزو دهالت شهر بوشهر

نوشته بفهم بر آئینه توفیق و تائید الهی باید در صفات

آخر همین سفرنامچه انشاءالله تعالی درج میکنم در حقیقت

اکثر مردم بوشهر شرور و منافق و نمّام و دزد و دژخیم و بدسرشتند

بعینه مصداق فرمایشات ملک حکیم قاآنی هستند

بنشسته قومی بس عجب   در فش ترش و ماتمی بینیها

هستند آدمی لیکن چو سرگین جعل   دستارهاشان

چون رسن   واز همی سرشان پیرهن   شلوارهاشان

چون کفن   با بند بسته بر کفل   چون خرس

بگسیخته   چون کاوکوا انگیخته   هر یک چو میش آویخته

اشکم ز کون پنجه رطل   بر سر زعرهانی زنان

خالی شکمهاشان زنان   وانکه زکبر آن عوزنان ننهند

[illegible] [illegible] [illegible]

ننهند سلطان را محک   هر یک چو فرزند رجب

جلبشان بکون همچو غک   رخسارشان زرد از سبل

مژگانشان سرخ از سبل   چون یکی از اعزه خوانش

نگارش حالات ملک التجار عالیه فرخم لحوب و تم دلالا

جا دارد نیز البته حسب فرموده سمت ترقیم پذیرفت

حاجی عبدالحسین از تجار کازرون[۱] بوده پرورش بوشهر آمده سکونت

اختیار نمود حاجی عبدالمحمد و آقا محمد رحیم و آقا محمد جعفر مشهور

بکاجی بابا فرزندان او هستند[۲] حاجی بابا پسری داشت

آقا محمد حسین و آقا عبدالحسین هر دو در حیات پدر وفات

نمودند حالی حاجی محمدمهدی ملک التجار عالیه بوشهر

پسر آقا محمدحسین است حاجی عبدالمحمد در بنادر تسلطی پیدا

[۱] [illegible] ۱۳۰۹ [illegible]
[۲] [illegible] ۱۲۹۵ [illegible]
[۳] [illegible] ۱۳۲۲ [illegible]

که به بر مردم سلطنتی حالی شخصه از قمر اجحافات
و تعدیات لنز وحشه و ذخایر زیادی بهم رسید اولکه
گذاشت پس از او با محمد کریم آن دولت و مالیه رسید
در زمان او دولت مذکوره مرض عقم شده پس از
وفات حاجی محمد کریم حاجی بابا قبر ملک التجار حالیه
رسید در زمان او بواسطه فرافت و وسایط دیگر
ازان ذخایر و لنز وحشه تا زیادی تلف شده وارث
او ملک التجار و دو همشیره ملک بهجه ولی ملک
ستر ایر و تحمیرات معین التجار مرحاله تا محجه از
حد خود کرده تمام مالیه متصرف و دو همشیره خود
محروم مشخص حاجی بابا در سنه ۱۳۰۰ وفات نمود ملک التجار

ملک التجار سنش در حدود اربعین است در کلکته دار السلطنه
هندوستان از بطن صبیه کربلائی محمد لالی و از متمولین
مشهور دنیا به تولد یافته و در عیت الکلیس محبوب ملیق
بتقلب نوکر دولت علیه ایران شده و دست از تجارت
کشیده دو بار بطواف بیت الله الحرام دو بار بعتبات
عالیات مشرف گشته یکمرتبه باصفهان و یکمرتبه بفرنگستان
مسافرت نموده یکسال حکومت بندر عباس و لنجه یکسال
حکومت بوشهر دشتی و دشتستان داشته چه ظلمها
چه ستمها که در ایام حکومت او نموده بیچاره گشته نه چو بسیار
از رعیت بیچاره آواره شده بممالک خارجه رفتند چه
خیانتها و تقلبها بدولت کرده ششصد تومان مخارج تقرف

بندر لنجه دلقه بیش از ده هزار تومان بخرج اولیای دولت
آورده پس از تغییر حکومت و تشریف فرمائی جناب
سعدالملک به بندر لنجه شیخ و خانواده بهندوستان رفت
در بمبئی متوقف بود بعد از انفصال جناب سعدالملک و
نصب جناب قوام الملک مراجعت به بوشهر کرده هر روز
فتنه از نو ساز و شورشی تازه آغاز نمود اختلال
تنظیمات حکومت فراهم آمد اما در شعبان هزار و سیصد و ۱۳۱۳
سیزده حسب استدعای حکومت احضار بطهران شده
شیخ عبدالمجید رئیس تلگرافخانه بوشهر دو روز
تلگراف مزبور نگاه داشته بحکومت نرساند و ملک را
منقطع ساخت ملک به اشاره معین التجار در خفیه مردم را

مردم را بر جناب قوام الملک شورانیده و آنها را
بهیجان آورده پس از دو روز تلگراف بحکومت داده
شد کار از کار گذشته و ملک رفته بود در
ایام شیخ عبدالمجید و مردم بر حکومت شوریده در شب
تحریز تلگرافخانه ملک در مقدمه بلوا مبالغی از جواهر و
اسباب خود فروخته و بمردم داد ملک التجار بسیار
زن دوست است گرجیه و حبشیه فراوان گرفته و پیر
خداوند باو بخشیده تاج المجد و تاجیه دارای امتیازات
از قبیل سرتیپی اقدس و حمایل و عصای مرصع و انگشتری
الماس بدون استحقاق و خدمتی از دولت گرفته است
او نجیب و فطری شیخ وشی قرائت و کتابت نمی تواند.

در سفاهت او همین کفایت است که لذت و عشرت و ذخایر
از همه ممتنع و در ظرف مدت قلیل تمام محو و تلف شد
و دید که چه کرده و میکند نه بنای چیزی از او باقی مانده
و نه بیچاره از او تمتع و بهره یافته امروز متجاوز از کرور و
پنجاه هزار تومان مدیون دولت روس است املاکی در
همه جا داشته رهن گذاشته محصول املاک هم نزول را کفاف
نزول دیون و مخارج یومیه او نمیدهد الملک لله که تلف
کرد که لذت و عشرتی هم نکرد که کسی عبرت گیرد

۳ دقیقه
بیست ششم

دقیقه ۴۵ از سوم حرکت از نوشهر الی ورود طهران
شرح شنبه بیست و ششم

امشب باید حرکت کنیم باروبنه غروب آفتاب رفته بیرون
لذا خفتند و در نیم فرسخ شهر مانده از شب گذشته حرکت کردیم

کردیم رفتیم بیرون نزد بنده میرزا علی نقی و محمود و سید حسن
و حاجی شیخ حسن و غلامرضا و شفیع و میرزا محمد عیسی
تخلص و مشهدی رضا و ناظر رجب بعنوان مشایعت آمده
بیرون ساعت شش رفقا وداع کرده حرکت نمودیم منزل
امروز احمدی است مسافت شش فرسخ است پس از چهار
فرسنگ بجغرک رسیده قریه ایست از مضافات
نوشهر متعلق به الحاج مصطفی خان است در میان بجغرک مانده
زمین ارتفاع پیدا میکند عمارات و باغات
نوشهر پیدا میشود پس از پنج فرسخ به احمدی رسیده
در زمستان محل سیلاب است زمین با تدقیق شده عبور
و مرور قوافل بسیار دشوار میشود از دسته گذشته وارد

شده در کاروانسرا منزل نمودیم از ابنیه مرحوم حاجی محمد صادق
تاجر اصفهانی مشهور به بالار سرغی است در سنه هزار و دویست
و هشتاد و نه بنا کرده شرقی قریه واقع است بفاصله سی قدم
امروز هوا سموم بعد عصر رفتیم در قریه جعبه ... ولیت
در خانه هشتصد نفر جمعیت ... صد تفنگ ... سوار
... قبضه تفنگ مارتین هزار و پانصد راس گوسفند
هفتصد نفر شتر تقریباً هزار اصله نخل در قریه موجود از
هر نخلی پانصد دینار دیوانی میگیرند مالیات زراعت هر بندر
کاوش ... است غالب اهالی از تعدیات ضباط
فرار کرده متعدی کاروانسرا ... اجاره کرده ... در
از هزار ... صرفه میبرند احمدی را سنه ماضیه خانعلی خان

خان در هزار دویست ... اجاره کرده در هزار و پانصد و پنجاه ...
اجاره داده منه السنه شیخ حسین پسر شیخ احمد دوخی از
دیوان در هزار ... اجاره نموده از جانب شمال شرقی
بفاصله دویست قدم قبرستانی است میان قبرستان امام
زاده ایست موسوم بمیر محمد از جانب شمال بمسافت یک
میدان ده جیکی است از توابع احمدی است آب
احمدی بسیار بد است آب کوالا جهت ضباط و غیره
از یک فرسنگ چاه کتاه می آورند از جانب مغرب ده
دیره است از توابع چاه کتاه آبش بسیار بد است
عبدالرسول پسر عبدالرضا از منسوبین میرزا عبدالله
صاحب ساکن اینجا است نفر ماکیان ... گوشت ... بازار .

نان دو هزار جو یکهزار کاه سه من یکهزار مرغ قطعه دو هزار تخم مرغ شش
اسامی ملتزمین رکاب ۱ میرزا یوسف منشی و عبدل پیشخدمت
در عقب آبدار و مشهدی عسکر آشپز و نفر مهتر و جمشید
و محمد و لطف مراد و مشهدی اسمعیل و مشهدی رضا است
۱ میرزا یوسف پسر ۱ میرزا علی اکبر قنات کهی است ساکن
رفسنجان خوب می نویسد و خوش انشا است مشهور است
بزیبا قلم جوان معقولی است ولی مبتدی تریاکی است
شعر میگوید و یوسف تخلص نظیر ملای در عقب خانه نو
در خانه هستند عسکر شیرازی است و جوان و قصه گو خفرو
جمشید و محمد از اهالی بوشهر لطف مراد و اسمعیل پیرخو
هستند و از مردم خفر مشهدی رضا طهرانی است و بسیار

دل بسیار فضول است سرکار علیه عفت الحاجیه دلبرش
میرزا حسن خان شیرازی تشریف می برند و عبد الله سلطان
طهران میرود و میرزا حسن اصفهانی میرود در قافله ها
هستند میرزا حسن اصفهانی است اهل منبر و جوان است
از بمبئی و مسقط مراجعت کرده از علم موسیقی آگاه است
آوازش بد نیست

شرح یک شنبه بیست هفتم

بیست هفتم

منزل امروز برازجان است مسافت پنج فرسنگ است
شش ساعت از شب گذشته حرکت کرده بعد از طلوع
آفتاب وارد شدیم در کاروانسرا منزل نموده از ابنیه جدید :

ابوالحسن خان مشیر الملک است بنظارت حاجی محمد رحیم

[illegible]

در سنه هزار و دویست و هشتاد و نه ۱۲۸۹ تمام شده هشتاد و هفت هزار تومان

مصارف کرده تمام بنیان از سنگ و گچ است از حیثیت

متانت و رصانت و وسعت و فسحت در حقیقت قلعه محکم و

حصن حصین است مخلوطات بسیار معتبر از جانب شرقی

ساخته شده در یکی از اینها اداره تلگراف بخانه میرزا

ابراهیم خان یاور نیس است ساعت در دو جانب احوال پرسی

کرد فرستادیم پس از آن ما از او دیدن کردیم چند تلگراف بخانم تا آقا

میرزا عبدالله صاحب و معین التجار و دیگران در سید حسین

حاجی شیخ حسن ساعتی پس از دو میرزا حسین خان ضابطه

دیدن آمده مرد نجیب متوقر محترم معقولی است در خوانین [illegible]

دشتستان انجب و معقولتر از او کسی نیست محمد خان و محمود خان

فرزندان او هستند پنجاه و چهار سال از عمرش گذشته بیست و

چهار سال است ضابط بوشهر رئیس نحو در خدمت دولت

دولت نعمت نحو سفید کرده تکلیف نحو و اصرار زیادی کرد

مهمان او باشیم قبول کردیم میرزا علی اکبر را مهمان دار تعیین

نمود میرزا علی اکبر مرد پیر خوش مزه است متوطن اینجا است

سالها میرزا که با ما آشنا است قصبه براز جان هزار و دو

خانه چهار هزار نفر جمعیت بعضی توابع و ملحقات او زیاد است

مساجد متعدده دارا است حمامی بسیار خوب دارد در سنه

هزار و دویست و چهل و هشت سالم خان ساخته سالم خان

ضابط اینجا جد مرحوم شیخ عبدالرسول خان عمرا است

باد و پیر اکثر تلفش مخوف مشروب تمام از چاه است

آب چاهش گوارا است جنوب قصبه در دو فرسنگی دو

امامزاده است که ابراهیم پسر حضرت موسی مشهور است

بسیار مرد کرامات زیاد از او نقل میکنند که اکثر اهالی تقلید

در خارج شهر از جانب شرقی حاجی ذکی کاروانسرا ساخته

شده لشکر افخمی گمرک چی پسر آبنوس ارمنی است مدت سال

کتاب پرز خولو مقتول ساخت مالیات قصاب بقریه

مشهد ... است حال اسکندر خان تفنگدار باشی از

جناب شاهزاده حسام السلطنه مأمور است ولی نایب است در

خفیه مالیات متروک دیوانی گشته در یک فرسنگی از

جانب شرقی کوه کبیر کوه است بر در ان بی ستون معدن

معدن زیاد و چشمه سار فراوان در او هست نه از آنها

زراعت و باغ مشروب میشود نه از معدنها کسی تفحص و تفتیش

میبرد از دامنه کوه جوق سه فرسنگ در دیفر از روی سندیق

خیلی دیده میشود ولی راهش بسیار سخت و دشوار و سنگلاخ است

معادن زغال سنگ زیاد آنجا هست عمر بازدید میرفته

حسین خان رفتم از آنجا از سید محمد حسن مجتهد بازدید کرده

دیدن ما آنکه لعبه منزل نجومی سابقا است امین تشویق است

واجد العین وجه پری است محقق معلم شد برادران

عبارت از هشتصد و شش‌ها و پنج خانوار است و پنج باب

مسجد و کاروانسرای بزرگ و سه کاروانسرا در شهر دیگر

باب حمام معمور دیگر باب مخروبه و چهل و دو دکان و نه

مزرعه

بیت هشتم

شرح دوشنبه بیست هشتم

شب میرزا ابراهیم خان و عبدالحی کلانتر نزد ما آمده
کلانتر از مردم بوشهر از خوبان ناحیه هم پس از
انفصال جناب قوام الملک و خود را با جناب ملک
التجار عقب کلانتر که مجبوراً فرار نموده برازجان آمده
جوان آراسته و معقول و متمول است منزل امروز دالکی است
مسافت پنج فرسخ است پنج ساعت از شب گذشته حرکت
نموده مقارن طلوع آفتاب وارد شده شرح ده در
زیر نخیل وقتی منزل که رسیده برالکی چشمه نفت است
منبع آن در زیر کوه است چشمه‌های قیر صاحب امتیاز

امتیاز معادن مملکت الان شخص انگلیسی است مبلغی
خرج کرده چاهی بعمق دویست قامت نفر شاید بیشتر
منبع رسیده نفت صاف بیرون بیاید عاقبت چیره معقود
نزدیک آنجا گذشته دیگر گذشته دالکی قریه کوچک مخروبی است ۳۰
هزار اصله نخل دارد است ملاکین تماماً از تعربایت و
اجحافات ضبط و عمال فرار کرده حال املاک آنها
خالصه شده غالب نخیل دالکی وقف است موقوفات
ملک الملک
نیز جزو خالصه کرده مالیاتش سابق سه هزار تومان بعد
حالا از شهور تومان اضافه است حدود دالکی مترقه
کبود خوشت است ضابط حیدرخان بنگستانی است از
جانب آقا جعفرخان پسرش اینجا است دو سه ده نرفتات

داکه است امامزاده و کاروانسرا محزدنه در قریه است عصر

احمد خان حیدر لکه جوان معقول مقبول ولی بیرو حرکت

میرزا علی اکبر منشی برادرش هم اسم اینش بچه نویسنده ما است

نستعلیق با کره مینویسد خرما و تره و تنباکو جنبه ما است

در دو فرسنگی او تحقیق معلوم شده داکه عبارت است

از صد و ده خانوار و سیصد و هفتاد نفر جمعیت و یک باب

حمام معمور و یک باب مخروبه و دو چشمه آب کوه الاده

چشمه نفط و دو باب مسجد و دو آسیاب

بیست و نهم

شرح سه شنبه بیست و نهم

منزل امروز کاریخته است مسافت پنج فرسخ است تا اینجا

راه تماماً صاف و هموار و سهل داشتیم از اینجا

از اینجا راه سخت و ناهموار و بد میشود پس از صرف شام که

نصفه نیم فرسخ راهش برنجو پس از آن وارد گردنه داکه شد

راهش سنگلاخ و خمیده و سخت بچه نشیب و فراز بسیار داشت

پس از آن بگردنه ملو رسیدیم بسیار سخت و صعب تمام راه

بفراز باید رفت سوار بر سواری از آن میگذرند ما تقریباً یک

فرسخ پیاده رفتیم مشقت و زحمت زیاد دیدیم و کشیدیم این

یک مسافت گردنه را مرحوم حاجی محمد صادق اصفهانی ساخته

چون مهندس ماهر نبوده زیاد بد ساخته شده راه دیگر حاجی

مصطفی نقل میشد ساخته میگویند بد است قوافل و تردد دین

از آن راه تردد میکنند ولی ما از این راه نیامدیم در بالای

از گردنه ملو گذشته آب انبار بزرگی ساخته شده در سر قهوه خانه

در گردنه دالکی دیده شد رفتی یکی از آنها ابو الحسن خان مشیر الملک

یک حکم متینی ساخته و الفعل برای سکان خارج کجه قریب

ستار وارد منزل شده در حجفرچ منزل کچه نیم فرسنگ

دور از کنار تخته واقع است حجفرچ عبارت از دو سه ده است

متصل بیکدیگر آب روان انبار است در خانه عوض

نامی منزل گرفتیم در کنار تخته مسجد و حمام کهنه و حسینیه و

تلگرافخانه از انگلیسیها و کاروانسرای مخروبه است کرخزای

کنار تخته کرک ع یکبار است کنار تخته فرو رفته است

شرح چهار شنبه سلخ

سلخ

منزل امروز کهاریج است مسافت سه فرسخ است هشت

ساعت از شب گذشته حرکت نمودیم منزل امروز زیاد

زیاد سخت است تا نه ساعت از شب گذشته از گردنه کهاریج چون

گذشتیم براه دار رسیدیم قهوه خانه اینجا هم در گردنه ده

قدم مسافت پرتگاه بدی بود یکی از بوشهریها آلی برقهارا

سرتگ نخهم در میان گردنه چشمه آب فراوان دیده

شد یک فرسنگ از راهدار گذشته بمنزل رسیدیم

درف نه حیدربیک منزل گرفتیم حیدربیک پسر ملا محمد

شفیع است ضابط اینجاست جوان معقولی است عصر

دیدن ما آمد کاروانسرای مخروبه از ابنیه ابوالحسن خان

مشیر الملک و حمام کهنه موسوم به حجفر بر بخرت

موی ... و تلگرافخانه از انگلیسیها که حال متروک شده

و جلگه سبز وسیع فرحی در کهاریج است ملا محمد شفیع ضابط

اینجا بجهة الحاق زیادی از مردم و تجار محترم رفتیم بزرگ
ابوالحسن خان مشیر الملک برقت کچه عاقبت بنوعی
آنکه لازمه ورزش از کچه بیرون آمد که مرحوم مشیر
الملک با آن اقتدار نتوانست حمایت و دفاع
از خود مرحوم حسام السلطنه کند بعد از چندی وقت محبوس
در شیراز نقیب رسید و پسر داشت چیزی که دقیقه
حال عبالعلی در شیراز محبوس است شنیدم کسی را کشته بود
ورثه مقتول شکایت اورا نموده کویا خیلی تلف داشته
باشند

غره ع دو

شرح پنج شنبه غره ع دو

منزل امروز کازرون است مسافت پنج فرسنگ است سه

ساعت از شب گذشته حرکت نمودیم یک فرسنگ راه بسیار
خوب بود پس از آن وارد تنگ ترکان شده دو فرسنگ
میان دو کوه عظیم باید گذشت راهش تمام فراز
و نشیب و سنگ و بلند و سخت و دشوار و سنگلاخ است
پس از چهار فرسنگ بقهوه خانه رسیده آب روان از
کنارش میگذشت باغات شهر در آنجا پیدا بود
ساعت پس از طلوع آفتاب وارد شده در
باغ نظر میان اشجار منزل گرفتیم باغ بسیار خوب
مشهوریست غالب اشجارش نارنج است سالی
دویست تومان اجاره میدهند پنج یکش وقف سید الشهدا
است موعد آبش در هشت روز یک روز است.

جانب باغ هم دستگاه عمارت بسیار خوبی است حال
اجزای حکومت در آنها نشسته در باغ عمارتی بیشتر دارند
و عمدها نه چیز آن کثیفش که هم جای توان طلبد
با عجب برای کو یک میدان دور از شهر است آبش
از آب قنات است غیر از نهار حاجی سید محمود که
ما را دعوت کرده بود که قرار دادیم ایام توقف [illegible]
در باغ و ما در منزل جناب آقا مهمان باشیم پس از آن
مجتبی قلی خان پسر فرخ میرزا و سید ع دیگر و حاجی عبد
النبی دیدن کرده پس از آن باتفاق عفت الملک حجیه
رفتیم منزل جناب حاجی سید محمود امروز محمد خان میرپنجه
یک مجمعه شیرینی و یک راس بره و یک بار خربزه و

هندوانه تهنیت ورود فرستاد حجیه عفت الملک حجیه نیز فرستاده
بود حاجی سید محمود املاک شخصی کازرون است بسیار متدین است
خانه‌اش سفید و بلند و [illegible] بر و لقب شهرت دارد بزرگ
ورثیش در نیابت دارالفنون حسنه و مجمع الحکمه در کازرون خوب است
سه پسر دارد سید محمد و سید حسین و سید هاشم اینها رشید و
هنرمند و صاحب فضیلت سید ع اکبر مشهور است تجار سالها
بوشهر بوده یک چندی نزد مرحوم شیخ محمد حسین یک چندی نزد
جناب شمس العلماء مشغول تحریر بوده چند ماه است بکازرون
مراجعت کرده از شاهزاده انگلیسی رکن الدوله لقب شمس العرفائی
گرفته نیابت در فضایل حمیده و راه بوده دست حاجی
عبدالنبی از نجبا و متمولین بوشهر بوده در قوت است مرحوم [illegible]

دستش تهی شده سالهاست توقف کازرون اختیار کرده مشهور است
بگویم وزنیتی دائی و پدر زن حاجی عبدالحسین پسر مرحوم حاجی
ابراهیم اعمی است

دوم

شرح جمعه دوم

امروز دیدن محمد خان میرپنجه رفتیم نهار اینجا صرف شد از مردم
معقول و نجیب روزگار مشهور است با میر واز خوانین قاجار است
حکومت کازرون از جناب ناظم الدوله گرفته تازه وارد شده
نان و سفره دلبندی است او در فارس مشهور است الحق سزاوار
هرگونه تعریف و توصیف است پسر مرحوم بیگلربیگی است
تقریباً پنجاه سال از سنش گذشته امروز میرزا حسن عکاس و
ملا اسمعیل فاضل دیدن آمده میرزا حسن کازرونی بچه در بوشهر

در بوشهر و بمبئی نشو و نما یافته در صنعت نجو مهارت کامل
دارد گاهی شعر میگوید کاتب تخلص میکند سنش از سی متجاوز
در جوانی بسیار مقبول بچه حالا از هر حیثیت آراسته و
پیراسته است ملا اسمعیل از افاضل طلاب کازرون است
بسیار متملق و خوش لهجه گو است یک چند پیشنماز بچه
حال مشغول روضه خوانی و وکالت است و درستن کهنه است
خانه جناب حاجی سید محمود از ابنیه قدیمه کازرون است
حالا چند وقت است مشغول تعمیر و گچ بری بنا است هفته
کازرون شهریت و جمعیتش هم برابر بوشهر است حمام و
کاروانسرا و مساجد و مدارس زیاد داراست دولت بنائی
در آنجا نمیکند تلگرافخانه انگلیسها در آنجا ساخته تلگرافچی ایرانیها .

نیز آنجا سکونت دارد تلگرافچی عالیه انگلیسیها مارکار صاحب است
در کازرون قنوات زیاد است سه قناتش وارد شهر ملحوظه است
خیرات و قره‌چی و دوادی محلات معتبر کازرون محله مرتضی
دسفع و بازار و مُصلی است تمام نقطه بسیار است سه امامزاده
بلد فضلشه ابا فتح فرزند امیرالمؤمنین ع علی ابن ابیطالب
و حمزه پسر حضرت موسی ع و محمد پسر امام حسن عسکری است ع
جناب علم الهدی ابرز الفضلای جناب قوام الملک از
حکومت بنادر جنوب در مقدمه شورش تقویت از حکومت
داشته مردم بتحریک ملک التجار در مقام مخاصمت او
بر آمده عاقبت چون عرصه بر خود تنگ دید فراراً بشیراز
رفته پنجاه در شیراز تشریف داشته ماهی پنجاه ۵۰ تومان.

جناب قوام الملک مبلغان جناب آقا میرزا که شمشیر و از دولت
یک حلقه انگشتری الماس برای او و لقب صدرالعلمائی
نکلی برادرش سید مرتضی مرحمت شد پس از انتقالات دولتی
از شیراز حرکت فرموده امروز وارد کازرون شدند جناب علم
الهدی از اکابر علما هستند نام مبارکش حاجی سید مهدی چند
سال قبل از جانب دولت ابد آیت عصای مرصع به
افتخارش مرحمت شده بود حضرت اقدس بر توفیقات و تائیداتش
بیفزاید

شرح شنبه سیم

سیم

امشب میرزا حسن عکاس آمد شام منزل ما بود میرزا
حسین خان یاور تلگرافچی کازرون میرزا که خواهرزاده میرزا .

علی محمد خان تحویلدار تلگرافخانهٔ اصفهان است جوان محجوب
معقول آراسته است میرزا محمد علی رئیس پستخانه چون
کدورتی هم با جناب حاجی سید محمود پیدا کرده منزل جناب سید
نمی آید قرار ملاقات در منزل میرزا حسن داده شد امروز
صبح رفتیم آنجا جناب رئیس حقیقتاً شخص معقول آراسته
و از هر حیثیت پیراسته است خطوط بوشهر امروز نوشته
شد جناب مشهدی محمد رحیم و معتمد و محمود و آقا سید مهدی و میرزا عبدالله
و میرزا محمد تقی و ناظر رجب و حاجی محمد تقی و عیش و شیخ حسن
و حاجی عبدالرسول محمره و آقا سید علی و شیخ احمد خان و
محمد حسین خان و آقا محمد علی رشتی و آقا محمود شیخ عبدالحی و
میرزا اسدالله خان و آقا حمزه امروز مجتبی قلی خان دیدن

دیدن آمد هنگام نهار زلزله بسیار سختی آمد ولی آسیبی نرسانید

شرح یکشنبه چهاردم

چهاردم

شب باز در تلگراف و رئیس پست دیدن آمد شام میرزا
حسن منزل ما بود امروز از منزل جناب حاجی سید محمود
نقل و تحویل به باغ داده شد جناب سید نهایت
پذیرائی و نهایت ضیافت بجا آورده ما کم زحمتکانی را کاملا
رهین منت و احسان خود نمود از حیثیت نجابت و اصالت
ملی و بزرگ منشی غالب اهالی کازرون حسادت او کرده
و عداوت پیدا کرده غالب مردم آنجا را منافق دیدیم موقع
در اینجا بسیار مکار است نفاق کازرونیها در همه نقطه
نزد عجم صبح باز دید میرزا حسن و رئیس پست رفتیم

رئیس پست سالهاست از پست کاروان الوفضای نیافته

تمام مردم از سلوک او رضایت داشته و دلاور ساعت ده

از باغ حرکت نموده مشهدی خلیل زرقانی پسر مشهدی عباس

مکاری ما در کاروان بود چیز بارش ما که تحقیقاً در مکاریها

چنین شخص نجیب معقولی بسیار قلیل و نادر است

پنجم

شرح دوشنبه پنجم

منزل امروز میان کتل است مسافت   فرسخ است

راهی بس سخت و صعب و دشوار دارد ۵ ساعت از شب گذشته

از باغ حکم مستینی گذشتیم ابوالحی خان مشیر الملک

ساعته ساعت پنج کنار کوتل دختر رسیده آب انبار را نگا

ساخته شده بود پهلوی آب انبار شام خورده خوابیدیم قبل

قبل از طلوع صبح صادق راه افتاده نیم فرسخ در گردنه

دختر پیاده رفتیم پس از آن بگردنه پیرزن رسیده کاهی

پیاده کاهی سوار میرفتیم پس از طلوع آفتاب بمیان کتل

رسیده کاروانسرای فراز قلعه حساب میرزا اکبر خان

جد قوام الملک حالیه ساخته حال رو بانهدام نهاده هر آینه

منهدم شود بر مسافرین دعا برین کار بسیار دشوار خواهد شد

نه خود قوامیها تعمیر میکنند و نه میگذارند کسی تعمیر کند آب

میان کتل مشهور است در گوارائی و شیرینی غیر از عقد فی

و بقالی و دالدن دار متنفسی در میان کتل نیست منزل اینجا

در نخود کاروانسرا است ده ساعت از روز گذشته حرکت

نموده نصف دیگر گردنه پیرزن امروز باید همه تمام کردند

سوار شدیم در ساعت سیم روز از میر فستیم آفتاب نشست
و ما بآخر بلندی کوه رسیده و رو به نشیب مشغول رفتن شدیم چه
کوهها چه جنگلها چه مغولها چه پرتگاهها دره‌ای کوه تیره میشود
کانه قطع قاتل کوهی کشیده سر بهم و هم لغزاد کم که ره
تاریک چون جان از کینه مکروه چون شخص از علاج
در هر لگد فرش دوزخی شعله‌ها از هر شخی هرف راز او
چون ناخن تا ساق وزانو در جبل عرق از پس دیوارها
در دشت پیچان مارها دیوان روان در غارها هر یک
پلنگ در تعقب در آخر فراز کوه دریاچه پریشان از دلش
راست پیدا بود کرده نه لاکتاب نیز میگویند

ششم — شرح سه شنبه ششم — منزل

منزل امشب دشت ارژن مسافت فرسخ است در ساعت
از شب گذشته از کوه بیرون رفته بدشت مسطح
وسیعی رسیده چراغهای دشت ارژن از دو فرسخی پیدا
بود ساعت چهار وارد منزل شده در قدمگاه حضرت
سلمان منزل کردیم قدمگاه عبارت از اطاق
وسیعی است برابر در حجره حوض کوچک مرتفعی است
میگویند سلمان در او برنشسته حوض از آب چشمه
سرشار میشود میان قدمگاه و کوه پنجاه قدم است چشمه
در دامنه کوه مرتفعی واقع است فراز کوه غاری است
دو دهنه دارد یکی وسیع و دیگر زیاد تنگ است مشهور است
هر کس از دهنه وسیع درون رفته و از آن دیگر بیرون آمد

حلقک نقره ولطفه او مشهور است عقب قبرگاه قربان
اهالی دشت ارزن است چند قبر دران قبرستان است
مجسمه شیر برانها کنده شده شنیدم صاحبان آن
قبور را شیر درنده و باره بجهت چشمه سلمان صاف و ترتیب
غریبی داشت آبش نمونه از سلسبیل متقالش الموزجی
از بهشت بجهت میان قریه و چشمه یکمیدان آب مسافرین
دشت ارزن در مقدمه شهادت شاه بیغی رفته و در عقبش
متفرق شده تا زکی لزک لزک مراجعت می کنند با
وجود ان صدمات باز حکومت عقبش مخصه و مال است
هیچ له پس از طلوع آفتاب وکت مخصه منزل امروز
خانه زینان است مسافت فرسخ است ساعت هفت

هفت وارد شده در کاروانسرا منزل مخصه نایب حسن خانی
ورانجا بجو ما متورت خشت داشت سابق مشهور بر قوگر بلاغی
حسن بچه است

شرح چهارشنبه هفتم

هفتم

امروز باید وارد شیراز شویم مسافت نه فرسخ است سه
ساعت از دسته گذشته وارد شده باغ ارسکار علیه عفت آیه
در باغچه صاحب اختیار منزل مخصه سرکار علیه از عتبات
مراجعت مخصه باید منزل رود اوللو و متعلقات
خود به سیند ازان بزرگ منزل رحیم ان عفیفه بود ذته
برادری مخصه روز و شب در خود نخو ما تشریف داشته روز
بعد بمنزل تشریف بجه چنین کنند بزرگان چوکو باکار

شام و نهار روز دو از دولت منزل سرکار موتمن
الوزاره آورده ساعت دو از غایبان موتمن الوزاره و معتصم
الملک هیرن لکه موتمن الوزاره از اجزاء وزارت خارجه
نام کرامیشان میرزا محمد خان سالها مامور به مهام
خارجه بوشهر داشته در ایام ماموریت او تمام مردم
از خارجه و غیره از حسن سلوک و معقولیت و نجابت
او رضایت کامل داشته خانه در سنه ۱۲۸۹ در سفره انبار تقا کنار
عقبه بوشهر تمام شده عاقبت در سه هزار تومان
به تصرف معین التجار در لکن همشیره جناب دبیر الملک
سرکار عصمت آثار الحال چه در خانه است حقیقتاً بهره شایسته
یکدیگر در حسنت ای زمانه ای زمان نه عروسان را

عروسان را برادران چنین ده[۲] سرکار موتمن الوزاره را
سه فرزند است میرزا اسمعیل خان معتصم الملک رئیس
ولادت معتصم الملک در سنه ۱۲۷۸ هجری
تجار مملکت فارس و میرزا احسن خان و میرزا زین العابدین
خان هر سه نجیب و معقول و در سکار و فارغ التحصیل و
کامل اند با غیره صاحب اختیار از ابنیه و معزولات چنین
خان نظام الدوله صاحب اختیار است خاصه نقبه الصفه درست
سرکار موتمن الوزاره لطف دیگر نفرج قاآخان منتظم الملک
زوجه چند وقت است منتظم الملک قسمت شوهر را معتصم
الملک منتقل که ابنیه قدیم باغ منهدم شده تازگی
موتمن الوزاره عمارت احداث و هم هنوز مشغول بنائی است

شرح پنج شنبه هشتم

[illegible]

هشتم

امروز میرزا محمودخان دیدن کرد جناب قوام الملک
پیش خدمت مخصوص آقا لالا باجوال پری و زیسته بود میرزا
محمودخان فرزند مرحوم میرزا علی الرضا است که از اعیان
بوشهر بوده در بوشهر متولد در بغداد نشو و نما یافته
پدرش در ایام طفولیت او وفات کرده بود زبان
انگلیسی را و فارسی خوب آموخته همشیره حاجی امین السلطنه
در خانه اوست در ایام سفارت حاجی صدرالسلطنه بامریکا
سمت مترجمی سفارت داشته استحقاقاً بمنصب سرتیپی
و نشان درجه چهارم خارجه نایل شده در نجابت
و معقولیت دارا است صحیح القول و محمود الشمائل
حالا در اداره بانک شاهنشاهی ایران داخل و مترجم

و مترجم و منشی بانک است در شیراز و ماهی پنجاه تومان میگیرد
سنش در حدود اربعین است پست بوشهر امروز وارد شده
خط محمد حسن خان و چراغعلی و آقا سید حسین و آقا میرزا علی اکبر و
حاجی شیخ حسن و حاجی شیخ محمد و احمد خواجه و ابراهیم خواجه
بود فوراً جواب هم نوشته شد

شرح جمعه نهم

نهم

امروز رفتم بانک جهت تبریک بروات میرزا عبدالوهاب
خان و منزل باشی و میرزا محمد علی و آقا محمد حسین هرسه دیدن
کرد میرزا علی الوهاب خان از اجزاء پستخانه بیست سال است
مشغول خدمت است مدتها در سیرجان ریاست پست
داشته چندی رئیس پستخانه بندرعباس بود سنه ماضیه ناظم

پست بوشهر بشود تمام مردم از سلوک و رفتار او رضایت
داشتند حال ناظم تلگراف شیراز است ماهی ده تومان
مواجب میگیرد امتیاز سرهنگی دارد سنش از چهل متجاوز
بسیار مدبر و درست کار است متخلص بانشی نامش میرزا
محمد تقی برادر بزرگ جناب ناظم است در شاه چراغ حجره گرفته
و مشغول تدریس است بسیار نجیب و معقول بنظر می آید
میرزا محمد علی پسر مرحوم میرزا عبدالکریم جوان معقول محجوب
آراسته ایست چند وقت منشی مرحوم میرزا علی نقی خان
بوده چندگاه از جانب او نیابت مهام خارجه در بندرعباس
داشته در اداره تنباکو فروشها داخل شده ریاست
اداره بندرعباس حالیه که در حکومت بنادر [illegible]

[illegible] سعدالملک و قوام الملک نیابت حکومت لنگه داشته
فعلاً در شیراز بیکار است میرزا علی محمد کلاهدوز او در بانک
منشی است حاجی محمد حسین دهدشتی از تجار متمول شیراز بهمه
مبلغها مالیه او در ورشکستی مرحوم حاجی عبدالنبی بوشهری
مشهور بصد هزار تلف شده حالا باز هم متمول بیشتر است سنش
تقریباً در حدود شصت است از مردم درستکار روزگار است

شرح شنبه دهم

دهم

امروز سید مرتضی و جلال الدین میرزا و سید مهدی و حمید
حسین خان و میرزا هدایت و میرزا آقا از جانب قوام الملک
و قوام دیوان و شیخ صالح خان و قنبر علی خان آمده سید مرتضی
از سادات منتجب الدعوه شیراز و از علما مرحوم محمد ابراهیم

خان فراشباشی مرحوم سلطان اویس میرزا معتمد الدوله

ثانی بلهجه تاشی [?] سید محمد سجع مهرش مرحبا یا سیدی است

جلال الدین هند از شاهلوکان فرمانفرمائی است مشهور است

ب... شاه جمال آتش در هندوستان است ضیاء الدین

میرزا پسر او است از اعیان فارس هستند سید مهدی

از تجار مشهور فارس است در کلاه [?] هستند سید مهدی

... سید احمد برادر سالها در بوشهر بوده و تجارت داشته

حالا وکیل انها در بوشهر سید علی اصغر بهبهانی است

میرزا حسین خان کلانتر میرزا احسن خان شوکت منشی نظارت

عثمانی حالا جهت تقسیم مالیه میرزا ابراهیم وکیل عثمانی ۱۳

میان ورثه بشیر از آنکه میرزا هدایت پسر مقید ابو الفتح

[illegible] ۱۲ ... میرزا ... [illegible] ۱۳۰۲ ... [illegible]

[illegible] ۱۳ ... [illegible]

ابو الفتح خان مستوفی است که در حکومت مرحوم حاجی

نصیر الملک وغیره وزارت بوشهر داشته حال جنس [?] عمل

شده هفت یا هشت نفر از همین جهت هدیه [?] مانیا که

میرزا آقا نیز هم جناب قوام الملک است قوام دیوان

پسر عبد الرحیم خان نوه ~~نصر الله~~ محمد سعید [?] خان نبیره اسد الله خان

کلانتر مرحوم میرزا علی اکبر خان قوام الملک اول است سه

کلانتر هستند خان باباخان امین دیوان حالا متوقف

طهران است و حبیب الله خان قوام دیوان و میرزا ...

خان هر سه از نجبا و معقولین هستند شیخ صالح خان

از مشایخ دموخ و ساکنین جایه کلاه است هیچ از دهقان ناخدا

عرب بلهجه تعرز [?] فرار ناخدا از ملک التجار و ابهم [?] شیراز

[illegible] ۱۲۷۲ ... قوام ... [illegible] ۱۲۷۴ ... [illegible] ۱۲۸۰ ... [illegible]

فرار کرده‌های خیلی سرجعبه براز جان ضابط صد تومان
مواجب دولتی او شاهزاده حسام السلطنه اجرا نداشته در این سنه
قنبر علی در حکومت قوام الملک که در بوشهر بوده در
رکاب جناب قوام بیشتر از آنکه قطعاً اگر در بوشهر توقف
کرده بود صدمه زیاد باو میرسید

یازدهم

شرح یکشنبه یازدهم

امروز و امشب مهمان جناب شیخ بهبهانی هستیم حاجی محمد علی
خان سرتیپ رئیس پستخانه فارس آنجا بود زیاد اظهار لطف
فرمودند شخصی با کمال نجابت و معقولیت بسیار رشید در ... است هم
مردم از زیارت او خوشنود هستند بعد از نهار رفتیم بزیارت
شاه چراغ و دور عرض بله بازار وکیل و ارک کهنه و آب انبار

و آب انبار وکیل و حمام و مسجد وکیل تماشا نمودیم امروز
شیخ عبدالعزیز پسر مرحوم شیخ زین العابدین ۲ و حاجی محمد علی
خان فراشباشی جناب قوام الملک مهمان آنکره و ما بودیم

دوازدهم

شرح دوشنبه دوازدهم

امروز میرزا محمود خان و سید مرتضی و شیخ صالح خان
و قنبر علی و سید مهدی کازرونی و ملا محمود صرافشی و سید محمد رضا
و حاجی اسدالله کتابفروش و میرزا آقا و میرزا علی رضا
خان و میرزا علی و حاجی محمد علی و ملا محمد حسن و ملا عبدالحسین
و میرزای محرم مهمان آنکره سید مهدی از اعیان کازرون است
سالها است متوقف شیراز است و ملا محمود از بنی اعمام ملا محمد حسین
صرافشی است در بوشهر منشی میرزا عبدالله بهبهانی سید محمد رضا

۲ شیخ زین العابدین در سنه ۱۲۳۳ متولد و در سنه ۱۳۰۴ وفات یافته پنج فرزند
ازاو باقی مانده شیخ محمد علی و شیخ ابوالقاسم
و شیخ عبدالرسول و شیخ عبدالرحیم و شیخ عبدالعزیز و تمام اینها مشغول تجارت هستند
و پسر آنان پسر شیخ محمد امام جمعه مشهور بمفید
و ملقب بزایر بعید

واقعه خوان است مشهور است ببلبل آوازش در شیراز
مشهور است دو مرتبه به بوشهر آمده هندوستان و عتبات
رفته و مراجعت کرده جوان است و از اهل طرب حاجی سید اسدالله
کتاب فروش است از دوستان میرزای فرصت است
میرزا آقا فرصت تخلص از سادات است پدرش بهجت تخلص
مینمود در صنعت نقاشی ماهر است شعر را نیکو میفرماید کتابی
تصنیف فرموده موسوم به آثار العجم در زیر طبع است میرزا
علی رضا خان از اقوام قاسم خان پیشخدمت است جوان
معقولی است سابقاً از اجزای کمپانی خارج است سنه
گذشته به بیروت رفته بود میرزا علی از خدام شاه چراغ است
حاجی محمد علی شیرازی است منزل عیال حاجی محمد حسن مدول التجار

در تهران است بوشهر بچه مرد شوخ بامزه است آقا محمد حسن مشهور به آقا
کوچک و آقا عبدالحسین برادر در سن جوانی و کمال معقولیت
در سلک تجار و متدینین و پسر مرحوم آقا محمد علی صفر هستند برادر
اینها مشهور به آقا جان بچه آواز خوبی داشته میرزا محرم
نامش محمد علی از اهالی طهران از اکابر طایفه و نجابت و ذکاوت
از جبینش پیدا و طلاقت سخنش کثیر است

شرح سه شنبه سیزدهم

سیزدهم

امشب مهمان میرزا محمود خان هستیم نهایت پذیرائی و محبت
یا آنکه امروز مهمان شیخ محمد حسین جراح حکیم باشی جناب
قوام الملک بچه برادر سالار از قوام دیوان و شاهزاده جلال
الدین میرزا و آقا محمد حسین ده دشتی بازهم که

چهاردهم

شرح چهارشنبه چهاردهم

امشب باز مهمان میرزا محمود خان و امروز مهمان ملا محمدحسین

دلاک [illegible] شستی بعد به شب میرزا محمدحسین جراح در منزل میرزا محمود

خان حیرانی که شب بوشهر وارد شد [illegible] ملا [illegible] میرزا عبدالله

ملا سید حسین و جعفر قنبری و غلامرضا و ملا محمود و ناصر و رجب

به جواب [illegible] تعهد به آقا میرزا محمد تقی و ملا عبدالله

[illegible] و سید محمد پسر سید محمود [illegible] نوشته [illegible] کتاب از انبار

تفه جناب قوام الملک رفته احترام و محبت زیاد فرمودند

حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله صدر اعظم خاقان مغفور

پنج پسر داشته علی اکبر خان قوام الملک اول و اسدالله خان [illegible]

ملا علی اکبر خان چند فرزند داشته فتحعلی خان صاحب دیوان

[illegible] میرزا محمد خان [illegible] ۱۲ [illegible]

دیوان و میرزا علی محمد خان قوام الملک ثانی و چهار پسر یک

و فتحعلی خان نصیر الملک و میرزا حسین خان مؤتمن

الملک پسر جناب صاحب دیوان است میرزا محمد رضا قوام

الملک ثالث پسر میرزا علی محمد خان است مرحوم احمد خان

مؤید الملک پسر چهارم یک نصیر مؤید الملک حالیه و میرزا

علی خان مؤید الممالک پسر مرحوم مؤید الملک حبیب الله

خان اعتماد السلطان و محمد [illegible] خان انتظام الممالک

[illegible] پسر قوام الملک حالیه [illegible] آقا از مرحوم حاجی نصیر الملک

سه دختر باقی است یکی زینت الملک زوجه ابوالقاسم

خان نصیر الملک حالیه و یکی لقاء الدوله [illegible] جناب

قوام الملک و یکی در حباله منتصر الملک [illegible] الدوله

ولادت [illegible] ۱۲۳۰ [illegible] وفات [illegible] ۱۳۰۲ [illegible]

ولادت [illegible] ۱۲۴۷ [illegible] وفات [illegible] ۱۳۰۱ [illegible]

ولادت [illegible] ۱۲۶۵ [illegible] وفات [illegible] ۱۳۲۰ [illegible]

ولادت [illegible] ۱۲۸۸ [illegible] ۱۲۹۲ [illegible] ۱۳۰۳ [illegible]

حالیه باشد رفته

شرح پنج شنبه پانزدهم

پانزدهم

امشب مهمان میرزا علی رضا خان و امروز مهمان میرزا
عبدالوهاب خان هستیم میرزا محمد علی یک کاسه نبات
میرزا محمود خان یک کاسه نبات و یک سینی شیرینی
و میرزا آقای فرصت دو سر قند و معتمد الوزاره دو سینی
شیرینی و چند ظرف میوه و قوام دیوان یک سینی
شیرینی و عظیم الدوله یک کاسه نبات تهنیت ورود
فرستاده بعد از نهار رفتیم به قطعه‌ای ضمناً چهل تن
و هفت تن و تخت قراباغ و چهار باغ و باغ نو تماشا
نمودیم مقبره خواجه سقف ندارد و در رأسش حجر آهنین است

آهنین است روی سنگ مزار غزل خواجه منقور است
از ابیات آن نگارش میشود بر سر تربت ما چون گذری همت خواه
معشوق بیا تا ببویت ز لحد رقص کنان برخیزم ؟

شرح جمعه شانزدهم

امروز امشب مهمان ناظم است هستیم قبل از نهار رفتیم
با زید میرزا علی فهیم شاه چراغ شیخ سلطان الخجا[illegible]
شاه نعمت مجتب میرزا منشی تکیه افغانه سیرزار الخجا
حیرت ما آمد بعد از نهار با زید حاجی اسدالله کتاب
فروش رفتیم نهایت بزرگ و زیبا

شرح شنبه هفدهم

امروز مهمان سرکار معتمد الوزاره و امشب مهمان ناظم است

شانزدهم [illegible]

هفدهم [illegible]

[illegible] ۱۲۹۵ [illegible]

استیم قایق از بهار از حاجی میرزا محمد رفت رهین (؟) نهر از تجار است تقریباً مالک صد هزار تومان ملیعه (؟) در نبات و نخالات مشهور است عزلیب (؟) الحال هم از بهار باز هم جناب فرصت رفتم

هیژدهم

شرح یکشنبه هیژدهم

امروز مهمان میرزا حسن خان پسر سرکار مؤتمن الوزاره[1] شاب مهمان ناظم لیست (؟) استیم قایق از بهار در شهر مشغول کوشش خوبه سهبد (؟) حاجی نصیر الملک و حمام مرحوم مؤتمن الدوله اهل خوب یک منزل میرزا محمود خان است و بازار و تکیه مشیر الملک و حمام میرزا هادی خوب یک منزل مؤتمن الوزاره[2] و در سر خان بابا خان مقابل درِ کوی میرزا آقا جان

۲ میرزا هادی مذکور پسر میرزا محمد حسین مشهور بمیرزا جانی نوه میرزا محمد امین محمد نبیره سید علی خان صاحب سلافة العصر است و میرزا هادی در سنه ۱۱۸۲ در شیراز متولد و بمناصب و اعمال دیوانی سرافراز بوده

حال منزل ناظم لیست (؟) است و عمارت و باغ حاجی محمد مهدی کشمیری که متوقف با لندن (؟) انگلیس مقیم بوشهر در اول نشسته و باغ معروف مرحوم مشیر و حمام نصیر زنجیری که مرحوم نصیر الملک ساخته و حمام نصیر مشهور به بابای دختران و مسجد نو و مسجد جامع را از ابنیه عمارت صفاری است تا شاه نهر حاجی محمد صالح کشمیری جدید لکه هم دیدیم

نوزدهم

شرح دوشنبه نوزدهم

امروز میرزا محمود خان و سید مرتضی و مؤتمن الوزاره و محمد حسین سرهنگی و جناب فتح الملک و قوام لشکر[1] دیدن آمدند پس از آن دیدن ولیم رفتیم فتح الملک محمد رحیم خان نوه مرحوم میرزا نعیم نوری است رئیس لواء متوقف میرزا[2]

۱ قوام لشکر نام او لطفعلی خان پسر میرزا علی محمد خان نوه میرزا نعیم نوری در سنه ۱۲۷۷ تولد یافته

ویلیم پسر داکتر منشی بالیوز انگلیس مقیم بوشهر است در

بوشهر همسایه ما بوده جوان نجیب است حال چهار ماه است

همراه بالیوز بعنوان گردش بیش از آنکه تا نه از تماشای

تخت جمشید مراجعت کرده در خفا ما نتوانست بازدید صفحات

فارس دارد

شرح سه‌شنبه بلسیم

امروز میرزا محمود خان و سید مرتضی و فرصت و آقا محمد حسین

منشی و موتمن الوزاره و معتصم الملک و ویلیم منشی

بالیوز و میرزا محمود خان پسر مرحوم میرزا ابوالفتح خان ۲

وزیر سابق بوشهر را در مقام توقف آنها در بوشهر در

یک کتاب باید بگیرد ... که پس از آن بازدید جناب

۲ میرزا ابوالفتح خان مشهور بمیرزا خانی در ۱۳۴۳ متولد شده برادر نیز موسوم بمیرزا ابوالفتح خان بوده پسر میرزا ابراهیم مستوفی نوه ... تلسیم

۵ هاشم مهردار پادشاه داد گستر کریمخان زند بوده

جناب فتح الملک ۲ و حیدر ... شاهزاده سیاوش میرزا رفتیم ۳

شاهزاده معزول مشغول گفتن ... سولان پسرش ... نیابت

امروز رفتیم بعشرتیه ضمن دلگشا ۴ شاه کرده و مراجعت نمود

دلگشا عمارت و باغ مفصل است از تعمیرات جناب

صاحبدیوان غالب اشجارش نارنج است سالی هزار و

دویست تومان محصول است در بیت دو هزار تومان

با آقا محمد شفیع پسر حاجی محمد صادق اصفهانی شنیدم زوجه

بسیار رفتگی با حرف و نزهت است امروز یکی ... ساعت

مجلس و یکقاب ساعت نیم نقره و یکدست اسباب بزرگ

و چهار قالب صابون و یکی ... و سه عدد کرسی جعبه ناظم

بیست و گره ... بسیار ممتاز جعبه سید مرتضی و یکی ...

[illegible]

جبهه رئیس پست فرستادم

بیست یکم

شرح چهارشنبه بیست یکم

[illegible]

امروز به محمد حسین ...شتی و میرزا محمود خان و جناب فرصت
و حاجی اسد الله کتابفروش و سرکار معتمد الوزاره و معتمد
الملک و سید مرتضی آقا به پست بوشهر وارد شد خط به جناب
عبدالله و به سید حسین و جعفر افندی و عیسی و جناب معتمد
و حاجی محمد تقی کتابفروش همه جواب همه فوراً نوشته
شد توسط میرزا محمود خان شکفته خاطر از مشهدی عباس
قسمت کپی و در شب ۵ ساعت پاک در شب ۵ جلد
بار در چهار روز تا اصفهان گرفتیم سرکار علیه عفت آثار
کمتر والده شیخ عبدالحسین غائب آقات عیال تبریزی

سید مرتضی کمتر عیال مرحوم حاجی محمد حسن منزل دربار
عیال منتظمه ملک التجار بوشهر و عیال میرزا محمود
خان همشیره حاجی امین السلطنه یکمرتبه نزد والده تبریزی و جعفر

بیست دوم

شرح پنجشنبه بیست و دوم

امروز از شیراز با یدو کسینم شب جناب فرصت
و میرزا حسن خان پیر مو، معتمد الوزاره و سید لطف الله دانش
تخلص استاد میرزا حسن خان و آقای مذنب باشی جبهه
وداع آمده آقا محمد حسین ...شتی و جناب ناظم بعد از ظهر
نهار وداع کرده رفتند ساعت ده و کسر ... سید مرتضی
تا زیر قرآن مشایعت کرده چون از ... مرحوم میرزا محمد
معتمد الملک جبهه تقریر ... منشی ... نوشته بود

گذشتیم آفتاب نشسته شب گذشته وارد منزل مالکه
نوکرها ملتفت شده دلو و بسیار اوکهه قرار کهه بود
طهران امروز آقای خط میرزا عباس خان بهم میرزا یوسف
منشی علینقی پیدا که در شهر توقف نمود و در زرقان
بار رسید

۱ بیست سیم — شرح جمعه بیست سیم

منزل امروز زرقان است مسافت پنج فرسخ است پس از
دو فرسخ راه از شب گذشته وارد باجگاه شده کاروانسرای
الجا بود و درگاه معتبری است [2] ساعت هشت وارد زرقان
شده بیت قصبه خوابیده پس از طلوع آفتاب
یعنی پس از حرکت اکبر خان منصور نظام دهات قصبه شده

[illegible]

شده در خانه اسفندیار خان منزل نمودم خانه خوبی
بود بسیار وسیع و دارای حجرات متعدده است
تحتانی و فوقانی مرتبه است از تعمیرات اسفندیار خان
نوه ابراهیم خان از خوانین زرقان است سه ماه
قبل در سن سی و هشت سالگی فوت شده در امامزاده
اما نعش نداره از صحبتیه از او باقی مانده جعفر خان
کلبور است از بدو مستحفظ خانه بابا صالح است
و پیر محمد شیخ آقا عماد الشریعه [2] پسر جناب امام جمعه خواهر
نفعه جناب صاحب دیوان حبه استقیلی اما الآن امروز
دارد زرقان شده چند دانه قریه حبه ما کارف
فرستاد عصر باتفاق بابا صالح شغل گوش شده

[illegible]

زرقان طولش از شمال بجنوب و عرضش از مغرب
بمشرق است طولش زیاد طولانی و عرضش بسیار
کم هفت محله دارد محله حیدکان محله کیامارخانه
و محله ترکها مشهور بکف شرف نیز هست و محله میان
و محله آخوندها و محله لهرا و محله بالا و محله نو چهار
مسجد دارد مسجد نو در سنه هزار و سیصد و شصت و ۱۳۶۴
چهار و مسجد خان از ابنیه مرحوم ابراهیم خان است
و مسجد میان در سنه هزار و سیصد و سه ۱۳۰۳ بنیان یافته
در اینجا دو حمام هست حمام میان و حمام خان از ابنیه
مرحوم ابراهیم خان است پنج کاروانسرا هست تمام
بارانداز تقریباً هزار خانوار و چهار هزار جمعیت ملحق صدوپنجاه

جمعیت زرقان در هزار و سیصد و بیست ۵۰۰۰ نفر

صدوپنجاه خانوارش یهودی بقیه مسلمانی لطیف و ظریفند
مقبره متبرکه دارد که ظرفی آنها ملا رحیم نامی است و دو امام
زاده در یک بقعه مدفونند بقعه آنها کاشی و غیر مرتفع
خارج از شهر و از جانب شمال بمسافت یک میدان است
واقع خرابه آنها چوبین و شکسته صحن آنها کوچک و محقر
نام آنها سید نصیر و سید نصیرالدین و میگویند هر دو
فرزند حضرت موسی هستند شنیدم مرحوم حسام السلطنه
که وقت زیادی از لحاظ امامزاده دیده و احترام زیادی نموده
بقعه و غیره از ابنیه مرحوم معتمد الملک است زرقان
دو قبرستان دارد جنوبی و شمالی قبرستان شمالی
با نام امامزاده متصل است در قبرستان شمالی لوح مزار منقوش :

درسته هزار و دویست و شانزده دینار شد مالیات
رزقان سه هزار و دویست و شصت تومان مستاجر منه آستنه
بنیان الملک پسر محمد رضا سلطان الدوله متنی جناب
صاحب دیوان است محصول اینجا جو و گندم و
ذرت و تریاک است مشروب زراعات از
قنوات متعدده است و مشروب عموم از چاه است
و آب انبار است که معتدل ساخته آب قناة مسلط
در شهر نمی شود رزقان شهرتش غالب است مردمش زیاد
متمولند غالب مالک بیت و سی هزار تومان هستند حسن
رزقان وسیع و مرتفع و در صفا و نزهت مشهور است
بیست چهارم شرح شنبه بیست و چهارم امشب

امشب منزل جناب عماد الشریعه موعود بودیم رفتیم جناب
امام جمعه تازگی خانه در رزقان خریده شد تا منزل ما بمانند
پنجاه قدم واقع عماد الشریعه در آنجا تشریف داشتند جوان
آراسته معقولی است منزل امروز کنار و مسافت چهار
فرسنگ در اهش بسیار خوب است پس از صبح صادق
حرکت نمودیم با یک نفر سوار کوچک در عرض راه کاه و تمام در
نقاطی که در زمستان زیاد با بلدرق و فراوان بود بسته به
غالب آنها مستطیل بود پس از دو فرسنگ به یک خان ا
رفتیم رود خانه بزرگی است به نام ریسیریم بانی معلوم نبود ولی
مرحوم مشیر الملک تعمیر کرده پنج عدد از دسته گذشته
وارد شدیم در خانه جناب امام جمعه شیراز ساخته بود منزل

نجف کناره هوای فرح انگیز و چمنی وسیع و بهجت آمیز
دارد مشروب زراعات دانجا را از آب رودخانه مشروب
مردم قریه از آب چاه است تقریباً دویست خانوار جمعیت
می‌شود غالب آنها بی‌اضاعت و بکشتمند زراعت
آنها دانجا کاری وجود ذرت و ارزن و غیره کناره تکیه
جناب امام جمعه دکلبور جناب امام و زنیة الملک صبیه
مرحوم حاجی نصیر الملک امامزاده اینجاست می‌گویند
دختر حضرت موسی است ع مشهور است به بی‌بی دختران
گنبد و بارگاهش خالی و مخروبه حمام و مسجدی تازه
جناب امام العراث نجف هفت سال است دیمه گندم اینجا
گندم نزدیک در روزگار بعبرت کمتر از اینده مسابی ملخ خوار که

خوارک نجف و مردم بزراعت آتیه امیدوار هستند
حالت پریشانی مردم اینجا بعینه مصداق فرمایش شیخ
فهیم را میفرماید   چنان قحط سالی شد اندر دمشق   که
یاران فراموش کردند عشق   نه در کوه سبزه نه در باغ
شخ   ملخ بوستان خورد و مردم ملخ   شرقی کناره تخت
جمشید واقع مسافت فیمابین نیم فرسخ است عصر
بتماشای تخت جمشید رفته تقریباً دو ساعت مشغول گردش
بودیم غالب آثار باقیه و اماکن عالیه آن مکان ملاحظه
نمودیم   هان ای دل عبرت بین   از دیده نظر کن
هان   آثار دنیا کان نخو [illegible] چنان خراب و مطمور و
عمارات سلطنتی سلاطین عظیم الشأن وطن خود

منهدم و مطموس گردیده و شعر مشهور قاآنی بیادم آمده

این است همان درگه کاو را ز شهان بودی دیلم ملک

بابل هندو شه ترکستان گریه مرا مهلت نداده

و یک بار از دیدگانم اشک جاری شد حقیقة موقع گریستن

و موضع خون شدن بود بر دیدهٔ من خندی کاینجا ز چه

می گرید گریند بر آن دیده کاینجا نشود گریان چه بسیار

ملوک محتشم و سلاطین معظم در این مقام دلکش اقامت

داشته و تاج بخشی‌ها نموده و امروز تمام آنها در زیر خاک

آرمیده و بچشم حسرت بر ما نگرانند گفتی که کجا

رفتند آن تاجوران یک یک ز ایشان شکم

خاک است آبستن جاویدان عظمت داشته از سلاطین

سلاطین فارس تماشای همین ابنیه مخروبهٔ مندرس

کفایت می‌کند و معلوم میشود ز نقش و نگار در

دیوار شکسته آثار پدید است صنادید عجم را عشرتگاه

دستگاه سلاطین ذیجاه امروز کنام کرکس چگونه مرتع و چراگاه

دواب و اغنام و بهائم شده اگرچه تغییر پذیر دنیا

لکن نه بدان و بمیزان دنیا افسوس را از عدم اهتمامات

امناء دولت علیه عنقریب از این آثار عظیمهٔ نیاکان ما

سنگی باقی نخواهد ماند مرحوم حاجی فرهاد میرزا معتمد الدوله

بعضی از ستونها و مجسمه‌ها که در زیر خاک رفته بود فرموده

خاکها را کنده و آنها را نمایان ساخته شنیدم هنگام

پاک نمودن و دور کردن گلها رکابی از طلا پیدا شده بود.

در کجور شاه قلعه رسید که محمد حسین صراف مشهور بقرمزی چون
مباشر تهیه بوده است در از صدق و کذب آن مطلع باشد

بیست پنجم

شرح یکشنبه بیست پنجم

منزل امروز سیوز است مسافت پنج فرسخ است راهش
صاف و هموار است طلوع آفتاب حرکت نمودیم پس
از یکفرسخ کیارخانه پس از دو فرسنگ بحاجی آباد پس
از سه فرسنگ بقریه سیوون ساعت هفت بمنزل
رسیده در کاروانسرای محقری از گل ساخته شده بود
منزل نمودیم قریه سیوز در میان دو کوه مرتفع واقع شده است
زیاده در هوای او محبوس بلکه خانه هاشان محقر و گلین یک
مسجد و دو حمام دارد نام قلعه آنجا هست می گویند ابراهیم

ابراهیم برادر شاه چراغ است بقعه ایست از جانب
جنوبی بمسافت یکمیدان خارج از ده بلکه اتفاقی نه، محصولاتش
غالب مردم سیوز چاروادار هستند امروز چنبر زده خانه
وده و قسمت زیادی در عرض راه دیده شد

بیست ششم

شرح دوشنبه بیست ششم

منزل امروز قوام آباد است مسافت یک فرسخ و نیم است
پس از طلوع آفتاب حرکت نمودیم پس از نیم فرسخ بر دو خانه
رسیده تا زکی جناب صاحب دیوان پل محکمی روی آن
بسته پس از نیم فرسخ بامام زاده عقیل رسیده میگویند
پسر حضرت موسی است در میان مردم مشهور است بسلطان
کرم در دامنه کوه مرتفعی واقع گنبد و بارگاهی ندارد

قوام آباد بها و بعضی از سیورتهای اموات خود را در محل
دخوش دان امام لطفه دفن میکنند و در آنجا آنها هست
ساعت سه منزل رسیده قلعه و باغ قوام آباد از متعلقات
میرزا محمد خان قوام الملک است حصار مرتفعی دور
قلعه کشیده شده شصت خانوار جمعیت در قلعه هستند
در قلعه هشت برج ساخته شده باغ قوام جلو قلعه واقع
است
سالی با کفه ۵۰ اجاره میدهند و سه باغ دیگر غیر از
آن نیز هست چاپارخانه دولتی خارج از قلعه واقع قوام الملک
حالیه در ایام محبوسی در اصفهان نذر نموده بود که کاروانسرائی
در قوام آباد پس از استخلاص خود بنا کند چون مستخلص شد
آن کاروانسرا ساخته زیاد وسیع و محکم و متین است متی در

هتی و از پنجاه هزار تومان خرج نموده و خلوت بسیار خوب
دارد حمامی نیز از ابنیه قوام خالیه خارج از قلعه موجود است
سالی شصت هزار گاو در آنجا زراعت میشود میرزا محمد
خان باستقبال ایالات میرفته با میرزا که شاید کسی
آقاهی باشی نمود دختر زن مرحوم حاجی علی اصغر تاجر کبیر کشی
املاکیکه در مشهد مرغاب دارد نیز میرفته مرحوم امروز دارد
قوام آباد شد

شرح سه شنبه بیست هفتم

بیست هفتم

امشب از میرزا محمد خان میرزن کهم منزل امر کرده
بوات مسافت پنج فرسخ است نیم ساعت از دسته
گذشته حرکت نموده پس از سه فرسخ و نیم بکوهی رسیده از

راهش بسیار سخت بود از سختی مشهور است بگلی ده شکن
پس از یکمیدان بگلی ده شکن دیگر رسیده ولی چندان سخت
نبود پس از چهار فرسنگ بکوهی رسیده از میان کوه راه
باریکی تراشیده شده بعرض یک ذرع و امتداد او زیاد
و هر دو دین زحمت بسیار باید عبور کنند دست راست
کوه رودخانه بود ما از رودخانه عبور کرده وارد جلگه وسیعی
شدیم مشقت راه رودخانه نسبت براه کوه بسیار کمتر
میان عوام مشهور است شمشیر امیرالمومنین ع ان
کوه را بریده ولی نقطه پس از چهار فرسنگ و نیم بمشهد
ام النبی رسیدیم مشهد مادر سلیمان نیز مشهور است
اثار عمارت قدیمی از دست راست پیدا بود مشهور است انجا

انجا مطبخ جمشید بوده شنیدیم سابقا چند ستون شبیه
بستونهای تخت جمشید در انجا برپا بود ولی حالا از انها
یک ستون باقی است از دست چپ دخمه بود
مشهور بمقبره مادر سلیمان یقینا این شهرت خالی
از صحت است و در حقیقت دخمه یکی از سلاطین فارس بوده
احتمال اینکه دخمه دارا است زیاد میرود ساعت هفت
منزل رسیده در خانه حاتم نامی منزل کردیم خانه حاتم
بهتر از تمام خانهائیکه ده نو با انکه مال است آباد شده
پناه خانوار جمعیت میشود محصول انجا گندم و جو و تریاک
و دولت دارد زن و غیره چون تریاک را امسال دو مرتبه زراعت
میکنند کوه مرتفعی در مغرب ده واقع اثار بنای قدیمی

اینجا بود سنگی در آنجا دیده شد اثر قدم شخصی در آن سنگ باقی

مانده میگویند اثر قدم حضرت یعقوب نبی است ع و آن

موضع مشهور است بقدمگاه یعقوب نام کرخزار ده نو

ملک ایل تقه است اما مشهد مرغاب و مشهد ام البنی

و ده نو و کردکشور و قتار آباد پنج ده معتبر بند و یک بلوک

محسوب میشود و در تحت لوای نایب الملک است اجاره

آن بلوک هشتصد تومان است سنه گذشته در رفیق شفیق

و صدیق دقیق میرزا سید حسن بمشهد مشرف شده بود

در ده نو در منزل حاجی الیاس ما منزل داشت جهت

بگذرد بر عاشق دلدار که بی دلدار هیچ جای دلدار

امروز هوا زیاد گرم بود مشرف به اعلی وزرا است

و زراعات از آب رودخانه و غالب مردم اینجا بی

رضا عشتند صنعت اینها قالی بافی است قالی اینجا مشهور

نقاله مشهور است در پائیز و تابستان مشغول بافتن قالی

میشوند

هشتم

شرح چهارشنبه هشتم

منزل امروز خانه کرکان است مسافت پنج فرسخ

پس از طلوع آفتاب حرکت نمودیم راه امروز بعض مواضع

صاف و هموار و بعض مواقع سنگلاخ و پر بود گردنه

در عرض راه یک جوی بود که بسیار سخت دشوار و

گردنه دیگر هم که از صعب و دشوار بود در عرض راه

امروز ده و قریه نیست تمامش کوه و جنگل و درخت است

ساعت هفت وارد شدیم کاروانسرا جا نداشت درست
کاروانسرا منزل نخوییم خانه گرگان عبارت است
از کاروانسرا مخروبه و ده با پنجه نفر رعیت که در حجرات
کاروانسرا منزل دارند ساعت نه هوا ابر شد باران
و تگرگ زیادی گرفت عرصه بر ما تنگ نمود مجبوراً از حجره‌ئی
ناچی خواهش کردم حجره خود خالی کرده بما داد چون جا زیادی
تنگ بود و شب در سکوئی که در اصطبل بود و از
چهار طرف شش های بسته شده بود خوابیدیم از ضیق مکان
و کثافت جا و آشوب مردم زیاد بد گذشت امروز
میرزا علی اکبرخان سرتیپ دوم پسر میرزا حسین خان
تفرشی مشهور بمعیری با همین انکه تفنگ دار باشی بود

باستقبال ایالت فارس میرفته و میرزا علی محمدخان
وارد اینجا شده علی اکبرخان مشروبات زیادی صرف میکند
و نژاد غریبی است غربی خانه گرگان بفاصله نیم فرسنگ
دهی است موسوم به بیان حمامی در اینجا هست و از جانب
شمال بفاصله یک فرسنگ قریه موسوم بفیروزی
واقع آب رودخانه از جلو کاروانسرا میگذرد و
کنار رودخانه مقبره بود قبه دار شنیدم مقبره یکی
از خوانین است کاروانسرا البته مختصر و کوچک بود
اگرچه مشهور بشاه عباسی است ولی یقیناً از ابنیه
زمان زندیه میباشد

بیست نهم شرح پنجشنبه بیست نهم

منزل امروز ده بیر است مسافت چهار فرسخ است
یک از دسته گذشته حرکت نمودیم از دو پل معتبر
گذشته هر دو نحو یک خانه گرگان و از قدیم نهجه و
مرحوم حاجی محمد صادق اصفهانی تعمیر نموده یکی روی
رود خانه دیگر روی نقطه که در زمستان زیاد باتلاق
میشود بسته شده کوه مرتفعی شبیه بقعه چه از دور پیدا
بود چون آنجا رسیدیم گفتند مسافت [illegible] نصف
[illegible] صاف و فراز و نشیب چندان نداشت
ساعت شش وارد شده [illegible] در حجره بتخفیف نام
و سبزه در حجره همنام نمودیم منزل نمودیم کاروانسرا
از ابنیه شاه عباس است با وجود هر مرتبه تعمیر باز

باز هنوز رسی و خراب شده در حجرات آن عشقها
نشسته و [illegible] باید ساعت ابرام و الحاح کنند
و مبلغی بدهند تا حجره خالی نمایند مگر اتفاق افغانها
و چاپارخانه مغربی کاروانسرا است ده بیر ملک محمد
خان خواهرزاده حمید [illegible] خان نواب است که نایب
درّاتی انگلیس است و در شیراز نیز مزرعه و ده توابع
ده بیر است مالیاتش تقریبا هزار تومان [illegible]
گنبد سیاه بهرام گور مغربی کاروانسرا واقع حالی از آن کوه
رفیع البنیان [illegible] برج مانند [illegible] است
چو خوش بگوید منوچهری   بر جای جام و دُرد می
گوران نهادستند پی   بر جای چنگ و نای و نی   آواز

زاغ است و زغن هوای ده بسیار سرد بود و حاجت
با آتش افتاد و سرمای این موضع مشهور است

غرّه ج ل

شرح غرّه جمادی الاولی

شب رؤیت هلال نهم منزل امروز خانه قره‌بهار
پنج فرسخ است یک از دسته گذشته و کتل کهم پس از
دو فرسخ بگردنهٔ کوه اکش رسیده وجه تسمیه‌اش شهرت
بر قول است سالی انگلیز بود که چند نفر در آن گردنه از سرما
تلف شوند همان سیم کش انگلیسی که با ما رفیق بود
در همین گردنه دوام زرکانی نهم پس از فراز و نشیب
کردند براه مغسته تنگ رسیده نخودکی بمنزل موکب
جناب ناظم الدوله رسیده اشد پیرحو متفکر خوش

خوش منظری بنظر آمد از صبح تا بکمال لا ینقطع بنه
بود و سوار که میرفتند ساعت هفت وارد منزل شده
در خانه شخص حاجی رحیم منزل کردیم نام پیرچی محمد حسین بیک
بسیار متمول و قطور است نام پسرش محمد تقی است
دختر کوچکی نیز دارد که گلوبندش بغیر القفه بیک چیرچی یوزمق
هست برادرانها محمد کریم بیک از ابتداء وضع لیت
در اکثر ایل چیرچی بچه سه سالی قباب در عرض راه مشهد
فوت شد شنیدم نفاق نموج بچه چیرخانه صد قدم
دور از منزل است کاروانسرا مخروبه از ابنیه شاه عباس
بفاصله ده قدم برابر چیرخانه بود حالا بمنزل باغی
از معزوبات محمد کریم بیک هست شروش از آب

قنات است محصولش سالی صد تومان اشجار رز زیادی دارد

شرح شنبه دوم

دوم

امشب هوا زیاد سرد بود منزل امروز سورمق است

مسافت هفت فرسخ است راه خشن و ناهموار است

ساعت یک حرکت نموده ساعت هشت منزل رسیده

در چاپارخانه منزل گرفتیم غیر لقمه یک زیادی خبری

نمو حقیقتاً جوان معقولی است متبد ترک است

بسیار ضعیف و نحیف است نام پدرش علی است

و سه دختر نیز دارد عصر بتماشای گنبد سبز بهرام رفتم

شمالی قریه واقع آثار در طبقه عمارت از آن کوشک

عظیم البنا باقی است در اطاقهای آن اشیاء عتیقه

عتیقه زیادی پیدا میشود قبرستان مردم اصلی گنبد است

رباعی مشهور خیام بنظر آمد که خالی از لطف نبود مرقوم رفت

آن قصر که بهرام در او جام گرفت روبه بچه کرد و شیر آرام گرفت

بهرام که گور میگرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

سورمق قصبه معتبر آبادی است ده پانزده ده توابع آن میشود تمام

متصل بیک دیگر نیز یکی از آنها فیض آباد است میان فیض آباد

و سورمق سه میدان اسب تقریباً میشود در خود سورمق شش قلعه

موجود حمام و مسجد دارند چهار صد نفر خانوار و هزار جمعیت میشوند

قصبه سورمق از توابع آباده است و چهار هزار تومان مالیات آنجا است

ضابط سورمق خسروخان است عموی او اصغرخان در ۲۹ صفر

هذه السنه بختیاریها در منزلش ریخته و تفنگش را نیز برده است

جدید فارس اهتمام کنند دو بمیرزا حسین خان و حاجی ملا و مشهدی
حسین و عباس خان بسته و اینها را محبوس با نحو بفارس بکشند
هر چهار نفر از ساکنین آنجه و متهم ببابیت و متمول هستند

سیم

صبح یکشنبه سیم

منزل امروز آنجه مسافت چهار فرسخ است در از دسته گذشته
و کت نحفه راه صاف و هموار بود ساعت هفت منزل
رسیده در چپرخانه فرود آمده نام چپرچی حیدر بیک و کلانتر چپرچی
مشهدی حاجی و نوکر اینها حسین است از سورمق تا آنجه باغ و
زراعتگاه متصل یک دیگر بود پس از ساعتی حاجی ملا عبدالله
تشریف آورده و اقام توقف ما را بمنزل خود دعوت کرده قبول
نموده رفتیم خانه بسیار خوبی بود عمارت از اثر روانی مخصوص

موقوف و خلوت کوچکی است جناب حاجی از اهالی شیراز
و خانه در شیراز در محله سنگ سیاه نزدیک خانه ورثه مرحوم
حاجی محمد حسن مردول دارند بیست و سه سال مبلغی بوطن آنجه اختیار
نموده گاهی بشیراز میروند عیالی از مردم کف در آنجه گرفته
یازده مرتبه بعتبات عالیات و سه مرتبه بمکه معظمه و سه مرتبه
بمشهد مقدس مشرف شده اولادشان منحصر است بآقا علی اکبر
سن یازده و آقا علی اصغر سن ده ساله و غیره مشغول کار زراعت
و زراعت و ملاکت و مبتر هستند در سالیفه هم ۱۳ رجب هزار و
دویست و پنجاه و هفت ۱۲۵۷ متولد شده در ارض تاریخ الان است
نیم فرسخ از سورمق گذشته هوا زیاد سرد شده پس از ده دقیقه
مسافت باز گرم شد شنیدم در آن موضع همیشه برقرار

و سرما هست در آنجا برالین برخورده ما آمدش همراه بچه چون
رئیس بانک شیراز ناخوش شده و از حالش ما پیوسته حال
دالین را رئیس کمپ شیراز میرد و سابقا هست بوشهر نیز
داشته امروز عصر تلگرافخانه ایرانیها رفتم تلگرافچی زال خان
نوه مرحوم تک بیک است در اسب فروش بچه حاجی آقا پسر منیر
بانی دو سه روز است بی یاری از شیراز با بچه لشکر در چیر خانه
منزل دارد باز معاودت بشیراز میکند

چهاردم

شرح دوشنبه چهاردم

امشب در چاپار خانه مهمان حاجی آقا هستم در آنجا بسیار خوش
گذشت امروز در آبیه اتراق نمودیم صبح حاجی آقا بزرگ خان
رئیس پست میرزا لکه هیجده ماه است مأمور ریاست

یافت اینجا است بحمام رفتم مشهور بحمام کوچک بسیار
بد و کثیف بود امروز هوا معتدل است عصر زال خان
میرزا لکه شش ماه است مأموریت آبیه حاصل کم
املاک زیر سر ایتکه ماکو زراعت آبیه جو و گندم و [illegible] و تریاک
سالی هزار من شیره تریاک از توابع آبیه عمل میآید
اقلید و دورنق و کوشکک از مضافات آبیه محسوب میشود
[illegible]
مالیات آبیه بیست و سه هزار و پانصد تومان است زین العابدین
خان وزیر بیست و پنج هزار تومان مطالبه کرده بود ولی ایالت جدید
نداده و پانصد تومان تخفیف برعایا مرحمت نموده قنوات
آبیه تقریبا چهل رشته میشود شرب مردم از آب قنات
الحال آباد است و از آب چاه ولی آب چاهش از قنات

کوالا تر است چهار حمام دارد و حمامش مشهور بکوچک

دو مسجد معمور و یک مسجد مخروبه از ابنیه عمر عبد العزیز

در موقعش در شرح شهرها است و یک کاروانسرای تاجر

نشین و چند کاروانسرای بارانداز در آنجا است مرکبات

در آنجا می شود کاروانسرای جدید البنا در خارج قلعه از مستغلات

حاجی وکیل است تلگرافخانه انگلیسیها و ایرانیها خارج از

قلعه یک دیگر متصل است چیرخانه نو یک انجا است قبرستان

محی ذی چیرخانه واقع در آنجا باغات زیاد است

شرح سه شنبه پنجم

امشب از زال خان بازدید کرده رئیس تلگرافخانه انگلیسیها

و رئیس پست انجا بهر رئیس تلگرافخانه انگلیسیها شش سال است

سال است با کیلان آنجا شش ماه است مامور آنجا شده

پس از آن زین العابدین خان حیران مالکه حکومت آنجا

تا نه گرفته و وارد شده جوان معقولی است کلبور جناب

فصیح الملک است از همراهان جناب ناظم الدوله سوال

نمود فرستفید میرزا اسمعیل خان اعزاز السلطنه کلبور

سلطه و ولایت ایالت و جلال الملک کلبور احتشام الدوله

و کلبور ایالت و حبیب الله خان صولت السلطنه فرزند

ایلخانی قشقائی و حاجی محمد تقی شوریده فصیح الملک شیرازی

پست وارد شده خط میر سید حسین بهم خطوط چند نوشته شد

با آقا سید حسین و آقا میرزا عبد الله و نصرت الله و میرزا عبد الله

خان و فرصت و آقا سید حسن عکاس و رضا قلی خان و میرزا محمد

رئیس بیت کازرون منزل امروز شورکستان است مسافت

پنج فرسخ است هم از دسته گذشته حرکت نمودیم راه بسیار

صاف بود ساعت هشت منزل رسیده در اطاق نظمیه منزل

نمودیم مالیات شورکستان سیصد و پنجاه تومان است زراعتی

نمی‌کنند قنات از بیست ده میگذرد آبش زیاد کم است اطاق

نظمیه سید میر محمد پسر حضرت سجاد است ع در صدر دولت

شهادت یافته بقعه را شیخ الاسلام بزرگان ساخته

در سنه دویست و سی و پنج (۲۳۵) عبدالرحیم بزوادی تعمیر کرده در سنه

هزار و دویست و هفتاد و یک (۱۲۷۱) باز مرحوم مشیر الملک مرمت

نموده حالا باز رو با خرابی نهاده خلوتی در آنجا ساخته شده

هر در زمین در آنجا منزل میکنند بولیف نام در نجف متولی است

متولی است پیر خانه و قبرستان و کاروانسرای شاه عباسی

خارج از ده قسمت اطاق نظمیه واقع در قلعه حمامی هست

شرح چهارشنبه ششم

ششم

منزل امروز ایزدخواست است مسافت شش فرسخ است

راه بسیار خوب بود پس از طلوع آفتاب حرکت نمودیم

ساعت هشت منزل رسیده در کاروانسرا منزل نمودیم

از ابنیه شاه عباس است مرحوم مشیر تعمیر کرده ایزد

خواست از زمان جمشید آبادی قصبه سابق شهرت داشته

حالا قریه معتبری است در میان دره و فراز کوه واقع

خانه‌ها روی یک دیگر ساخته شده آتشکده را مسلمین آن را

مسجد کرده هنوز باقی است مشهور است امام حسن در او نماز

که مالیات اینجا ده سالی قبل چهارصد و بیست تومان

بعد حالا هزار و سیصد تومان است میان ده و کاروانسرا

رودخانه میگذرد و تپه از قدیم داشته مرحوم مشیر مرمت

کرده سیصد و پنجاه خانوار جمعیت میشود زراعت آنجا جو

و گندم است امامزاده که از ده واقع بعضی میگویند

سید علی پسر سید احمد نوه حضرت موسی است نقی برخی

مشهور است فرزند بلافصل حضرت موسی است که جمعی

معروف است پنج امامزاده دران بقعه مدفونند در قریه

دو حمام موجود است

شرح پنج شنبه هفتم

هفتم

امشب میرزا احمد پسر میرزا عبدالله که از اعیان اینجاست

اینجاست پدرش سنه گذشته وفات کرده منو آستنه شالکم

رکن الدوله بدون جنایت و غیبتی هزار و پانصد تومان مصادره کردش

زیمو انگور جعبه ما تعارف آورد فریدون نامی نیز کتوما

کرده صبح باز میرزا محمد کمی انگور و پنیر و نان خشک تعارف

آورد منزل امروز مقصود بیک است مسافت شش فرسنگ

است اکثر خوب است آخر خاک فارس که از دسته

گذشته و یک نفر پس از سه فرسنگ با ملین آباد رسیده

گذرون جناب ناظم الدوله اینجا بعد شیراز میرفتند ساعت

نه منزل رسیده در کاروانسرا منزل کردیم کاروانسرا جدید

البناست مستحکم تر و خارج از ده است مقصود بیک

ملک قاسم خان امیر پدر والده شاه شهید محمد علی

بجلیک الدین بمبلغ بخشیده شاهزاده جلیلی بجناب نظام

السلطنه و حاجی عبدالحسین خان در سه هزار تومان فروخته حال

در شش هزار تومان از آنها میخرند و ملیفر وشته و آنها آن

قریه را نانخوارکی عباس خان چاپارچی کرده که ده میر آب

و شاه ره کوچک ملتصق به یک است هر دو ملک شاهزاده جلیلی است

هشتم

شرح جمعه هشتم

منزل امروز شاه رضا است مسافت چهار فرسخ است

راه بسیار خوب بود از دشته گذشته و کوه همه از

دست چپ تا قمشه لاینقطع ده و قریه و باغ است

سیم تلگراف از دست راست کشیده شده ساعت یازده

منزل رسیده در صحن مشیر الملک اصفهانی منزل گرفته

گرفته نام امامزاده جعفر لقبش شاه رضا فی نفسه صحن

مصفائی است دو صحن دارد قدیم و جدید عمارت صحن قدیم را

از جانب مغرب شاه اسمعیل صفوی ساخته از جانب

مشرق در زمان زندیه بنا شده از جانب شمال در سنه

حبیب جعفرخان نامی بنا که گنبد مطهر در صحن قدیم از

جانب مغرب واقع در زمان صفویه بنیان یافته

ولی بانوی عظمی صبیه خاقان شهید در سنه ۱۳۰۹ مرمت

نموده و آئینه کاری کرده و ضریح را نقره نموده شنیدم

چهار هزار تومان پیش خرج شده و دروازه حرم مطهر

قهرمان میرزا صارم الدوله پسر او از خاتم ساخته صحن

جدید در جنوب صحن قدیم واقع شده بانی مرحوم میرزا حبیب الله

مشیرالملک است در بازار سر دسته کم که چهار حجره
لش لاله رنگ فرنگ نیم در ستون یکی از آن حجرات
بعضی الفاظ رحمه شد در مدرسه حاج محمد مهدی ملک التجار
۱۱ مدرسه محمد معین التجار بوشهری در وسط حوض
بزرگی است ولی هنوز تمام نیست حوض و دریاچه و انبار
مستقر ده در صحن قدیم موجود است مرغابی و ماهی در آنها
بسیار است از چشمه آب در آنها میرود حقیقتاً محل صفا
و نزهت و تفرجگاه بسیار خوبی است شاه نظر اصفهانی
که از شعرا بوده و حالت الله در حاشیه مرقع نحوه در زمان صفویه
متولی آنجا شده تولیت تا کنون در اعقاب او باقی و امروز
اخلاف او مردمان نجیب و از تمام مشهور و سنی در میان نحوه

[illegible]

نحوه قدیم که مقبره قاسم خان امیر در شمال صحن قدیم است
حجره دو تاقچه جداگانه ملک قبور زیادی در صحن جدید است
آب انبار کوچکی در صحن قدیم بوده ساختمانی از اهالی که امروز
فوت شده در تشییع جنازه حاضر بودم حاکم قمشه شاهزاده
جلالی است مرحوم حسام الدین میرزا پسر او در حجره در صحن
حجرات صحن جدید است مدفون شد

شرح شنبه نهم

نهم

مادر مشهدی عباس سکاری ما فوت که بود امروز مشهدی
عباس مشغول فاتحه خوانی شد و ما اتراق نمودیم شاه رضا
بهشته سرحال است و ما از قمشه تا شاه رضا [illegible]
در شاه رضا است مقبرهای صحن جدید و صحن جدید سپرده

[illegible]

خان جان نامی پسر محمد است میرزا احسن درویش از
اهالی طهران و الله بهای ملقب بدرویش شاه رضا در صحن حرم
متوقف است و برادر پیشخدمت میرزا علی محمد خان کارگزار
بوشهر با بنه و اسباب سوری الیه روانه شیراز است و
روز گذشته وارد شده هوا خوب است نحو ما آخر

دهم

شرح یکشنبه دهم

منزل امروز قهپایه است مسافت پنج فرسخ است پس از
طلوع آفتاب حرکت نمودیم ساعت هفت بمنزل رسیده
چهار در کاروانسرائی بود از ابنیه شاه عباس شنیدم بهتر از
تمام کاروانسراهای شاه عباسی است

یازدهم

شرح دوشنبه یازدهم

منزل

منزل امروز اصفهان است مسافت نه فرسخ است
ساعت چهار از شب حرکت نمودیم طی مسافت باعث
حرکت شب به هوا بسیار سرد است میان راه گردنه
اورچینی است تقریباً دو نیم ساعت اسب باید زیر شیب
رفت تمامش سنگلاخ که ده نشین از جهت صعوبت راه
پیاده می شوند اورچینی نزدیک دروازه است دو فرسخ بشهر
مانده بپشت مرغ رسیدیم مرحوم محمد علیخان دائی شاهزاده
اعظم سلطان مسعود میرزا ظل السلطان کاروانسرائی
ساخته و چاپارخانه دولتی آنجا هست از آنجا پس از مسافتی
بهزاردره رسیدیم همه تاک و ماهور و تپه های تو در تو است
فراز بعضی از تپه ها شهر پیدا بود تقریباً یکمیل طی هزار

دره‌ایست که چشمه آب کوالا در آنجا جاری شده جنب بر
یک آب انباری ساخته شده در آخر مزار در آن قلعه مخروبه ایست
شنیده‌ام در سوابق ایام شخصی کفش دزد بوده از قیمت کفشهای
مردم خود آن قلعه را ساخته بهمین لحاظ بقلعه کفش دزد
مشهور است از آنجا بتخت پولک رسیدیم مقبره عالیه
اهالی آنجا است میگویند حضرتی است و پس از وادی السلام
زمین بشرافت تخت پولک است بسیاری از اولیا آنجا
مدفونند شنیده‌ام هزار و دو نفر از اکابر با تپه آنجا است
میرزا حسن و میرزا حسین هر دو سید کلاهور بوده‌اند که از قمر کار است
ثروت زیادی داشته‌اند و در طریقت نحو زیادی کوشیده بعد
در صفحه[17] های کتاب بتصویب رحمت پناه میر محمد حسینی

حسین امام جمعه هر دو را شاه ظالم ظل السلطان سر برید
بسبب طمع طلبکی که محکم بعهده‌اند در الفیه[12] هزار تومان مرحوم امام
مدیون آنها بوده همه اسباب تا تشویق کرد میرغضب
چون خواست شغل خود کند یکی از آنها اشعار در حال
در نهایت وجد و شوق شعر خلیفه را خوانده‌اند ای خوشا
حالت آن است که در پای حبیب سرو دستار ندانند که کدام
اندازد رئیس طایفه مزبوره حسن را سلطان الشهدا
و حسین را محبوب الشهدا لقب داد که جانب عبدالحسین
نامی از شعراء آن طایفه گوید هستیم حسین و حسن ارض
صاد کس نشنیده است و نزار و بیابد میرزا جعفر متولی
آن دو مزار است از آنجا بباب خواجه رسیدیم از آسیه

معتبره، سلاطین صفویه است رهی زاینده رود بسته شده

هفت دست که از عمارات مشهورهٔ اصفهان است

می زیباتر از آن است پیرامون لذائذی چهار رخ نقاشی

رسیده از ابنیهٔ صفویه است سر چهار سو صلوات سلاطین

صفویه نقش نخچیر از بناهای عالیه بقیه ولی حال مخروبه و خارج

شهر واقع است میرزا حسن روضه‌خوان که از بوشهر

مهمان ما بوده و منزلش در محله بیدآباد است در اینجا

وداع نموده از ما جدا گردید از چهار باغ صدر و باغ و خانه

میرسلیمان خان رکن الملک نایب الحکومهٔ حالیه اصفهان

و باغات و حمامات و عمارات و مساجد بسیار گذشته

سه ساعت از دسته گذشته وارد منزل شدیم مهمان هستیم

میرزا محمدخان سرهنگ تحویلدار تلگرافخانه هستیم

در محله کف آباد نشسته خانهٔ خیلی از خود جاکو سه دستگاه است

یک دستش مخروبه است آب جاری از وسط خانه میگذرد

خان سرهنگ اجدادش از قائن و سیستان آمده

توطن اصفهان اختیار نموده‌اند بیش از پنجاه گذشته

بسیار فربه و ریشش است سیاحت هندوستان و

شهرهای مختلفه سابقاً مشغول عکاسی بوده در هنر عکاسی

مرتبه التزام خدمت والد داشته حالی در تلگرافخانه

کمیسر و بنیاد به تقاعد مواجب دارد داماد مرحوم سلطان

ملکش میرزا است سه کار آراسته میرزا جعفرخان

عکاس اعلیحضرت اقدس همایونی در ایام ولایت

عهد چهارساله از سرهنگ کوچکتر بسیار شکسته و چشمش
ضایع شده صد تومان مواجب ماه آن سنه در حق او مرحمت
کرده و میرزا علینقی خان رئیس تلگرافخانه نیز جوان بسیار
آراسته و معقول و خان سرهنگ هم شبیه دار از هیئت
عباس خان تلگرافچی پسر آقا محمد کاظم داماد اوست

دوازدهم

شرح سه شنبه دوازدهم

میرزا حسنعلی خان کاشانی و شاهرخ میرزا و آقا محمد
کاظم نقاش میرزا آقا خان سنه ماضیه حکومت
عراق داشته حالا خزانه و انبار دولتی تحویل با اوست
او دایی در خدمت مرحوم میرزا یوسف مستوفی الممالک
بچه‌اش آقا پسر مرحوم آتش میرزا نوه محمود میرزا

میرزا نبیره فتحعلی شاه است در حدود خمسین است
بسیار محترم است اولادی متعدد دارد فرزند رشیدش
خان بابا خان است با آنکه شاهزاده آقا محمود میرزا از
شاهزادگان محترم در اردبیل است بسیار فاضل
بچه نقاش مردی است معتبر سی سال حالا که حقا می‌برد
در نقاشی استاد است و مشهور پس از رفتن آنها رفتیم
بیرون میدان شاه و دم قاپی و قیصریه و بانک و
مدرسه صدر را تماشا نمودم میدان شاه در طول از مشرق
بمغرب هزار قدم است از جنب شمال و جنوب
سربازخانه عقب سربازخانه از دو طرف بازار است
در وسط میدان اشجار متعدد و چند سقاخانه است

ع قاپی از عمارات عالیه و سه مرتبه و از ابنیهٔ سلاطین
صفویه در وسط میدان از جانب شمال واقع است
که از سلاطین صفویه دروازه حرم مطهر حضرت امیر (ع)
اتقیه الی نصب کرده در عوض دروازه نقره بنجف اشرف
فرستاده قاپی بزرگ یعنی دروازه اما قیصریه شرقی
میدان واقع و دو مرتبه است در مرتبه تحتانی چند دروازه
هست که به بازارها باز میشود در مرتبه فوقانی کوشک
ملوکانه ساخته شده بانک در حجره واقع است در بالاخانه
گمرک که به میرزا آقاخان سرتیپ و در بانک منشی است
و سید عبد الرسول نامی صراف است مدرسه صدر
از ابنیه مرحوم صدر اصفهانی است بسیار محکم

محکم و بخشش وضع ساخته شده صاف و روح و نزهت
بسیار دارد

سیزدهم — شرح چهارشنبه سیزدهم

پست شیراز شب وارد شد خط حاجی سید حسین و خطوط
اینجا نوشته شد جناب والد سلیمان و ناظر ابجد
و امام جمعه و احمد خان و ناظم است و سید علی و
احمد خلیفه و احمد عطوفی و لطف و محمد و شاه محمد و آقا سید
عبد الله و سید حسین و معتمد الوزاره نوشته شد بنده
بناظم است و سلیمان و محمد جراحی و آقا میرزا محسن
و جعفر افندی و آقا سید حسین و عبد مرضا و آقا علی اکبر و
آقا میرزا عبد الله نوشتم امروز طغرل خان پیشنهده

شاهزاده اعظم ظل السلطان که از جانب
حضرت والد تهنیت ورود ما آمده اتفاق برای نخو میرزا
ابراهیم تلگرافچی و میرزا باقرخان منشی حضور
حضرت والد عین که منشی حضور بسیار جوان آراسته
و معقول و نجیب است پست طهران روز پنجشنبه پست
شیراز روز دوشنبه وارد و روز پنجشنبه کلیه شیراز
و روز دوشنبه کلیه طهران حرکت میکند کاری در روز دو
پست دیروز دو ملحق

شرح پنجشنبه چهاردهم

چهاردهم

۱ حیدر علی نقاش عین که پیر عموی ۱ محمد کاظم
نقاشباشی است در حدود شصت است با فورکش است

با فورکش است معمول یومیه او شش نخود تریاک است
امروز زیارت امامزاده اسمعیل رفتیم اسمعیل دیباج
پسر ابراهیم غمر نوه حسن مثنی پسر امام حسن است ع
مادر ابراهیم فاطمه دختر امام حسین است ع در حبس
منصور دوانقی اسمعیل دیباج شهید شده گنبد و
رواق و ضریح مفضض شاه سلطان حسین صفوی ساخته
صحن امامزاده مشرق ضریح واقعست قبور بسیار در او
دیده شد اولکو میرزا حستع خان کاشانی در رواق
مدفون شده جنوب ضریح مدفن شعیاء از انبیای بنی اسرائیل
ضریح چوبی دارد مقبره شعیاء خارج از گنبد در وثاقی
جداگانه است قبور زیادی حول مقبره شعیاء است جنوب

صحن مسجد کوچک است یعنی نسبت بمساجد عالیه اصفهان

برجوب ضریح حضرت شعیاء منقور است

وجدنا فی کتاب اصفهان اول مسجد کبیر

بنی باصفهان مسجد شعیاء و بناه ابو عباس

المفتی فی زمن علی ع و عمره الب ارسلان

بعد نیف و خمسمائة الخ

در هزار و یکصد و یازده ۱۱۱۱ هجری تعمیر یافته در محراب مسجد سنگی

نصب است رو بمسجد سنگ را جا داده که رو بمقبره شعیاء

حجاری شده و ناهموار و برجسته است میان برجستگی

درخشنده که دارد شبیه برزخشنده که کبریت میکوبند بش

نیز همین روشن در اول است شمال امام نقطه غبار کهنه سال

سال در شاخه قطوری است در ریخ تقریباً بیست ۲۰ قدم ملکوت

پانزدهم

شرح جمعه پانزدهم

امروز هوا ابر سرد است صبح آب یخ بسته بود رفتم

بیرون مسجد قطبیه تماشا کردم در محله ... واقع

شده مسجد را در سنه هزار و سیصد و هفت ۱۳۰۷ خراب کرده تجدید

بنا نموده اند سر در قدیم هنوز باقی است از کتیبه کاشی

سر در معلوم میشود مسجد از ابنیه شاه طهماسب صفوی است

شانزدهم

شرح شنبه شانزدهم

صبح میرزا حسنعلی خان درشکه فرستاد سوار شده رفتیم

درخانه در باغ کاج ارکه که نوح خان مزبور نشستیم اذان

سر قنات دلکش شد جناب والد و بنده حضور رفتیم نهایت

لطف و مرحمت لاتحصی ساعت ورود جناب والد اذن

جلوس دادم ایشان که زیر دست سلطان حسین میرزا

نشسته در حالی که معتمد حاجی خان پیش چون پیرتر زمین

گیر که سه مرتبه بیشتر از فرنگستان بعد رو بلند باشی که فرنگستان

بارها می نمود از شاه شهید و مرحوم مستوفی و صدر اعظم شنیدم

که می گفتند حاجی احمد خان درخت اشرفی و لیره ما است

می نمود یا وز از نیم ساعت هزار ازو که قسم اول ایشان در

شیراز همه آقا را بهی لحظه می فرستاده بود که هنوز هست

تا حال آقا را بهتر بهتر از کی ندیده ام همه حاجی خان خطاب می فرمود

پس از ما عظیم الدوله آمد پس از ساعتی ده قدم پایین

دست حاجی خان اذن جلوس یافت آخر مجلس حضرت والا

والا برخاست مشغول تماشا رفتیم به کوشک شاه دو کید تیمور به

انگلیس گفته پس از ده مرتبه اینها اذن مرتضی خان

که مراجعت نمودیم از این جهت ستون رفتیم جلو عمارت

حکومتی واقع است در فضای عمارت اشجار زیادی غرس

نموده و گلکاری ها نموده که در خیابان چند

از سنگ تراشیده و منصوب ساخته جلو عمارت

تالاری است تقریباً سی ذرع در سی ستون است سابق

تمام تالار آئینه کاری بوده حالا همه آئینه ها را

کنده و رنگ فرنگی زده اند در حقیقت عجب عمارت

ملوکانه ایست چو فضای سی با دوران بنا شده عمارت حیران

میمانند همه تماشا پشت بام عمارت است که چگونه

چوب بست سقف آن عمارت شده در اوطاق در میانش
از همه عجیب‌تر شش مجلس صور سلاطین صفویه و
غیره کشیده شده مجلس اول شاه طهماسب است و نصیر
الدین محمد همایون پادشاه هند در محفل طرب نشسته
ساززنها و نوازنده‌ها مشغول سازندگی و نوازندگی هستند
دوم شاه عباس اول است و همان محفل و یکی از
سلاطین اوزبک همسر شاه سر یک دستر نشسته
سوم نادرشاه است چهارم شاه اسمعیل اول است
پنجم جنگ یکی از سلاطین صفویه همسر حرب ایلدرم بایزید
سلطان عثمانی است ششم شاه اسمعیل دوم است
صور مذکوره در زمان نادرشاه کشیده شده از درون اوطاق

اوطاق در یکی از ستونها صورت شاه شهید ناصرالدین
شاه ایستاده و کلاه معمولی قدیم الاین پوشیده
در حالت جوانی از بیرون صورت شاه شهید را بهمان
۱۱۱۸
وضع ولی نشسته کشیده‌اند در هزار و یکصد و هیجده چهل
ستون آتش گرفت خالجه تا عرکوید هزار و یکصد و
هژده از هجرت نبوی گذشته بود که آتش بچهل ستون
۱۱۱۹
افتاد در هزار و یکصد و نوزده مجدداً تعمیر نمودند سه چهار
آیة الکرسی بخط خوب در ستونها مرقوم است کتابت
اینها همان سنه است آنچه بنظر میآید اصل بنیان
از زمان سلاجقه است قرآنی بخط امام حسن ع چهار صد و
هفتاد و چهار ورق است در پوست آهو نوشته یک ورق

از قرآن ناقص است جلد قرآن ساغری سیاه و جلد
صحیفه بخط سید سجاد ع در پوست آهو نوشته جلدش
ساغری برم بسیار ضخیم و سنگین و طومار عهدنامه
امیرالمؤمنین ع بمالک اشتر بخط هاشم بن عتبه
بن ابی وقاص در ماه صفر سنه چهلم نوشته شده و قرقره
شاه صفی جد سلاطین صفویه رنگش رنگ نخود
پاره و منبر شبیه بکلیچه های عالیه است و کهنه سیاه
کعبه معظمه و در آنجا زیارت عمومی متولی آنکه سابقاً در
قاپی نهاده بهر ماه در جلو ستون از کهنه قرآن
و صحیفه و طومار هر سه بخط کوفی است طومار را این
هر سطر ترکی و عربی ترجمه صحیفه هاشم را در همه کتب بهمان

بهمان اسم ذکرش مخفی لذا در این طومار نام نخواند
هشام نوشته شاهنشاه اعظم ظل السلطان فرزند
ارشد شاه شهید ناصرالدین شاه است در بیستم
صفر سنه هزار و دویست و شصت و شش (١٢٦٦) از بطن عفت السلطنه
طالب لقب ثراها متولد شده مادرش از اهالی اصفهان است
بسیار فربه و خوش منظر و خوش محضر است ریش تیره اشند
الحق مردان داشته کشیده و مردان مصنوعی جاب نخود
سابقه لذا فرزندانش از ذکور و اناث بیست نفر می‌شوند
فرزند رشیدش سلطان حسین میرزا جلال الدوله
حاکم کیف است مدرم السلطنه صبیه مرحوم میرزا یوسف
مستوفی الممالک را از بطن کرجیه انتخاب والحجه

مستوفی و نتیجه بهجه متولد شده در خانه است فعلاً نیز

دخترش محمود میرزا است امین الدوله بانوی عظمی

زوجه مرحوم ابوالفتح خان صارم الدوله پسر خان

بابا خان سردار همشیره بطنی شاهزاده ظل السلطان است

قهرمان میرزا صارم الدوله و عین السلطنه مرحوم پسران

او هستند هشت بهشت که از عمارات خالصه بعهد

شاه شهید ببانوی عظمی بخشیده عمارات دیوانی

همه از ابنیه سلاطین صفویه و شاهزاده ظل السلطان

تعمیرات زیادی فرمود از سنه هزار و دویست و نود و یک ۱۲۹۱

تا کنون شاهزاده حکومت اصفهان را دارد همه اینها را

از زوال و اعدام رضایت کامل از حسن سلوک شاهزاده مبارک

حاصل است اجزاء حکومت در باغ کاج هر کدام

حجره دارند صنیع خان در حجره مرحوم مشیر الملک

نشسته سلطان حسین میرزا که در حضور حضرت والا

نشسته بود نوه مرحوم علی شاه ظل السلطان پسر فتحعلی

شاه است پسر محمود است در فتنه افغان طلبان شاه

شهید از اجش تحفه های متوطن اصفهان است

حسن آقا پسرش در خدمت حسام السلطنه در بوشهر است

علی آقا پسر کوچکش در اصفهان است عظیم الدوله

را بعد حضور حضرت والا مشرف شد مصطفی خان

امیر تومان پسر قوام الدوله مرحوم از بطن عصمت السلطنه

صبیه فرهاد میرزا معتمد الدوله مرحوم متولد شده جوان است

فوج دره جزین ابواب جمع اوست و حالا مأمور بوشهر
بچه حالا در حفظ خانه است شب گذشته وارد اصفهان
کفیه شوکت السلطنه صبیه عبدالعلی میرزا معتمد الدوله
حالیه در خانه است وکیل الدوله تفلیس همراه
کوچک شاه حضور آنکه آقا نور ارمنی ساکن جلفا است
در هندوستان است کوچک شاه پسر مرحوم ملک
شاه نوه مرحوم آقا خان محلاتی است ۲۵ بیست و پنج
سال است که از راه مصر و اسلامبول و عشق آباد بمشهد
مشرف شده حالا از راه بوشهر مراجعت می کند
در ماه شوال از بمبئی بیرون آمده عصر بازدید شاهرخ
میرزا رفتیم میرزا جعفرخان کلبادی سرهنگ همراه

همراه بود خانه شاهرخ میرزا در احمدآباد است
عمارات دولتی در محله دروازه دولت است

شرح یکشنبه هفدهم

هفدهم

شب میرزا حسن که رفیق طریق ما بود آمد همچنین
میرزا هادی خان لله باشی کلبادی میرزا رضا خان
بنان الملک که در رجب هزار و سیصد و سیزده (۱۳۱۳) مرحوم شد
و از مردم خوب روزگار بود رفتیم در چاپار شیرازی
نشسته محله بیدآباد اصلا بازار محله است در ایام
محمد شاه مرحوم یکی از علمای بیدآباد با فرزند رشید
ناخلف اندازه قد برادر جای مخفی میوت اصفهانی
اشاره بان مطلب است میگوید چه شد گر نیک

نسیم ارکان مپرآباد مسیر نو   مغان کا نزر بهارلان

بلک سید از باد مسیر نو   جواب رتب آن

ابنی چو آکدلیس می ابلک   روان نوح از آن

ناخلف اولکو می لرزد   امروز مسجد شاه و گنبد

شیخ لطف الله و هشت بهشت و چهار باغ شاه عباسی

تماشا کنم مسجد شاه از ابنیه شاه عباس و از

مساجد عالیه الان گنبد مسجد را از حیثیت بزرگی

می گویند در هیچ جا مانندش نیست ستونها همه یکپارچه

هزارها همه سنگ مرمر منبر با ۱۵ پایه از یک پارچه

سنگ مرمر دارای چهار منار و چند شبستان و

خلوت خوبی است غرب میدان شاه واقع عرض

عرض میدان تماماً گرفته گنبد شیخ لطف الله مسجد است و

از ابنیه شاه عباس گنبدش کوچکتر از گنبد مسجد شاه است

فضا چه او ساخته نشده بنایش قبل از مسجد شاه کرده

جنوب میدان واقع از دو جانبش بازار است عالی قاپو است

مقابل چند جا است که مسجد شاه است هشت بهشت از

عمارات صفویه بیشتر ساخته شده موقعش در وسط باغ بسیار

بزرگی است دو مرتبه است همه آیینه کاری و طبقات آیینه ها

همه سنگ در مرتبه تحتانی در وسط حوض کوچکی است در دو ستون

صورت فتحعلی شاه کشیده شده در یکی نشسته اولاد و اعقاب و

خدم و حشمش ایستاده در یکی سوار و مشغول شکار است جهان نما

عمارت کوچکی است دو مرتبه عالی جزو هشت بهشت در طرف

باغی عظیم و بیرون باغ واقع است چهار باغ خیابانی است
چهار راسته چنار در او غرس کرده باشند چهار باغ شاه عباس
غالب چنارهایش حکومت و اجزا کُلّهٔ بمصرف رسانیده
امروز در عرض راه خیابانی که صد تومان ارزش داشته بیرون انداخته
جبه عطارخانه رکن الملک میرفتیم تا بعضی از خانه جهان تومان
کرایهٔ نقل آن میشود چنار عظیم و قطور در چهار باغ زیاد دیدم
وسط غالب چنارها از کهنه سالی مجوف شده امروز رفتیم
حمام بسیار خوب حمامی است مشیر الملک نزدیک خانه اش
نو ساخته چهار هزار تومان خرج شده در محلهٔ کوی آباد است
روزی که رفته میر سید حسین خان ملک وثیق الملک پسر مرحوم
مشیر الملک است در توطئه طهران اختیار کرده جناب والد

والد شخصاً حاجی محمد حسین خان از اجزاء جناب نظام السلطنه
در طهران است نوشته اخبار رسمی فرستد نحوه که سبزه میرزا
عباس خان نوشتم عصر اسمعیل خان تفنگدار باشی کلاور
ابراهیم خان دیدن آمده منزلش در میدان کهنه است سابقاً
همیشه در منزل عباس آمده جناب والد جاریه با دو دختر
میرزا محمد تقی مشهور آقای نجفی در مسجد شاه نماز میکند مرحوم
الیه و سه کلاورش آقای ملک اصفهانی نه سالی بنیاده هزار
تومان مالیات انها میشود

هیجدهم

شرح دوشنبه هیجدهم

صبح جناب میر سید هاشم امام جمعه و سید عبدالرزاق
و شاهزاده میرزا و حسنعلی خان کاشانی دیدن آمده جناب امام

جلالت و قدر و نبالت و وقار غریبی دارند پنجاه و پنج سال
از عمر شریفش میگذرد در هزار و دویست و هفتاد و سه (۱۲۷۳) نجف اشرف
مشرف شده مقدمات را تحصیل نموده در هزار و دویست و هشتاد
مراجعت کرده هشت سال قبل پس از عموی خود میر محمد حسین
مسند امامت را گرفت پس از جلوس میمنت ماه نونس
ملوکانه بعض هدایا بدربار معدلت مدار فرستاد در ازای هدایا
قرآن مجید دو هزار روپیه هدیه شده بود حمائل انگشتری الماس
و عصای مرصع از جانب سنی الجوانب شاهنشاهی مرحمت
شده ولی هنوز نرسیده پدر امام میر سید محمد است در سن
پنجاه و نه سنه هزار و دویست و نود و یک مرحوم شد جد امام
میر سید حسن است از زمان صفویه امامت در همین خانواده است

خانواده است لقب سلطان العلمای مزید بر منصب امامت
هر که امام شده دارا گشته سید عبدالرزاق پیشنماز مسجد امام
شاه اسمعیل است عصر منزل سید اسدالله رفتم سید خوش
رو و خوش خو و با تعصب است در محله درب امام نشسته
سمار است سنش تقریباً پنجاه ملیحه او املاکش متعدد است
فرزند رشیدش سید حسین است کتبش بسیار است پسر دیگرش
سید رحیم است سید اسدالله رابطه تامی هم با سرهنگ
دارد از روز ورود شب و روز مشغول خدمات ما است
مسجد سعید بن جبیر امروز جزو مسجد کوچکی است بهمان
بنای قدیم میگویند باقی است دروازه مسجد جامع در صحن امامزاده
بازمانده امام زاده در یک گنبد مدفونند رواق و ضریح

و صحنی دارد ابراهیم و علی یکی از اولاد سید سجاد و یکی از اخلاف
زید بن حسن است عقب مسجد نیز قبرستانی مشهور بسنبلان است
تا سنه هزار و صد و پنجاه ۱۱۵۰ مدفن مردم بوده مسجد و امام زاده
در محله درب امام واقع است

نوزدهم

شرح سه شنبه نوزدهم

صبح باز بجناب امام رفته زیارت حضرات فرزند جعفر صادق
امام علیان را متصل بمسجد میکنند پیر کوچک و صحن و قبه دارد
در محله لبسی قبه نشسته خانه امام جمعه و دستگاه است همه
عمارات ملوکانه و متصل بمسجد جامع برابر در بنای قیصریه است
بزرگتر از مسجد شاه است بهشت دروازه ماکو شبستان خواجه
نظام الملک ساخته شبستان غرب و تاریک است گنبد

گنبد و ایوانها و چهل ستونها و منارها از ابنیه ملک
شاه است سردر رو ببازار از ابنیه سلطان محمد ملکوب است
در کتیبه سردر نام ان موضع ... نوشته سلاطین
صفویه زیاد تعمیر مسجد نموده اند باز رو بانهدام گذاشته
نماز امام در همین مسجد است چهار جمعه گذر میرزا حسنعلی خان
تعارف فرستاده محمد حسین میرزا امیر تومان مؤید السلطنه رئیس
لشکر افغانه اصفهان پسر محمد مهدی میرزا مؤید السلطنه نوه
طهماسب میرزا مؤید الدوله نبیره محمد رحیم میرزا متخلص بدولت
ملقب بدولتشاه امروز از طهران وارد گردید دولتشاه
پسر فتحعلی شاه است حاکم کرمانشاه بوده قبل از پدر وفات
نموده صاحب دیوان است آثاری در مرثیه او گوید پس از

حالیه حالت شهر که بگذرد بگیرمان شد همین بنی مداین لا

که با نوشیروانی بیت شیراز وارد شد تعلیقه آقا میرزا علی الله

با خطوط بوشهر وغیره امروز نوشته شد جناب والد

لعبد الحی باجی و بن عیران و محمود و محمد علی الوهاب و محمد

ابراهیم خان و ناظم لیت و آقا میرزا عبدالله و آقا سید حسین

و خانه شیخ محمد و خانه امام جمعه و خانه عندلیب حسین هندی

و خانه کربلائی عباس و خانه صفر بیگ و عفت آقا جهت نوشته شد

بنده برضا قلی خان و آقا میرزا عبدالله و ناظم لیت و آقا سید حسین

و کربلائی عندلیب رضا نوشتم دو جعبه کز دو جوراب یک عرقچین

جهت آقا میرزا عبدالله یک جعبه کز و یک جوراب جهت

عندلیب رضا یک جعبه کز یک عرقچین یک جوراب جهت آقا سید حسین

آقا سید حسین یک حلقه انگشتری اسم اعظم جهت رضاقلی خان

فرستاده شد اشتهار کلاه انها شد امروز آقا شیخ ناصح عبدالرسول

رفت جلفا دیدن صبیه زیتون دار بوشهر منشی آقا نیس

داروس سون است و مستر لوکس نایب سابق بالیوز

انگلیز مقیم بوشهر حنفی است اصفهان آمده و فالج شده

مسافت میان جلفا و اصفهان نیم فرسخ است

شرح چهارشنبه بیستم

بیستم

امروز اهل خانه رفتند بمناره جنبان در دو فرسخی واقع

در ده مشهور بگلده دان شنیدم هرگاه یکی از آن مناره ها

جنبانده شد مناره دیگر و ایوان در جنبش می آید میرزا حسن

سه مرتبه و آقا محمد کاظم نقاش یکمرتبه تشریف آوردند و مرا از تحجیر

خود مخطوط ساخته امروز سفارش کردم که محمد کاظم قلمدان
بسیار خوبی که تمام مخصص صورت سبزه و مرحوم اخوی و اخوی نقشه
و خانه لب دریا درا و نقش کنید تصویر سید حسین را هم رنگ
آمیزی کند جناب والد قرآن مرحوم جدم را داده
در متن و حاشیه خود با نظام جنگ و لحاظ خوان مرحوم است
امروز شاهرخ میرزا و کوچک شاه و میرزا اسمعیل خان
میرپنجه داماد جناب مجیر الدوله دیدن آمده عصر میرزا حسنعلی خان
کالسکه فرستاد رفتیم در خانه لجنور مشرف شده بودند اذن
جلوس داده و خلوت فرمودند پس از آن به شنبه فرمودند
نعش بریت گرفته بیاراینی است رو به پهلوی خود فرمودند اینه
بریت مبارک بو الدراکه فرمودند نگاه کن بسیار پیر شده ...

می از مردم قدیم بسیار خوش دارم اگرچه خود یک است
خود از قدما نخیم باز فرمودند حاجی خان در طهران وا رفت
بکو الحمد بخیر تیه ملت و دولت است باید بکوئید خلاصه
پس از اجازه جبین والد را بوسیده از در خانه رفتیم
دیدن مشیر السلطنه در خانه محسن خان مظفر الملک نشسته
جوان آراسته و متعقل و مجلس آرا از علوم اروپا متحضر
از فنون جدیده مطلع است صحبت شد تازگی یکی از اهالی
روشن اختراع نموده که عجیب ما ورا نمی تواند یا پادشاه آلمان
انگشتری خود در چهار صندوق آهن گذاشته با آن روشنی
عکس آن انگشتری که گذاشته فوراً پادشاه اقتباس ان
دولت آلمان که در کوه نمیخواسته بمخترع مزبور مرحمت

فرهنگ حقیقت اختراع غریبی است علم مانع للدر عام مخصوص
کنز امور تبارک و تعالی همه جای آن اختصاص نیز از زبان
کم داشته شد

بیست یکم

شرح پنج شنبه بیست و یکم

امروز بار دیگر وقت گذشتیم قرار بود حسن علی خان تختی لطف کنند
حجت جناب والد نخو میرزا عبدالغفار از منصوب دیتی
علمای است استخاره دیده بر آخر منصرف شدیم ساعت
یازده وقت نخود میرزا علی محمد خان تا سر قبرها مشایعت
کرده سر قبرها بیرون دروازه باب الدشت است مقبره
میر سید حسن و میر سید محمد و مادرش و کلاورش انجا است
هر چهار در یک ضریح مدفونند ضریح از سنگ مرمر است گنبد

گنبد و بارگاهی مفصل دارد درون گنبد را آئینه کاری
نموده تصویر مرحوم میر سید حسن سلطان العلماء امام جمعه سابق را
نقاش کشیده در یکی از ستونها آویخته شده فرش روی قبر
۱۲۵۰
در هزار و دویست و پنجاه بافته شده با پائین ضریح قبر مشهدی
کریم پیش خدمت میر سید حسن است در هزار و دویست و پنجاه و نه
فوت شده در صحن قبور زیادی است باب الدشت از
محلات بزرگ و قدیم اصفهان است در زمان صفویه دور
اصفهان هفده فرسنگ بوده در تواریخ نصف جهانش
نوشته اند حالا دور او تقریبا پنج فرسخ است حالا تمام
لازم است توقف در اصفهان تا اینکه شخص همه بقاع
و اماکن متبرکه و مساجد و حمامات و باغات و محلات

اصفهان تماشا کنند قبر میر عماد خطاط مشهور در اصفهان است
منارهٔ خواجه علم از ابنیهٔ شاه طهماسب نزدیک مسجد جامع است
چنارهای حلب مقبرهٔ ملکشاه و خواجه نظام الملک
در محله دار البطیخ پیدا شده جنب امام زاده مدفون اند
گنبد و بارگاه خوب دارند ساختهٔ ظل السلطان بنا فرموده

شرح جمعه بیست و دوم

بیست دوم

منزل امروز گز است مسافت سه فرسخ است سه ساعت
دیشب از شب گذشته وارد شدیم در کاروانسرای حاجی محمد حسین
منزل مخصوص عبد المجید ناجی مستاجر است بد کاروانسرای
نیست جدید البنا است حاجی ملک سلطان پسر حاجی محمد
حسین است چاپاری وسط کاروانسرا است آبش بد بود گفتم

گفتم از بیرون آب آوردند چهار آتش همه در دارد قلعهٔ مربع
یک کاروانسرا است خانه‌ها همه درون قلعه نشسته باب حمام
تقریباً دویست مسجد در قلعه هست قبرستان خارج از قلعه است
امام زاده در وسط قبرستان است مشهور است به شاه نعمت الله
کاروانسرای از ابنیهٔ شاه عباس است در میدان دروازه
قلعه و آب نخود کش نیست کاروانسرای سلطانی نزدیک
قلعه است محمد رضا سلطان ساخته چون زیاد خسته بودیم
امروز اطراق مخصوص مشهدی اسمعیل که ده کش از اصفهان
همراه شد و همراه است مشهدی محمد دلیجانی چه که با ده کش
گرفتیم یک تومان وارد دلیجان و از طهران گرفته و مرخص شد
قریه گز که کاسه بقای گز بسیار داشته مشهور بگز شد از دلیجان

بکلی همه سنگ است

بیست وسیم

شرح شنبه بیست وسیم

منزل امروز مورچه خورت بعضی مورچه خوار مینویسند
مسافتش شش فرسخ است سه از دسته گذشته سوار شدیم
پس از یک فرسخ بکاجی آباد از مستعمرات رحیم خان
خانلو است پس از سه فرسخ بقراول خانه دولتی
آب قنات کنارش میگذرد پس از چهار فرسخ ونیم
بکاروانسرای مادر شاه جنب کاروانسرا و بابر نیز قناتی
کنار کوهش هست پس از پنج فرسنگ مورچه خورت پیدا
شده ساعت ده ونیم منزل رسیده در کاروانسرای
شاه عباسی منزل گرفت کاروانسرا الان در هزار و دولت

دولت و پنجاه در حاجی سلیمان از مردم مورچه خورت تعمیر
نموده اساسی برابر کاروانسرا است ملک رعایا است
هر روز فوج فوج شاه آرد بیرون میبرد هر مستاجر سالی یکصدی
برعیت ها الله به میپردازد و صدی سه از مردم مورچه
خورت میگیرد آب انبار بسیار خوبی کاروانسرا است از ابنیه
شاه عباس آب قنات جلو دروازه کاروانسرا
جاری است ده آن سمت قنات واقع شده خیلی کوچک
جهت عبور مردم ساخته خانه اهالی همه در قلعه است اهالی
کجا در قلعه چاپارخانه است پسر ده غفار خان پسر جعفرعلی خان
چیرچی کاشان است از جانب او در اینجا سلیمان خان
چیرچی است در طول چاپارخانه بیت یک فرسخی سوار شدیم

پیرخانه است سپرده به علی اصغر بیک است مورچه خورد
ده معتبری است دولت خانوار جمعیت دو باب حمام
و یک مسجد خوبی دارد در قلعه اما مزار هست سید علی از
اولاد حضرت موسی گنبد و بارگاهش حاجی سلیمان ساخته
بهفت سال قبل بر جای شرکت که تعمیرش نموده
اصل مالیات چهارصد و پنجاه تومان نرخ یکصد و پنجاه تومان
هست ده سپرده محمد تقی خان کلبور نظام رکن الملک است
محصولش اینجا جوزق و جو و گندم است انجیر و انار و پیاز
و توت و خربزه و هندوانه و زردآلو و انگور پیدا میشود
مشروب مردم و زراعت و اشجار از یک قنات است
که در سنگ آب ماکو قبرستان خارج از قلعه است ده

دو آسیا دارد ده نفر غنم عرب بر مالیات جعفر بیک نایب
مستحفظ اینجا هستند چهارصد غنم عرب در اصفهان است
هر غنمی در سال چهار دو تومان علیق دو مواجب میگیرند
سابق مختار و محمد قلی بهبه ابواب جمع مشید حسن خان
احتشام الملک کلبور میرزا حسین خان سهام السلطنه
پسر مرحوم مصطفی قلی خان است محل سکونت حضرتعالی در ده آباد
وزوان وارد دستان است عرب مزبور غیر از اهل عرب
فارس است دلاکان دارد کار روانسرا مشهدی کریم پیرمرد
خوش صحبتی است از او شنیدم حضرت سلیمان وقتی
از اینجا گذشته از مردم سیورسات خواسته همه ابا و امتناع
از دادن نموده حضرت بمورچه ها فرمود انجه جنس در انبار داشته

بیرون آورده صحرا ریختند در تپه نفیر نخجیر ده بیست می‌کشت

یکی از آن جو و دیگری گندم است.

بیست چهارم

شرح یک‌شنبه بیست چهارم

هوا امشب بسیار سرد است امروز چون مشهدی اسمعیل محقر

بعد اطراق تخفه چهار روز دسته گذشته جان تسلیم کرده رحلت

الحق غار رش حاضر بهم باغ بهرام همیند پسر شاه سلیمان صفوی

یادم آمد بهرام در این سراچه پر شر و شور تا کی لجبات

خویش باشی مغرور کجاست در این خرابه صد تیر اجل

در هر قدمی از راز بهرام بگور تشییع جنازه رفته ساعت نه از

کفن و دفنش فراغت یافته مراجعت کردیم در مجنون

گذشت و نوبت ما است هر کسی بجز رونه نوبت است صبح

صبح هوا ابر بود لرزه بارش آمد و هوا صاف گو کوه

کرکس نطنز برف نشسته گوشت یک من شاه چهار هزار همه

ما یک نفر دینار جو یک هزار کاه یک جا بیشتر یک هزار دو صد دینار

ماست شش هزار نان یک هزار دو صد دینار میفروشند از فوج

همدان جمیع اعتضاد الملک مأمور شیراز بیست نفر سرباز فرار

کرده بولایت رفته بعد کتابت به سلطان آنها را در

همدان گرفته و جای آنها را معلوم کند بیشتر از هیجده امروز

وارد مورچه‌خورد شده سه دانه خربزه نایاب تعارف

فرستاد و خوب نخورد ما آمد

بیست پنجم

شرح دوشنبه بیست پنجم

منزل امروز سولت مسافت هفت فرسخ است ساعت دو

حرکت نمودیم پس از سه فرسنگ باب انبار رسیدیم چند
خیرات ساخته شده برجی کوچکی است مردم کوچه
لعرات کهنه هرگاه آب انبار رفاه لیحق از سه فرسنگ
سرجو کشیده که آب میآید سرجو کنار ده کُرد واقع شده
آب از رودخانه رود میگیرد پس از شش فرسنخ بده کُرد
اتک الهیجی بولات رسیده دست چپ است و ده بشکش
دست راست هر دو مقابل یک دیگر واقع شده فرسنخ
منزل بود همه دشت و بیابان بود از منزل حاجی محمدرضا گذشتیم
در زمان سابق ساخته شده و تعمیر نیافته رودخانه دوباغات
دست راست کوه و در دست چپ افتاده و سیرات
مانده ده پیراکه ساعت ده و نیم وارد منزل کهیه

کهیه در کاروانسرا منزل کردیم هوا خیلی سرد
هیچ عصر ترشح باران بود بعد هوا صاف شد بوتیج
ده است بیرکش تو ده کُرد نخفت زیربلی مالیات
بکودت نهضه میدهند مالیات با پانصد و پنجاه تومان است
در سو قلعه است یک قلعه بابلی مشهور بمیان پنج برج
دارا است دیگر قلعه بابلدشت برج دارد ملکر ایالات بکنیهای
و چند خانه بیرون قلعه ساخته شده چهار مسجد و دو باب
حمام در قلعه است اسامی مساجد از این قرار مسجد جامع و
تکیه و در حمام و قلعه بابلد مسجد جامع اکبر از انهاست
در انجا در زیر منبر اما مزار مرقوم شاه سلطان حسین
مشهور است بمزار سلیمان و لیرش است الله بعید

میکوبند زنده پوست کنده و سپر اشکم دریده حمام

ارکرآباد در یک قلعه واقع جمعیت سو تقریباً ۳۰۰ نفر خانه ۵۰

شش آسیا و کاروانسرائ بیرون قلعه موجود است کاروانسرا از

ابوالقاسم خان اصفهانی حاکم کاشان در هزار و دویست

و بیست و سه ساخته خوب کاروانسرائی است قهوه خانه

در کاروانسرا است قهوه چی مشهدی عباس بیگ زراعت

سو گندم و لرزک و جو است میوه جات و غیره از هر قبیل

هست زردالو و سیب و به و هلو و آلوچه بسیار زیاد بخصوص

و درختش چون سرها زیاد است جز آن ثمر نیز هر کلبه

بسیار خوب و سبزی و بادمجان و لوبیا و خربزه و هندوانه

فراوان عمارت دیگر کاروانسرائی از ابنیه شاه عباس

شاه عباس در یکطرف سنگی هست ولی مخروبه است متصل به

سو میان چغاده و رباط واقع آنجا ده جزو جوشقان است

در هر ده یک آسیا و یک مسجد و یک حمام در ده کرد

یک حمام و یک مسجد هست آب رودخانه بسیار گوارا است

سر سنگ آب دارد در خندق بن عباس جمعی از ازبکها

خروج کرده بعد از مقاتله شدید به سو آمده و در سو شهید شده

تقریباً قبور آنها ۳۰۰ نفر میشود و متفرقاً مدفون شده گنبد

بیرون قلعه هست از کاشی کرده است یکی جلیل القدر

دیگر با امام نظام بالد مشهور است در شمال و جنوب واقعند

شمالی دامنه کوه واقع مدفن سه امام نظام یوسف

ابن علی النقی و ابو القاسم و تاج الدین از اولاد حضرت

موسی ع در جنوب بقعه هفت امام زاده مدفون است سلطان حسین
و عباس و محمد و محمود و یحیی و یونس و مرضیه خاتون از
اولاد حضرت موسی هستند مشهدی محمد [illegible] از رعیت سو
شغلش خدمات بقعه اهالی سو غالب رعیت هستند
جو گیرد شاه یکهزار کاه پنجاه من گوشت بره یکهزار گوشت
بز چهار هزار ذغال یکهزار و دویست چهار هیزم شش هزار
شیره هزار سیر و شش [illegible] بروزن جو است

بیست ششم

شرح سه شنبه بیست ششم

منزل امروز [illegible] است مسافت پنج فرسخ است ساعت
[illegible] عمده جبال سو [illegible] چهار رنگ است قرمز
سبز و سفید و [illegible] قرمزش [illegible] سرخ جزیره

جزیره هرموز است که فرنگستان [illegible] معدن زیادی در
جبال مزبوره باید وجود داشته باشد به جهت کوههای
الوان چه معدنها در شما موجود چه گنجها در شما نهفته یا محتاج
وطن عزیز ما در دامنه و قلل شما فراوان ولی بدبختانه
ما چشم از آنها پوشیده و ما [illegible] در بلد دقیقه [illegible]
می دهیم خاک بر سر ما تا چند خواب غفلتمان [illegible]
تعمیر و آبادانی مملکت [illegible] آری [illegible] جبال است
[illegible] جبال رایا دارند که جبهه که [illegible]
که خواجه بخوب گفته همین [illegible] است این بیابان
[illegible] که کم شد در او لشکر سلم و طور خلد [illegible]
[illegible] رنگ کوهها همین رنگها است پس از آن تغییر

می‌کنند بعد از یک فرسنگ بچشمه آبی رسیدیم پس از دو فرسنگ
که از کوتل سو بپائین سرازیر گردنه کوچک است و آسان
قلعه چه سرداور ... شده پس از چهار فرسنگ بگردنه قهرود
رسیدیم بسیار سراشیبی دارد تقریباً هزار قدم بایستی
رو بپائین رفت ولی راهش صاف و هموار است تا
ده منزل رسیده امروز چهار فرسنگ تمام یا زیاد از قلعه
با دامنه کوه‌ها بالا میرفتیم از کوتل قهرود چون گذشتیم
باز سراشیبی بود ولی خیلی دور از شاهراه اصفهان در
کاروانسرای مشهور به نو منزل گرفتیم با نفرهای قبلی
بشرکت حاجی میرزا عنایت و حاجی ابراهیم و حاجی
آقا و حاجی شریف ساعت نه چهار دقیقه [illegible] فرح مخصوص

مخصوص آب از جلو کاروانسرا میگذرد کاروانسرا خیلی
کوچک است ولی خوش وضع است آب قهرود
از چهار قنات و سه چشمه ترتیب یافته و در جوی
ریخته شده پس از زیر آب قهرود بکاشان میرود
آسیاب آب میکند بسیار گوارا و شیرین است
زراعت اینجا گندم است زرد آلو و سه نمونه سیب و آلو
دو نمونه گلابی و آلوچه و گردو و بادام و انگور و خربزه
و هندوانه عمل می‌آید حالا که جوانو هم عقرب است
اشیاء هم خوب بعمل است و فراوان دارد اشیاء هم خوب بعمل
پربر و نقش نمیزند درخت سیب اینجا هست و شاه سیب
دیگر هست هزار گرم سیر هر قهرود خانه‌ها را روی

کوه ساخته بسیار خوش وضع است شبیه به یک قلعه‌ای

بلندی است پنج مسجد سه حمام پنج محله است محله قلعه

و میان ده و سرگذر و ملا دیر و هی پایه خارج از قریه قریب

شاهزاده امامزاده هست شاهزاده حسین از اولاد حضرت

موسی است که گنبد و صحن و ضریح چوبی دارد میرزا پیر

زمزمی متولی است مردم قهرود غالب چاروادار

هستند چهارصد قاطر مالکند استر چهار هزار بز گوان

میرسند چهار آسیاب و شش کاروانسرا غیر از

کاروانسرای شاه عباسی که مخروبه است هست تقریباً

پانصد در خانه میشوند غیر از طایفه اناث صغیراً و کبیراً

آدمی دو هزار و پانصد دینار سرانه میرسند مالیات

مالیات هزار تومان است قهرود جزو نطنز است ده فرسخ

مسافت فیمابین است ضابط قهرود حاجی عنایت الله است

حاکم حالیه نطنز از جانب حسام السلطنه حسن خان کاشی است

مالیات یکمن یکهزار و ششصد دینار نان یکهزار و ششصد دینار

گوشت شش هزار شیر یکهزار و ششصد دینار جوز قند دو تومان

شش هزار و دو دانه هزار هیزم نفت شاهی جو یکهزار و

پنجشاهی کاه پنجشاهی گندم یکهزار و چهارصد دینار میفروشند

اسامی مساجد قهرود مسجد جامع درجه و کلته و جمعه ۵

سید میرزای کاشانی پیش نماز است مسجد جامع قهرود

کتیبه مقداری از کاشی مسجد را میگویند ۹۰۰ نهصد سال است

ساخته شده کتیبه بخط کوفی بسیار اعلا سنگ محراب بسیار

از آنجا تا پیش فرنگیها بقیه حساب چیدن نگفتم که از
ابنیه سلاطین صفویه باشد چپرخانه نخود یک منزل ما است
نام چپرچی جعفر قلی از جانب غفار خان اینجا مأمور است
شاگرد چپر علی اکبر نامی است آنجو که از کاشان تا آورز
بقدر ده هزار آجر با کرایه سه تومان و پنج هزار دیگر شاه که
با نصر خان یار تمام ملحق مردم معتبر زیادی همراه شد شنفته است
حاجی سنجر نام یکصد دو بیست تخال ماکو نان کریم خان لار
خوب بار میدهد دلکدان دار کار روانسرا غلامحسین و
قهوه چی مشهدی حسین و خدمتکن مشهدی محمد است
مشهدی محمد عمرش تقریباً صد سال ملحق نان خانقان
سغفور فستحع شاه خوب بار میدهد امروز نرسیده بگردند

بگردند قدر ده هوا ابر شد اندک برف لکه ولی زیاد طی
یکشنبه از اصفهان الی بعد از شاه معمول است و شاه
ده تومان تزین هشت عباسی است و یکی دو سه چهارک نه عباسی
هشتاد سیر یکی شاه است بیست و پنج درم شد نخود یک پنجاه
درم هشت یک صد درم چهار یک یکی شاه ملحق

بیست و هفتم

شرح چهارشنبه بیست و هفتم

منزل امروز کاشان است مسافت هفت فرسخ است
سه از دسته گذشته حرکت نمود تقریباً دو میل میان باغات
قدری که مکید نشستم دست راست حصار باغات دو برج
چپ دامنه جبال که بسیار تنگ و سنگلاخ بچه
بسیار رسیده کلنگ ترکان کاروان است و میدان

از قهرود گذشته با مام زاده رسیدیم نامش سابقاً نوشته شده
از میان اشجار و زراعت کاهها که گذشتیم زاده در وسط
جای شاخه درخت چه جای سبز با افراشته چه کنوز
و ذخایر در اینجا بود لعیت گذاشته شده سالها است مالا
لحو دعوت میکنند بدلخواه ما قبول نمیکنیم رود آب
گاهی در دست راست گاهی در دست چپ میافتد
پس از دو فرسنگ به بند قهرود رسیده کنار بند زیر آب
و سنگلاخ بود مجبوراً صد قدم پیاده باید شد میگویند
شاه عباس ساخته رود آب پائین بند از میان
شکاف میگذرد برابر بند دره عمیق و عریض تشکیل داده
از فراز جبال آب در این دره ریخته شده و از فراز بند

بند سرازیر میشود از قهرود تا قمصر سه فرسخ است در
میان دره از بند الی دو شاخه میشود یکی به بند دیگر
قمصر میرود قمصر جزو کاشان است گلابش بسیار معروف
و مشهور است یک فرسخ از بند گذشته بجلو آباد رسیدیم عبارت
از کاروانسرائی است میگویند شاه عباس ساخته اندرون
مؤتمن الملک در اینجا مشغول نهار خوردن شیر از میرفندر
و ۱۲ اللّه خلعت کجاوه و چند پالکی و دهتی و از صد قاطر
زیر بنه داشته مؤتمن الملک میرزا حسین خان پسر
فتحعلی خان صاحب دیوان است از طهران بحکم
بچاپاری رفته و رهوش در اصفهان ما اینجا بودیم پس از
پنج فرسنگ سواد کاشان پیدا شده مدتی است بمانده

از جانب راست صد قدم و راز لاله راسته اشجار
توت و بید و غیره پیداست مترادفاً غرس نموده در
اواسط آن راسته باغ و عمارت و مرتبه بسیار خوب
میرزا حسین خان مستاجر سابق گمرک ساخته و سیران
و راز شهر از جانب چپ تصاعد بهواء قهوه خانه است
یک از تُک گذشته کاشان رسیدیم در کاروانسرا مشهور
بر رودان دولت منزل کردیم بسیار خوب کاروان سرا است
سالی سیصد و پنجاه تومان اجاره آن است همین کاروانسرا
و سرای مرحوم عیسی خان مکترافچی حالا کلاورش محمد جعفر
خان تعمیر میکنند و سرای صادق بیک خان ملک حاجی
اسمعیل سفید است و سرای تازه که حاجی ... بنا نموده خارج

خارج از شهر واقعند کاشان از بلاد معتبره ایران
طولش از شمال بجنوب ممتد و از یک فرسنگ و
عرضش بسیار کم محلات و حمام و مساجد و امام زاده و بازار هم
و کاروانسرا و تیمچه زیاد است حکومت کاشان حال
مالی است با عباس میرزا اعتضاد الدوله پسر محمد
مهدی خان نوه محمد خان سپهسالار است به کلبور شتند
اعتضاد الدوله و سپهسالار و محمد میرزا ملقب بالسلطنه
مادر آنها فخر الملوک است از بنات خاقان شهید
ناصر الدین شاه طاب ثراه در سنه هزار و دویست و شصت ۱۲۶۰
متولد شده در سنه هزار و سیصد ۱۳۰۰ برحمت الحق پیوست
مدخول گمرک سی و دو هزار تومان است

ببیست هشتم

شرح پنج شنبه ببیست و هشتم

امشب شیخ علی واعظ چرن آنکه از مردم کفه است
بطهران میرود صبح تلگرافخانه رفتم بفاصله صد قدم
میدان کاروانسرا واقع است سابق باغ بچه مشهور
بباغ شاه الان و انگلیسی اردو یک جا هستند اردو نه
از ساعت دو الفبه انگلیسی الی یک یاد ایرانیها
گفتگو میکنند تلگرافچی انگلیسیها ویلیم صاحب پسر
مستر جبس نایب سابق بالیوز انگلیس مقیم بوشهر
در هشت سال قبل در سن پنجاه و دو 52 فوت شده
ویلیم سی و چهار سال دارد هفده سال است تلگرافچی است
ده سال است بوشهر را ترک نه سال در جلفا بچه

بعهد پنج ماه است کاشان آمده تلگرافچی ایرانیها
میرزا محمود خان است پس از این ببازار رفته
بازار کاشان یکی واقع شده بازار معتبر منقوش است
عصارخانه و حمام خان بهتر از همه حمامها است و
سرای گمرک و مسجد ؟ باط و سرای نراقیها و تیمچه حاجی
علی خان و سرای زرکش ؟ و سرای قمی ؟ و مسجد مشهور
بمیدان که در زمان سلطان ابو سعید در سنه هشتصد و
و شصت و هشت قطب الدین نامی از اهالی فیروز
آباد بنا کرده در سنه هزار و یکصد و شانزده تعمیر یافته
و تیمچه از ابنیه فرخ خان امین الدوله کاشانی
و سرای گبرها و سرای حاجی محمد حسین نخجی میکویند بهتر از

تمام کاروانسراها است چه شد در وارثه اینها تماماً

در بازار باز ملحق فرخ خان از امناء دولت شاه شهید

هست عهدنامه دولت ایران و دولت انگلیس را از

جنگ هرات و بوشهر توسط او بسته شد که از شعرا

فرخ خان را هجو گفته   ایران و شد جوان

نانش میکنند   با صدر کبیر و این خواهش میکنند

گیرم که حمله کنند از شاه و وزیر   با فرخ کو ...

فرخ کاش میکنند   پس کاشان بسیار مشهور است

و ممتاز در یکفرسخی شهر از جانب جنوب قریه

فین است از حیثیت آب و هوا و نزهت و صفا

مشهور آفاق است کوشکی از ابنیه شاه عباس الان از

انجاست امروز تلگراف میرزا علی محمد خان آمده

اطلاع رسید که فردا ساعت هشت حرکت خواهیم منزل

امروز نصرآباد است مسافت سه فرسخ است پس از

پنج فرسنگ نصرآباد رسیده ده بسیار کوچکی است

چاپار طهران هم امروز از کاشان حرکت نمود

شرح جمعه بیست و نهم

بیست و نهم

یک ساعت از شب گذشته وارد شده در کاروانسرا

بیست ده منزل نمود مرحوم حاجی عبد الرزاق

تاجر کاشانی ساخته وقف کرده خود و بنی تکان

هر سنه ورثه بانی اجاره میدهند ماهی الله جاله

مخارج سید الشهدا علیه السلام و بقیه اسنه عمل

کاشان است نصرآباد ده معتبر و آبادیست مزرعه
نصرآباد مشهور است و مشتمل بر مسجد و یک حمام و
یخچال و امامزاده صاحب گنبد و بارگاه در ده است
می‌گویند امامزاده سکینه بانو است دختر بلا فصل
حضرت موسی ع زراعت و میوه اش گندم و جوزق
و جو و تنباکو و خربزه و هندوانه و انار و انجیر و لزکی
انگور دو الف قنات در نصرآباد است قنات کاظم
آباد و موسی آباد و قاسم آباد و رحیم آباد و شمس آباد
و شاه آباد و امین آباد و رحمت آباد و حاجی آباد
و کهنویه و قسم حال و نصرآباد و قنات نصرآباد وارد
ده بلوک قنوات دیگر مشروب زراعات و اشجار است

و اشجار است غیر از دو سه قنات بقیه کم آبند وسط
کاروانسرا آب انبار است دو بادگیر دو جانب
آب انبار جهة سرد شدن آب ساخته‌اند امروز
دو از دسته گذشته وقت خوابیدیم منزل امروز نصرآباد است
مسافت شش فرسنگ است پس از یک فرسنگ
بقاسم آباد رسیده قلعه و آب انبار و قهوه خانه
پس از سه فرسنگ بسن سن رسیده سن سن بروزن
سنبه دهی است عبارت از دو قلعه محزونیه و سه
قلعه آباد و کاروانسرائی و چاپارخانه و چند
موضع قریب یکدیگر باغ و اشجار و یک آسیا پس از
چهار فرسنگ بده نار رسیده کاروانسرائی آنجا است مابین

سن سن و ده نار مشهور بفرسنگ جولدی است میگویند
خاقان مغفور فتحعلی شاه باصفاهان میرفت جولدی
در ده نار ظرف حلیمی نیاز آورده در سن سن خاقان
مغفور از آن حلیم تناول نموده با طول زمان هنوز
کرم نموده بجولدی فرمود چه میخواهی استدعا کرد یک
فرسنگ میان ده نار و سن سن را فرسنگ جولدی نام
گذارند خاقان مغفور قبول فرمود بهمان اسم مشهور
شد پس از نیم فرسنگ بباغ شاه رسیده تا عمارت
ده وارد منزل شد شوراب عبارت از قهوه خانه
و کاروانسرائی است در زمستانها و تابستانها در
تابستانها پنجاه نفر رعیت در کاروانسرا جمع شده

شده زراعت می کنند ملک اقبال الدوله کلاور
محمد حسین خان امین حضرت است سالی هرصد و
پنجاه تومان اجاره میبرد محصولش جو و جوزق
و گندم و هندوانه و خربزه دو قنات اینجا است
که آبش گوارا و یکی شور آب انبار خوبی که اخیرا
ساخته شده

غره — سه شنبه غره جمادی الآخره

هوا صاف نبوده رؤیت هلال امکان نیافته
منزل امروز قم است مسافت هفت فرسنگ است
ساعت دو حرکت نمودیم هوا سرد بوده اندک اندک
زیاد شده عاقبت سرمائی گرفت فوق طاقت ما

در سه فرسنگ در پاسنگان پائین آمده منزل کردیم

باد خنک ایام خزان وزید نوبت سنجاب و سمور

رسیده افسرده و پژمرده مانند مخموم محبوس در

زیر دواج و کرسی طپیده مصداق مطلع و رباعی

مشهور پیدا و محسوس میدیم مطلع از ظهوری

چیز بد و فزآید از هنگام خزان است

باد خنک از جانب خارزم وزان است

رباعی است از کمال الدین اسمعیل اصفهانی

از سردی دی فسرده مانند یخم　　زانو پس پشت

رفته همچون ملخم الخ　　ده پاسنگان در دامنه

کوه های بلند در از آنجا واقع کنار شاهراه کاروانسرای

کاروانسرای شاه است که در سنه هزار و دویست و بیست

و دو ساخته شده دو حجره و چهار شتر خانه درست

چپرخانه و قهوه خانه و خلوت مختصر و دو آب انبار

جلو کاروانسرا است آب انبار هر گاه خالی میشود

جوئی از ده نهر آب آورده آب انبار پر میکنند

دلگدان دار مشهدی ابوالقاسم است جو کمی شاه

یکهزار و یکصد دینار کاه سیصد دینار روغن دو عباسی و چهار هزار

ذغال سی شاهی نان یکهزار و ششصد دینار برنج چهار هزار

پنیر دو هزار چهارم صفر دوشنبه ساعت صبح بالان

لکه و صعوبت سرما گذشت

دوم

شرح یکشنبه دوم

منزل امروز قم است مسافت چهار فرسخ پس از
یک فرسنگ بکاروانسرای مخروبه رسیده بقعهٔ
گنبد مطهر پیدا شد پس از نیم میل بلنگرود
رسیدم ده آباد معتبری است باغات زیادی دارد تا
یک فرسخ بشهر مانده زمین گل و لای مملو عبور
و مرور سخت دیدن در زمستان بسیار دشوار است
ساعت هفت و نیم وارد شهر گردیده از میان بازار
گذشته بکاروانسرا رسیده منزل کردیم مشهور است
بکاروانسرای حضرت نزدیک دار الشفا واقع است
بر کاروانسرای مزبور بازار بسیار نزدیک است کوچها

کوچها تمام گل آلوده معلوم میشود روز گذشته
در قم باران زیادی باریده کاروانسرائی که منزل
ماست از موقوفات حضرت است سالی یکصد
پنجاه تومان اجاره میدهند

سیم

شرح دوشنبه سیم

امروز بتلگراف خانه دولتی و بازار و حمام رفتم
تلگراف خانه آخر شهر واقع است دولت اجاره
نموده رئیس میرزا حسین خان میرپنجه از ریاست
لرستان مأمور آنجا شده دو ماه است وارد گشته
جوان آراسته و معقولی است تلگرافخانه انگلیسیها
نزدیک آنجا است دولت انگلیس اجاره کرده سالیانه

در تیمچه سر پوشیده در بازار واقع است طهران

هر هفته روز چهارشنبه دائر و قائم شده و شب سه شنبه با صلوات

میرزا بازار معتبر قم در یکی واقع بازار معتبر متوسط الحال

در شهر بازارچه بسیار است حمام بسیار و حمام خیلی خوب

مشهور است که حمام شاه و حمام نواب جنب بازار میرزا

ساخته او اللهوردی خان سید حسین متولی باشی فروخته

مستاجر استاد محمد است در جلوی دکان است به

کعبه میان منزل ما و بازار مسجد امام حسن است

وجه تسمیه معلوم نگارنده نیست غیر از جلو ایوان

تمام مسجد ترانه خراب که و بنا شده و فرش چهار ستون بزرگ

در سنه هزار و سیصد و دوازده ۱۳۱۲ و فرش چهار ستون کوچک

کوچک و شبستان تابستانی در سنه هزار و سیصد و چهار ۱۳۰۴

ساخته شده شبستان زمستانی بسیار بزرگ در زیر مسجد

ساخته شده سه دروازه دارد که یکی در ایوان روبروی قبله یکی

میان دو چهار ستون روبه بازار یکی میان مسجد

و شبستان تابستان رو بکوچه باز میشود ایوان دیگر در

محرابش هفت کتیبه کاشی دارد در پنج کتیبه اسماء

باری تعالی و غیره نوشته در دو کتیبه یکی عمل کلب علی

ابن استاد سلطان القمی در کتیبه دیگر فی سنه تسع

و عشرین وماة بعد الالف نگاشته شده در حاشیه ایوان

آیات قرآنی با گچ بریده حمامات قم تقریباً شهر

باب بلکه سه باب در بازار است حمام شاه و حمام

حالیه حال مخروبه است و حمام حاجی عسکر خان معمور است

حکومت قم با محمد حسن خان معظم الدوله امیر تومان بلور

انیس الدوله و اکثر ارشده بسیار معتبر است و پرهیزکار

انیس الدوله زوجه شاه شهید بچه دو ماه است وفات

کرده حضرت قدسیه از القاب است

چهاردهم — شرح سه شنبه چهاردهم

امروز بزیارت حرم مطهر مشرف شده از کاروانسرا

صد قدم بیرون رفته برابر دار الشفا رسیده در زمان صفویه

ساخته شده در دار الشفا از جانب جنوب در حدود

سنه هزار و پنجاه و پنج در سلطنت شاه عباس ثانی

میرزا محمد تقی اعتماد الدوله آب انباری ساخته سی و پنج (۳۵)

سی و پنج (۳۵) پله میخورد در طاق آب انبار نوشته شده

زین برکه دستور که بادا جاوید   بر باد حسنی برکه کوثره

چشمه ئی اکلی زهرهای تاریخش گفت

لعنت بر یزید باد و بر کور یزید   الفیا   میرزا تقی

از بهر صفی شاه جهان   این برکه نمود خیر بر همانی

جستم ز خرد حساب تاریخش گفت   این برکه

بنا کرده وزیر ایران   از آنجا وارد مدرسه شده در سر در

رو برابر دار الشفا نوشته شده   این همایون درگه فرخ

پی گردون رهی   درگه علم است باب فضل و

کبریاش جلال آیت   این مقرنس طاق چشمه این

منور شمسه حیث آسمانی با سکون و آفتابی بی قرار

این حرم حرمت حریم این عرش فرسا بارگاه گشت

بشنید از شش آن پادشاه همیش   بار یارب

بخت میرزا اش چو حق لا ینام   بار یارب ملک

اقبالش چو ملک لا یزال   درون مدرسه

در حاشیه سه ایوان حظیره داخلیه نوشته شده از مدرسه

وارد صحن قدیم شوند مقرنس سردر از کاشی و کس میرزا

پسر فتحعلی شاه است   در دروازه از دست چپ

مقبره صبیه فتحعلی شاه زوجه میرزا نظام حکیم

باشی است عقب آن مقبره میرزا حسن آشتیانی

مستوفی الممالک است تاریخ فوتش   بنوشت

شهاب از پی تاریخ وفاتش   طوبی و مبارک

لک فی الجنة مأواک   زوجه میرزا حسن تاریخ

فوتش   زد شهاب از طبع گوهر زا بتاریخش رقم

پاک بانوئی بمینو گشته همزانوی حور   و جانی بیگم صبیه

میرزا حسن تاریخ فوتش   گفت خامه شهاب

کلک سال وفاتش   شد جانی بیگم بباغ جنت ۱۲۶۹

و تاج خانم صبیه میرزا یوسف صدر اعظم پسر شیخ

تاریخ فوتش   هزار و دو صد و شصت و سه ز هجرت بود

و تاج خانم در قبر هشت خلد کو حق   در عین

مقبره مدفون شدند و در زاویه مقبره مستوفی الممالک

و مقابر جنوب صحن قهوه خانه است   در دروازه از

دست راست مقبره قهرمان میرزا پسر عباس میرزا

نایب السلطنه وفاتش در سنه هزار و دویست و پنجاه
و هفت صورت او در سنگ مرمر منقور روی قبر
منصوب است اکبر میرزا پسر قهرمان میرزا وفاتش
در سنه هزار و سیصد و یک ۱۳۰۱ و شمس الدوله صبیه اکبر میند
زوجه محمد رحیم خان طالش وفاتش در سنه هزار و
سیصد و نه و سلطان خانم صبیه اسدالله میرزا
نایب الایاله وفاتش در سنه هزار و سیصد و ده ۱۳۱۲ للهجره
در مقبره قهرمان میرزا مدفونند عقب مقبره
قهرمان میرزا مقبره فتحعلی شاه است بیرون
مقبره روبصحن در دیوار چهار سنگ مرمر منصوب
در دو سنگ مرثیت خاقان مغفور در دو سنگ دیگر

دیگر یک تاریخ دفن خاقان یک تاریخ اتمام آئینه کاری
مقبره مغفور است چون همایون تن پاکش در
قم ستیم شهر رجب گشت دفین کلک وقوعی
پی تاریخ نگاشت سنه الف و مائتین و خمسین
ایضاً این بقعه را ز آئینه نگارین گشته خو
رنگ نگارخانه چین گشته کلک وقوعی پی اتمام چو
تاریخش جست الف و مائتین و خمس و خمسین گشته
تاریخ اتمام دروازه جنوبی مقبره تاریخ بنایش از
قدوم شد سؤال گفت بر این در از مقام
در کعبه در طواف ۱۲۵۷ تاریخ دروازه شمالی دبیر عقد
با ثبات بهر تاریخش نگاشت این در عالی

ز معتمدش باز تاریخ دروانه رد الصبح ازنیا تاریخ
سالش زد رقم پیر خرد این در کعبه مقام ازدادر
جنت مآب مقبره خاقان در سلطنت محمد شاه
بمباشرت منوچهر خان معتمد الدوله تمام شده
مجسمه خاقان مغفور روی سنگ مرمر حجار کشیده
در روی مرقد منصوب است فتح الله میرزا شعاع
السلطنه تاریخ وفاتش به تاریخ دان رضوان
رقم نمود فزون لکر شعاع خلد ازین و محمد امین
میرزا وفاتش در هزار و سیصد و چهار ۱۳۰۴ و ماه ماهان
خانم قمر السلطنه وفاتش در هزار و سیصد و نه ۱۳۰۹ در
در مقبره پدر خود مدفون شد فرش مقبره در هزار و دویست

دولت و نفوذش بافته شد حالت ایام سلطنت
فتحعلی شاه که خود خاقان مغفور نوشته در یک
پارچه سنگ منقور و در طاق نمای نصب نموده چون
کلام ملوک ملوک کلام است آرایش کتاب
نمود در اندراج آن چه سمت نگارش یافت

حالت سلطنت خاقان مغفور فتحعلی شاه

حالت سلطنت
خاقان مغفور
فتحعلی شاه

لک الحمد یا ذا الجود والمجد والعلی تبارک تعطی من
تشاء و تمنع الحیی و ورد هو من جنتین صدور ورده
عرصه شهود را احمد محمود صلوات الله علیه و آله
و اوصیائه العزیز الله شش عشر منت و سپاس
مر بخشنده نعمت و بخشاینده نعمت را لا تزد و لیس

در پس از انعام عام و عطای تام که او شاه لا در
آن یک ناخواست نه از آن جان دریغ داشت نه
ازین نان باز گرفت ذات همایون
هزار بر شماره و فزون از حد و ستاره کرامت فرموده
که با هزار چوبین زبان شکر یکی از آن نتوان گفت
با یک زبان در ادای چندین هزار آلاء چه زبان
افتد الهی انت کما اثنیت علی نفسک و فلت
و قولک الحق وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها از آنجا
که پیغمبر پاک و برگزیده لولاک براشعه رحمت
و اداء نعمت در کتاب مسطور مأمور گرد و اما
نعمة ربک فحدث و اظهار نعمت لا نوعی از ادای

ادای شکر شمرد زیرا انکه نعمت نشناسد شکر را
نشاید وان را که شکر نشاید نعمت نپاید تا بتی
با انجناب در متابعت خطاب و مطاوعت کتاب
واجب که لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة
الحق از فواضل احسان و فضایل انعام مخصوص حضایل
و شمایل ما داشت که بران آیت ذات ما للاز
ممکنات افزون خواست با کمال اعتراف بعجز از
احصای آن بر قول المیسور لا یسقط بالمعسور افتات
ان بینات بی تکلف منشیانه و تصلف مترسلانه
بر حسب تقریرهای پیر بزبان خامه صاحب دیوان
رسایل برایین لوحه اشارت تحریر رفت بر بندگان

حاضر را تذکری و آمیزگان غایب را تفکری حاصل آید
تا بدانند این خبر افزایان ملک که زبان خلق آیت است
دنیا بی کار هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق گوهر آنکه
ایل جلایر قاجار از آق قویونلی ترکمانیه و آن
قبیله نجیبه از اولاد [illegible] بن یافث بن نوح
است و احداد مذکور و کثرت اولاد و احفاد مشهور
آفاق [illegible] واجب [illegible] بعدل و داد مادر استراباد و
گرگان [illegible] استیلا، بر ترکمانان [illegible] جهانگشای
افراختند شاه قلی خان [illegible] پرچم [illegible] سرخیل آن
انجمن بود پس از انقضای مدت حکمرانی از این جهان
فانی درگذشت زمام اختیار بفرزند ارشد فتحعلی خان

خان باز گذاشت او امیری بود پادشاه نشان بمنزلت
شمشیر و مساعدت تدبیرش دولت علیه صفویه را
استقامت و استحکامی تمام حاصل بود پس از
شهادت او نادرشاه افشار چندی بهبک و فتک
ایلات را ویران گذاشته درگذشت نوبت سلطنت
موروث بمحمد حسن خان فرزند رشید سعید خان رسید
او جهانبانی مؤدب نفس مجرب عقل مهذب اخلاق
بود در اندک مدت ممالک عراق و فارس و آذربایجان
چون قلوب جمهور ناس مسخر و مغلوب ساخت
پس از انصراف فتنه و انصرام مدت بر عادت
زمانه ناپایدار زمانش بسر آمد و از آن همیشه بهتر

پسر خلف ماند پدر نامدارم حسینقلیخان ملقب بجهانسوز
شاه و عمّم تاجدارم محمد شاه که کو هر یک دُرج
داخوش یک برجسند بسبب استبدادی کریم خان زند
عمّ تاجدارم در شهر شیراز چون پدر آن امیر
جاه و پدرم شمشیر گذارم تا از جاه پیاپیش شدند منتظر
سر بر تاج از جهان و کمند بر جهان کمر نطاق شمشیر
برکشانیدم کمند زین بر جسر وانی بستر برگزیده دستان
وارد داستانهای فعلی و قلم انگه بیاد کار گذاشت
عاقبت بجان احمد خان بسهولت سعادت یافت
کریم خان زند را باعث آن کار ناپسند بود از ادمان
شراب چون نقش بر آب و موج سراب ناچیز ماند

ماند عمّم نامدارم از شهر بند شیراز چون لطفعلیخان زمام داران
گرفت و بکم وقت ایلان را متحیر کرد و او جنگجوئی
بود با بطش شدید و طیش سدید رائی صائب
و اندیشهٔ ثاقب داشت و در پی سرداری و دولت
و با یقه بگشودن شوشی حصار عزم جزم کرد پس از
تصرف لر صحرا، صما و قلعهٔ شما از مفسدت صادق خان
کرد شقاقی بظلم سر کافر نعمت برید و از ذیحجة الحرام ربود
تخت و تاج کرد   راقمه محمد حسین الطهرانی نجفی زاده آقا محمد حسین

انا لله و انا الیه راجعون

یا ستار   یا غفار

باهتمام سرکار مقرب الخاقان سپهر خان. صدور (?) [illegible]

جهانا همی در چو خواهی درود   چه بی بر همی پروری

چه گویم پس صادق خان تاج و تخت و کلاه سلطنت

برانگیختن یافته خیلی سروری و کشورگیری در دماغش جای

گیر شد غافل از اینکه   نه هر سری بکلاهی سزای

سزاوارست   خبر این داهیه بزرگ و واقعه موحش

در دار الملک فارس بمسامع دولت و مسامع حضرت

ما رسید کینه خواست   دلی پر ز درد و سری پر ز کین

بخون خواهی شاه ایران زمین   با معدودی از سران

سپاه و قاصدان درگاه رو به تختگاه ری آوردیم

صادق خان با شصت هزار لشکر بقزوین رسید چهار

هزار کس از منهزمانش شکسته و خسته بهم در پیوسته

در پیوسته خیر الاهی کردیم و ازاده در خود اینده ها

شدیم چون شهاب بر شیاطین و برق بر کتان

و صاعقه بر گیاه برادر تا حشمه ظفر یافتیم تخت و کلاه

از او باز ستده ان سر مرد گناه را با تش بسوختیم

بر تخت سلطنت با شوکت جم بر جای عمم نشستیم

بفر فریدون برافراز گاه   ابا یاره و خسروانی

کلاه   برنهیم شاهی سر افراختیم   بگیتی

ره و رسم نو ساختیم   ز شاهان گیتی گرفتیم باج

نهادیم از مرد دهقان خراج   بعزم های جازم و فروهی

جازم کشورها گرفتیم و لشکرها شکستیم زبردستان را

زیردست آوردیم و بر زیردستان بخشایش کردیم از

بتیغ تیز و خنجر خونریز نافع و ناجع یافتیم با لشکری
گران حمله کردن و آلات و ادوات شایان شاهانه
جهانستان بعینه سیل منحدر که از فراز به نشیب بارد
برفع و دفع آن گروه عنان عزم کشیدیم این رحمت
رحمت الهی و این معادات از سعادات ما تنها
ذات و توفیقات خاص خود شمردیم آفتاب
این موهبت بروز کار دولت ما تافته درجه رفیعه جهاد
فی سبیل الله یافتیم بشکرانه این سعادت بیست و
هفت سال با عبده اصنام مکاوحت و مکافحت
در پیوسته در دار و برد و طرد و نبرد و از برد نشاخته
ولیل و نهار و خزان و بهار از کارزار نیاسودیم در سال

۱۲۴۲
در سال هزار و دویست و چهل و دو هجری کفره روس
قدم تجاسر پیش نهاده از حد ایران الکائی در منزل نفس
نفس پیش گرفتند مواعید صادقه و یقاتلون فی سبیل الله
فیقتلون و یقتلون خوف نموده اجر عظیما آئین
و کیش و سرمایه امید خویش ساختند پس از طول آن
خونریزی مفرط و حرب و ضرب و منجع و دریغ داشتیم
از نفوس محترمه مسلمان اگرچه در خورای یک نفس طاهر
هزار نفس شوم کافر از ایا برادی بسند و نیز تکمیل کار جهاد
از روی حلیه با اموال و انفس امر رفته نقد
نخواستیم آن طایفه منحوسه الجرس و لشره موصوف
دمار نوشند از صدمات پیت و لشکر اسلام ایلانیان

ترک سرکشی و طمع زر بزرنید ده کرور زر نقد از خزانه
عامره بوقاجر جهان استدعا نمودن بزل کهنه آن طایفه
خیشه را از آن ملک بر حد مملکت خویش بازگرداندیم
چون کار جهان بآخر رسید و روزگار ناپایدار سلطنتی از
قرن اول بعصر ثانی پیوست از سلاطین اطراف
سفرا و وکلا با هدایا و تحف و از انواع ظرایف و طرف
بدرگاه ما متواتر و متواصل و از نفایس امتعه
و امتعه شرق و غرب و صنایع بدیعه سلم و حرب
چیزان واصل گشت که در حد و عد نیاید در تفصیل
این اجمال و تحقیق این احقاق محرران وقایع
دولت و مورخان آثار سلطنت خلدت نظماً و نثراً کتب و

کتب و دواوین پرداخته آوازه این شوکت و ابهت
آوازه گوش جهان را پر ساخته لذا اکنون در سال هجری
۱۲۵۰
هزار و دویست و پنجاه و زمانه سلطنتی خجسته و عمر مبارک
شصت است در سبکباری کار ملک کیش بیش
کوهم و تحمل بر مسکینی و درویش در آوردیم
رایت عدل و انصاف بر آسمان افراشتیم و
و آیت جور و اعتساف از صفحه صحیفه روزگار برداشتیم
ملک محصون است و حصن ملک حصین است
منت داور خدا را که چنین است
فحمداً له ثم حمداً له از الله و نعمی هستند سپاسگذاری مخصوص
ذات و صفات ما داشته و بر آن خلاصه نعمی از ایادی

جهان دفؤن دهان زمانه بنیک اختری برتری فزود
صفات جبلیه حمیده و خصال و کمالات جمالی را
آفتاب و ماه از نور رخش سر آسمه اختر چشم براز
رخ توجه بر خوانند حاضران ناظر را از مطالعه آن
مبارکه فتبارک الله احسن الخالقین ورد زبان است
نقاشان مانی نگار و چهره گشایان آزر کار را تصویر
این صورت زیبا و شکل و شمایل دلربا از غیرت
کار و رونق بازار و شوق فزا رار جویند و صفحه
خاطر از دیگر نقشها بشویند از سیاست عدل فتنه سوز
ظلم گداز و عواطف خسروانی عاجز پرور ضعیف نواز
موری بعنف بار سلیمان نکشد و ماری بحیلت ره بر شبان

سلطان نبود در مجلس انس و محفل درس باشغال
با عبای سلطنت و اهتمام مهام مملکت و عدم
مجازات بکتب علمیه و مراودات بتصانیف عقلیه الخ
از تمهید مشکلات و تحلیل معضلات و تقیید
مجهولات و تصریح محکمات و توضیح متشابهات
از ملهمات خاطر وقاد و واردات ضمیر حق بین نهاد
در مراتب ایقان و عرفان تراوش گیرد و کفرش
بپذیرد محققان عهد و افاضل عصر بر پای برند
و از آن قواعد فواید حاصل و حل مسائل کنند و آنچه از
خاطر و انبساط ضمیر را بازیابان حضرت و ادیبان
حضرت و قسمتی اگر در نظم اشعار و وزن افکار ابکار

اتفاق فرصت والتفات صحبتی افتد سخن دانان
دقیقه شناسان که نظم عهد و لغات زمانند و زبان
سرمایه سخن دبیرانه انجمن ساخته از قصاید شاعرانه
و غزلیات عاشقانه و مثنویات عارفانه و
رباعیات مشتاقانه سفینه‌ها کرده و تحفه مجلس سفاین
از عمان و ینابیع بهشت و روم و مصر ارمغان برند
ما نیز بر دیوپیش و زیجه نهند یعنی چو گهر دهی چنین
بار داد عز الجمله زمزمه عاشقان هند و همهمه
عارفان مصر و غلغله صوفیان روم زان نظم
دلکش است و زان لفظ دلفریب و نیز نزد کرّت ترا
مقبل عامه که از الطاف تامه است بر این ذات

ذات شریف مخصوص داشت و آیه والقیت علیک
محبة منّی بران مخصوص اهل عالم بقای مالک
لکر ازجان گرامی تری یا بهتر بنیاز آرند و لقای مالک
از دو جهان عزیز تری چو بهتر بیار بخشند ذالک فضل الله
یؤتیه من یشاء. خدای جهان دادم این فرهی توانائی
فرش بنهی قوله تعالی المال والبنون زینة
الحیوة الدنیا که هم کان لا انتهی عظیم و توهمینی
جسیم است از دارای ایک و درای تابناک تا این
نکات الخیر در رقعه مصاف ظهور و لقعه در عفاف
مستور صغیراً و کبیراً مصوناً عن الصفایر و الکبایر از
این چشمه زاینده صلب و فرزاینده دولت و پناه

نفرند اصفهان و بنا بر کنیه از دو شهر[۱۳۰] برشمرد نزهة القلوب

دولت رهی نصرت ملک عضد و یعنی ملت فارس

میدان شجاعت فارس سفینه شریعت در صورت

اگر منتهی در حساب نیز در معنی منتهی و ابنای نیز محبت

و ممو است فزون از حد و نسبت و مصادقت و

مؤالفت زاید از درجه اخوت دارد عرض کواکب

ه زوال و انتقال آن ببذل و بخشش دست دیگ

نوال منظور و مقصود باد از نسیم افتاب زر تار و

بسیج سحاب گوهر بار لذ و حته بی رد حساب و برهم محشر

صبح و شام از رنگ دیگ در شمار بیشتر دار فاک

صحرا و در محترا در کمتر عالجبه قطعات جواهر پربهای

پربهای بی بهای نامی که از خون شتابان رنگ

گرفته و از جان پاکان سنگ یافته مشترین همی

جهانگیر و معقوم آن قائمه شمشیر بیع آن لالادر

بازار جان نابان جوهری تیغ قاطع است معروف

و جمر خود است دیگی نور آور تاج ماه گوهر یکدانه

لؤلؤ لالا لد سفینه برضا یکی جسم الرذال جهر سلیمان

کوه طور برنور لال لال حمله است از خواسته سیم و زر

و ساخته لعل و گهر که احصای آن بهزار دفتر نگنجد

و استقصای آن بسیج مختصر نسنجد بر دریا و کان

زر و گوهر نماند که توقیع و منشور ما برنخوانند

احجار لالا الحجر زاباب صناعت و صیاغت

ایران در ترکیب اینها قدرت منحصر و سلاطین روم
و فرنگ در ترتیب آن زحمت کشیده بزینت مجلس
ایشان رتبت فرستاده اند سلطان روم الامر آت
از تاج مرصع و اکلیل مکلل و کمر آویزهای گوهر و
حمایل مجره حمایل مشحون بلئالی شاهوار و
یواقیت آبدار کوئی چهار خانه دریا و معدن است
و از صنایع الکلیل تخت خورشید است که از لولو
رخشان و لعل رخشان و دیگر جواهر آبدار بیت
السما مشحون از ثوابت و سیار و بر تخت سلیمانی
کر جبلان سخت کار و استادان نجیب یا راز شکن
مرمر برابر کهم لختی از کوه یاقوت زرد کاسته

کاسته یا گوهری کان پرورد چون روح پاک از تن خاک
برآورده از اکسیر و اختراع پادشاهان روس و فرنگ
تصنیعات جنس بلور است که بحجب فلک مکنیر
از عمان و خزر چون بحری از بحری جواز داده و از ماهی
دریا با بر بار برکوه نهادی گردون مدار چون حمل کوهی
برکوهی نقل کهم لذ نوعی از آن جنس تخت بلور است
در تخت الماس مذکور لمعه نور است و دیگر حوض
بلور است که غواص اندیشه در لجه تصنیع لان مصنع
خوض ننموده و نیز بفکر دقیقه یاب تعیین آنها
و تشخیص ساعات شبانه روزی را از زر ناب هیکلی
بهیئات فلکی ترتیب و ترکیبی کهم علامات

ولگنات چنبر براد تعبیه ساخته و علاقات و بالنجم

هم بهیئت رون گوش و دُمی مروحه جُنبان و دقّه

لان دارد خطوطی توانا و چشمی بینا و در این صنعت

ماهری بیساحری که هنر و دیگر ظروف و اوانی از

آب در کمال لطف و صفا و لبریز زلال فکأنما ماءٌ

ولا قدح وکأنما قدح ولا ماءٌ   همه جام است و نیست

گویی آب   همه آب است و نیست گویی جام   از

غایت نور و ضیاء کشعاع حمازجة الهواء چون آئینه

در برآفتاب خیره کی بخشش الصبار زر دیگر بزم همایونکه

چون ستاره بر سقف آسمان رسته و در رسته و قطار

لنز قطار زر و دیگر مستشعرات گوناگون کاتنش لوله

لؤلؤ مکنون از لعل او و تحریر پرون بر طول فلک

بقعه دولت و لکک تقابع عملات مبارکات ار

امالات خیرات است در بلدان الکلان از مساجد

و مدارس و رباطات و قناطر و تعمیر روضات

مطهرات از درب و مرصع بجواهر و صندوقی

مکلّل و ایوانها و گنبدهای مفروش و لخت طلد

ز چوب طوبی ان الله رسته در   ز خاک جنت

ان الله که دیوار   از ده گرور مهی و ز حی اسباب

دیوان خیرات را ثبت دفاتر است و دیگر عمارات

سلطنتی و سرای دولت سرای شوکت و در خور

قدرت جهان مکنت بمعماری استادان سنمار پیشه

اقلیدس لذتیه بمنزول ان آثارنا تدل علینا
بنیادی چون بنای عدل محکم و بنائی چون بنیاد دولت
مستحکم و استوار داشتیم خاصه خطه طهران در خطه
استوای ملک و ملت است و محط رجال دین و دولت
از کاخهای رفیع و باغهای وسیع کارم ذات العماد
التی لم یخلق مثلها فی البلاد روضه رضوان است
و کعبه امن و امان و قبله اسلام و ایمان تعداد لشکر
لشکر مؤید بالنصر و الظفر لشکری نا کشیده
قهر لشکرت سپهی ناجنبیده زهرخوار با نصر هزار در
شمار زر کاتبم بنیان مرصوص و لحفظ و راحت
محفوظ حصین سبب جمع مشتت فتنه دار نزد در مرصد

دور مرصد قمع فساد ترصد کنند جیوش کان الحرص
عاشقه لهم اذا راهم رفدته بالحنین والرحاب تو
لی برفراز نزه سپهر فروزنده گوهر ماه و مهر
بنیک اختری آفریدی خدا نه منشهی برگزیدی خدا
زفر تو بر سر خدا افسر است جهان در جهان لشکر و کشور است
مرا سرفرازی و بهتری توئی امیدی نیستم ار بهتری توئی
بگیهان شهان پادشاهی تو دارم برین پادشاهی گدائی تو دارم
نه آن شان شاهان درخور است چو دلها گدا
کاین فرق پا در است چو بخشید هم دولت
این جهان بخشیدیم نعمت جاودان اکنون
در آسایش خندق و آرایش جهان در طلعت مبارک

ورای میزمان است بران شدیم که در مزار سلطنتی ممالک

الیان برین سلسله علیه که با بر متصل باد دایر

و سایر باشد و دولت جاودانی و اطاع پیشگفتان

ز حوادث و ارزانی این ملک کوتاه گیر تا برین حکمت

نعمت بی نعمتی بیت وای کلفت بر پروردگان

این حضرت و برادر دکان این دولت دائم و قائم

ماند از زمره مشتهر ولد و با بقیه از هزار کس بیرون اعتبار

در کهن لیاقت سری و قابلیت برتری جز فرزند دلبند

محمد میرزا که بهین فرزند و لیعهد مغفور عباس

میرزا است مشاهده نرفت ان مایه سرور جان و فلذه

جگر را که ذیل عصمتش از لوث ۲ تمام

ختم شد [illegible]

تمام خطایا که است از حد و حصر خارج سابق بر

خلاف سراپا در حصار سی از تعویض ولایت عهد

مرا ولا با آذربایجان کشید بقیه نخواهیم گذارد

که اصفهان بیمون گرفتیم و در آنجا نگاه علیل

المزاج مقیم گردیم تا نجو ملک از کجا بر آورد بیرون ۲۰

[illegible] خاقان ۵۵ مغفور [illegible] الملک [illegible] مغفور [illegible] مستوفی [illegible] نیز [illegible]

میان مقبره خاقان و مقبره سمت شمال مقبره خویش

نیم السلطنه واقع تاریخ نوشتن خود از بهار گرفتن

رقم نو زیر نام شاه جایش در جنان ... در

وسط مقبره مزبوره مرقد منوچهر خان معتمد الدوله و

حاجی اسمعیل جدید پدر حکیم الممالک است تاریخ

اتمام مقبره   به تاریخ اتمامش بهار آورد این مصرع

ز داود فلک چاکر بقم این بقعه (۱۲۶۵) را برپا   تاریخ

اتمام دروازه   در بقعه بابا زد در های (۱۲۶۴) رحمت   فرش

مقبره در هزار و دویست و شصت و سه تمام شده چند

صورت الی حیه شد معلوم نبود از کیست پهلوی

مقبره نزیم السلطنه از جانب شمال مقبره (ع) فرخ خان

امین الدوله کاشی است صورت او نقاش کشیده

از فراز سرش آویخته شده ۴ هاشم خان امین الدوله

تاریخ نوشتن   ب ا ل رحلت لن خواجه مشتری ابر رو

قرین رحمت حق باد جاودان گنجیان (۱۲۹۴)   در آن مقبره

مدفون است فرش مقبره والده جناب اتابک امین الدوله اعظم

تمام نمره پهلوی مقبره فرخ خان مقبره (۷) هفتم نبود معلوم

نشد از کیست پهلوی آن مقبره (۸) عین الملک است

شکلش در حالت سواری کشیده و لله مقبره

آویخته شده زیر آن مقبره آب انبار است پهلوی مقبره

عین الملک مقبره (۹) نهم غیر معلوم بود پهلوی او مقبره (۱۰)

یک شاه مبرور محمد شاه است مقبره در ایام صدارت

امیر اتابک تمام کرده شکل شاه مبرور حجار

در سنگ مرمر کشیده روی مرقد نصب است سنگ

مزبور در سنه هزار و دویست (۱۲۷۰) و هفتاد تمام شده

تصویر شاه اسمعیل اول و شاه طهماسب و شاه

عباس اول و سلطان سلیم و محمد خان قاجار

و آقا محمد خان بخلعه و فتحعلی شاه و عباس میرزا
ولیعهد و محمد شاه در حاشیه بقعه نقاش کشیده
و صورت تمام قامت از فتحعلی شاه و محمد شاه
در فراز بقعه کشیده شده مقبره را بسیار با سلیقه آئینه
کاری نموده‌اند در دست چپ شاه مبرور والده ماجده
شاه مبرور دختر امام الدوله تاریخ   خامه فارس
رقم نمود از پی تاریخ   شد بجنان او قرین مریم و
حوا   و عفت الدوله تاریخ وفاتش   بانوی
عذرا برون شد ز کاخ سلطنتی   اشک سرخ اگر
برون از چشم و جای او گرفت   ١٣١٠ هزار و سیصد و ده
عجز بانوی عذرا که ١٠٤١ هزار و چهل و یک است از کاخ

از کاخ سلطنتی را عجزش ١١٧٠ هزار و صد و هفتاد است
چون برون رفت یکصد و بیست و نه باقی می‌ماند بر
عجز اشک سرخ که ١١٨١ هزار و صد و هشتاد و یک است
شد ١٣١٠ هزار و سیصد و ده ملیحه اسم دختر شاه مبرور
در دست راست طوبی خانم و بیگم خانم اسم خواهر
شاه مبرور در بالای سر شاه مبرور مهد علیا
مادر شاه شهید ناصرالدین شاه تاریخ وفاتش
رفته بود از پس هزار و دو صد سال   رو بجبر خدیجه
زجهان بشد   دست چپ مهد علیا فخر الملوک
بالای سر مهد علیا فخر الدوله اسم دختر شاه شهید
بقعه مرقوم برابر مقبره محمد شاه پشت منبر مردانه

مقبره ۱۱ عضدالدوله محمد مهدی خان است پهلوی
او مقبره ۱۲ شجاع الدوله پهلوی او صحن الحرم مطهر مقبره ۱۳
ع خان نایب الحکومه مازندران است نوشته در دیوار
حالیت و نخود و یک بچه از جانب جنوب صحن قهوه خانه
در مقابل مقبره مستوفی الممالک است مقبره ۱۴ صاحبه
سلطان مراد میرزا حسام السلطنه زوجه سلطان
اویس میرزا معتمد الدوله پهلوی او مقبره ۱۵ میرزا
شفیع خان صاحب دیوان تاریخ نوشته زکلک
طالب زد رقم بهر تاریخ بگنبد عدن مکان گشته
صاحب دیوان ۱۲۷۲ پهلوی او مقبره ۱۶ قوام الدوله تاریخ
نوشته رقم زد منشی کلک شهاب از بهر تاریخش

تاریخش مکان دارد قوام الدوله اندر صدر علیین ۱۲۶۲
امین الملک گلاب اوراد قوام الدوله عم پدر او
و صاحبیه حجرالملک آنجا مدفونند پهلوی او در ایوانست
که رو بصحن امین السلطان باز میشود پهلوی او مقبره ۱۷
ملک سلطان خانم صاحبیه محمد تقی میرزا حسام
السلطنه نوه خاقان مغفور است تاریخ وفاتش
هزار و دو صد و شصت و یک از جهان رفت ۱۲۶۱
سعی جنت جاودیست بارالغفر پهلوی او مقبره ۱۸
میرزا حسین تفرشی مشهور بمبشر مستوفی بجه نوشته
روز پنجشنبه شهر ذیقعده سنه هزار و دویست و هشتاد و
دو نه میان او و مقبره امین السلطان قهوه خانه است

مقبره[۱۹] امین السلطان از جانب مغرب برابر
مقبره مرحوم مستوفی الممالک است ولعمری از نفیس
از تمام مقبره‌ها غیر از مقبره خاقان و شاه شهید در
بیشتر است و وسط بقعه چهار ستون از یکپارچه
مرمر منصوب میان آن ستونها محل دفن
نعش متوفی منحصر جانب جنوبی کل بقعه صحن نو
واقع شده حالا غیر از ۵ مدرسه امین الحضره
کالبد جناب صدر اعظم فوتش در سنه هزار و
سیصد و هفت و خدیجه سلطان خانم مادر جناب
صدر اعظم فوتش در سنه هزار و دویست و نود ۱۲۹۸
هشت کسی هنوز در آنجا مدفون نیست عکس

عکس ابراهیم خان امین السلطان مرحوم اینجا
چاپ شد پهلوی او مقبره[۲۰] زینت الحاجیه تاریخ
وفاتش زود رقم از پی تاریخ وفاتش افسر
زینتیه الحاجیه الاملاک نقاب شد وطنا مقبره شهیده
اصحاب الجرم مطهر است میان صحن قبور مردم است
چون غالب آن قبور سنگ مزار ساخته شده صحن
جدید مشهور بصحن امین السلطان جنوب حرم
مطهر و صحن قدیم ساخته شده ولعمری در وسع وصفا
و حجرات او از صحن قدیم بسیار افزون تر طاق
نماها تمام کاشی منحصر از چهار جانب در تمام حاشیه
قصاید عربی در تعریف بنیان و بانی نوشته شده

در وسط صحن حوض بسیار بزرگی است و اطراف
حوض چراغها نصب گشته در تمام ستونها از جوانب
اربعه دیوار کوب منصوب دروازه شمالی صحن
نو رو بصحن قدیم دروازه جنوبی رو بکارخانه صدراعظم
دروازه شرقی رو بقبرستان دروازه مغربی رو
بکوچه و حمام امین التولیه باز میشود در غالب
حجرات اعیان مدفون میشوند از ابنیه خیریه حضرت
مستطاب اشرف امجد بندگان میرزا علی اصغر خان
امین السلطان صدر اعظم است در سنه هزار و سیصد
و سه تمام شده تاریخ اتمامش هزار و سیصد
سه چون گذشت از هجرت تا آخر اکثر این

این مقبره این منبر حصار مقبرهای را تا بکار
در این صحن معین شده از جانب شمالی مقبره
ه حجره محوطه دار خزانه تاریخ فوتش هزار و
سیصد و چهار از زمان هجرت بود مهاجرت
ز جهان کرد و رفت سوی جنان پسرش میرزا
محمد تقی فوتش روز پنجشنبه ماه جمادی الاخره سنه هزار و
سیصد و دو در اینجا مدفون است و مقبره حسن خان
خازن لشکر تاریخ وفاتش صبوری
بتاریخ فوتش بگفت همین نکته خازن بفردوس
باش علی حاجی میرزا ابوطالب اینجا مدفون است
و مقبره حاجب الدوله و مقبره عیال مرحوم عمادالدوله

از جانب جنوب مقبره [۵] الله یار خان و مقبره [۶]

اکبر خان بیگلربیگی رشتی پدر فتح الله خان

بیگلربیگی امیر لقان صد و بیست پاره بسیار ممتاز

وقف مقبره نموده در سنه هزار و سیصد و یازده [۱۳۱۱]

نوشته شده مقبره [۷] مصباح السلطنه برادر معین

دیوان و مقبره [۸] ضیاء الملک تهرانی برادر بهاء

الملک و مقبره [۹] شازده خانم صبیه خاقان

مغفور مادر مدیر الملک و مقبره [۱۰] میرزا صالح وزیر

زنجان و مقبره [۱۱] بحر العلوم از مجتهدین طهران

و مقبره [۱۲] پدر میرزا رضا قلی خان منشی صدارت عظمی

و مقبره [۱۳] ملا احمد طهرانی و مقبره [۱۴] میرزا احمد خان لشکر

نویس و مقبره [۱۵] عیال مرحوم ناصر الدوله

و مقبره [۱۶] حاجی شیخ محمد جعفر تاجر تبریزی الاصل قزوینی

المسکن فوتش یکشنبه ۲۹ جمادی الاولی سنه

هزار و سیصد [۱۳۰۰] و مقبره [۱۷] قمر خانم صبیه حاجی محمد صادق

تاجر اصفهانی معروف بقاضی فوتش نیمه رجب

سنه هزار و سیصد و دوازده [۱۳۱۲] ربابه خواهر قمر خانم

فوتش غره جمادی الاولی سنه هزار و سیصد و هشت [۱۳۰۸]

در آنجا مدفون است از جانب مغرب مقبره [۱۸]

۵ جوهر معتمد الحرم فوتش شنبه هفدهم ربیع الاول

سنه هزار و سیصد و پنج [۱۳۰۵] و حاجی عنبر خواجه فوتش

در جمادی الاولی سنه هزار و سیصد و هشت [۱۳۰۸] از جانب مشرق

۱۹ مقبره مرتضی خان شهاب الدوله پسر امیر خان

سردار تاریخ فوتش   در شب پنجشنبه هشتم

ز ربی از جمادی ثانی   بسم ز هجرت هزار و سیصد

هفت   رفته بر کنز قضای ربانی الهی   کشور فانی

صبیه شهاب الدوله تاریخ فوتش هست

تاریخش چو فرستد له علیح   آفتابی شد برون

از کشوری که هزار و سیصد است ۱۳۱۳ و صفیه گر تو

بر تعمیه داشوری   و باقر خان پسر شهاب الدوله

تاریخ فوتش   بجا است از پی تاریخش ار دم گشن

خرد   رسید طایر حق قرب آشیانه جان ۱۳۰۵   و فاطمه

صبیه قاسم خان خواهر محمد علی ماه در شاه شهید

شاه شهید تاریخ فوتش   چو سال او شد دیگر هزار و

سیصد و شش شد   بروز بیستم ماه رجب در خلد شد

جانش   در صحن جدید رضی سردر از جهات اربعه منار متعدد

و مقابل حرم مطهر ایوان طلا و گلدسته بسیار مرتفع

ساخته شده در قم جنب قبرستان است یک ایوان است

صحن نو مقبره علی ابن بابویه و میرزا ابوالقاسم قمی در همین

قبرستان است مقبره علی ابن بابویه عبارت از گنبد

و بقعه است شبیه گنبد و بقاع در جهت امام زاده ساخته

میشود   از درون بقعه در حاشیه سوره فتح از فراز گنبد

آیات قرآنی نوشته در وسط چراغ نقره آویخته متولی

میگفت چهارصد سال است آویخته شده گنبد کاشی بهم

حال کاشی کاری شده بقعه را بسیار بر نما نموده ضریح از کاشی
ساخته از جانب شمالی روی کاشی کاری سواد دستخط امام
حسن عسکری نوشته شده   کتب هذا المکتوب الامام حسن
العسکری الی الشیخ علی ابن الحسین بن بابویه نور الله مرقده
بسم الله الرحمن الرحیم   الحمد لله رب العالمین
والعاقبة للمتقین والجنة للموحدین والنار للملحدین
الخ   دور دستخط سوره تکاثر و توحید و اسماء ائمه
مرقوم رفته چون حساب نمود نوشتن تمام مکتوب مفصله
ممکن نیامد زیارت نامه در لوح چوبی نوشته سوادش
نوشته میشود   زیارت میکنیم علی ابن بابویه را الحجة
نحو والدین و خویشان تقربا الی الله السلام علیک

علیک ایها الشیخ الفاضل والحبر الکامل والسلام
علیک وعلی آبائک الصالحین وابنائک الفاضلین
واشهد انک اجتهدت فی الدین حق الاجتهاد فجزاک
الله خیر جزاء المحسنین ورحمة الله علیک وعلی آبائک
الصالحین   اللهم ارحم غربته وآنس وحشته وآمن
روعته واسکن الیه من رحمتک رحمة تستغنی بها
عن رحمة من سواک والحقه بمن کان یتولاه من الائمه
المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین برحمتک یا
١٢٣٠
ارحم الراحمین   در سنه هزار و دویست و سی نوشته شده
و مقبره میرزا ابوالقاسم قمی چسبیده برابر مقبره ابن
بابویه واقع فراز حجره تازه که گنبد کوچکی ساخته مرحوم

میرزا در داخل حجره مدفون و فاتش در سنه هزار و دویست و
سی و یک بعد میرزا محمد حسین پسر ملا احمد نبیره مولا محمد
مهدی نراقی فوتش در شانزدهم محرم سنه هزار و سیصد و یازده [۱۳۱۱]
و سلطنت بیگم صبیه میرزای قمی فوتش در جمادی الآخره
سنه هزار و دویست و نود و چهار [۱۲۹۴] و ملا محمد پسر میرزا محمد حسین
مسطور فوتش در ربیع الاول سنه هزار و دویست و هشتاد و
نه و ملا عبد الله پسر حاجی محمد فوتش در بیست و ششم
جمادی الآخره سنه هزار و صد و نود و نه [۱۱۹۹] در همین حجره مدفونند
در محوطه مقبره میرزای قمی حصار کوتاهی کشیده جمعی از
علماء و طلاب آنجا مدفون شده حجره دیگر در آن
محوطه است و پنج قبر در آن حجره بعد یکی از آقا رضا پسر

پسر ملا محمد حسین طاهری قمی فوتش در ۲۱ شوال
سنه هزار و دویست و چهل و هشت [۱۲۴۸] و یکی از سید اسمعیل
بحر العلوم تاریخ فوتش   سال تاریخش چو کردم
جستجو   عقل گفتا رونق ایمان برفت   سه مقبره
دیگر معلوم نبود از کیست. اما حرم مطهر گنبد و بارگاه
شاه طهماسب ساخته در ماه رجب سنه نهصد و پنجاه [۹۵۵]
و پنج تمام شده ایوان روضه قدیم و دو گلدسته
مقابل گنبد و گنبد مطهر را خاقان مغفور فتحعلی شاه
طلا نمود ضریح چوبین در زمان شاه صفی میرزا محمد تقی
اعتماد الدوله ساخته شاه شهید انار الله برهانه
ضریح نقره روی ضریح چوبین نصب فرمود ضریح مزبور

بعهد حضرت محمد خان صاحب آثار دولت در سنه هزار و دویست
و هفتاد و چهار تمام شده و درون بقعه کیکاوس میرزا خلف
خاقان مغفور آئینه بخرج و در کتیبه دور ازاره تماماً
آیات و روایات نوشته شده از زمان صفویه یادگار است
پایین کتیبه سنگهای یکپارچه مرمر منصوب از میان
گنبد جار بسیار بزرگی آویخته شده بعضی از جواهرات
حضرت عقب شیشه گذاشته روی ضریح برابر دروازه
طلا نصب کرده دو ضریح مطهر شمعدان نقره متقدم
کوبیده فلز دروازه رو بمسجد … کعبه مروارید دوزی
از موقوفات حاجی محمد علیخان امین السلطنه نذر کرده
مهدی قلیخان کرده آویخته شده کعبه زر نقشی نیز هست از هر

از هر قبیل اسباب آرایش و زینت در حرم موجود است
در بقعه منوره هفت دروازه است دو از جانب شمال
سه از جنوب یکی از مشرق یکی از مغرب دو دروازه
شمالی یکی از خاتم است رو بمسجد مردانه یکی از چوب است
در سرداب باز میشود از سرداب بمضجع حضرت میرفخر
سه دروازه جنوبی یکی حسین قلیخان نظام السلطنه و برادرش
محمد حسن خان سعد الملک از نقره تمام زرنشانه رو بصحن نو باز
میشود تاریخ اتمامش میرزا محمد تقی شیرازی شاعر ملقب بفصیح
الملک متخلص بشوریده ساخته در هر دو دروازه مرتسم است
شده منطق شوریده بهر تاریخش   در این رواق ایوان
در جان شده باز   رواق میان دروازه نقره و صحن نو

ابن السلطان آئینه بخط ... دروازه دیگر از چوب
یکی دروازه خزانه حضرت است و یکی در مسجد زنانه باز
میشود دروازه شرقی دروازه طلا است ایوان میدان
دروازه طلا و صحن قدیم شاه شهید طلا بخط ... دروازه مغربی
از چوب است در رواق شاه صفی باز میشود شاه صفی
در رواق بخود مدفون است ولی قبرش آشکار نیست
زیر سنگ فرش است از مرمر فرش شده در شمال رواق
صورت تمام قامت فتحعلی شاه کشیده شده نصب
رواق مسجد زنانه شمال رواق مقبره شاه عباس
تمام است تمام مقبره از سنگ مرمر ساخته چوب سنگها
منصوب چون نقشها منقوش آدمی حیران میشود تا

تماشاگاه غربی شمالی مقبره شاه عباس
مقبره شاه طهماسب و شاه سلطان حسین است
هر دو در یک مقبره مدفونند سنگ بی نقاب صفویه
صحن زنانه و مشرقی مسجد مردانه واقع شده اتمام
صحن قدیم در سنه نهصد و سی و نه هجری ۹۳۹

شرح چهارشنبه پنجم

پنجم

امشب حین میرزا عبدالرزاق رفتیم تجارت میکند
در سرای صدر اعظم که در بازار باز میشود حجره گرفته
با محمد صادق بزاز انجا بود هر دو در حجره ابریشمها نشسته
ان حجره بفاصله یک میدان خارج از شهر واقع
دالان بزرگ کاروانسرائی منزل گرفته بودیم قالیها

و تلگراف مشهور برانی است و ستاو سید محمد شیخ است
امشب سید محمد طرف سوقان تعارف آورده شب
سه شنبه موقع حرکت است اصفهانی‌ها با میرزا علی آقا
و آقا سید حسین و تلگرافچی و جناب معتمد ... است
خیلی مختصر نوشتیم تصویر عهدی که از آقا سید
اسد الله گرفته بودم جهت معتمد فرستادم امروز بار
از قم حرکت کردیم منزل امروز منظریه مسافت
راه پنج فرسخ است تسعیر ارزاق در قم نان یکمن تبریز
پانصد دینار گوشت دو هزار و چهارصد دینار برنج دو
هزار و پانصد دینار روغن هفت هزار کاه صد و پنجاه دینار
جو پانصد دینار ذغال سیصد دینار پنیر شش هزار سیب

سیب زمینی ششصد دینار هیمه چهارصد دینار شمع
یک رشته [illegible] شاهی ساعت چهار حرکت کرده از
منزل تا بر دروازه مشهور معصومه یک کوچه است
بسیار طولانی است دروازه رو به بالا را باز نموده
از دروازه وارد [illegible] شده یک حکم [illegible] است
[illegible] خانه قم بسته شده مشروب زراعات
و باغات و غالب مردم از همین آب است
منبعش میگویند از چشمه‌های جبال خوانسار
و کلپایگان است در سیلاب [illegible] فرسخ قم برنج
فرو میرود آن سمت پل [illegible] خانه کهنه و بازارچه
و چند دستگاه خانه است عقب آن زمین

ساذجه از موقوفات حضرت عقب است
حمله ابر قوشیها است کنار راه شوسه واقع یک
میلی دور از شهر بانگاه راه شوسه است عرض
راه شوسه را زنجیر بسته هر سرمالی که طهران
میرود ده شاهی ماکه بلیت گرفته عبور میکنند راه
شوسه تا طهران جناب صدر اعظم ساخته
کالسکه های اسبی جهة کرایه موجود و عبور و مرور
میکنند بار و اشخاص هرچه میبرند و می آورند از بانگاه
تا یک فرسخ دو قهوه خانه دیده شد یک فرسخ
بمنظریه مانده پل طولانی محکم سنگی است روی
رودخانه با اهتمام صدر اعظم بسته شده آنش کولا

کولا نبود قهوه خانه کنار پل است یک میدان
آن سمت پل قلعه مخروبه ایست ساعت ده
وارد کاروانسرا شده منزل نمودیم سلطان العلماء
از مجتهدین مشهد مقدس بعتبات مشرف میشود
و شیخ محمد حسین پیشنماز مسجد حسن وکیل آبرو
در کرمانشاه بمشهد مشرف شده بود حاجی میرزا جعفر
میکند قبل از ما وارد منظریه شده بود منظریه
عبارت از کاروانسرائی است بسیار محکم و بزرگ
و دلنشین تقریباً دوران شصت حجره ساخته شده
سر در کاروانسرا از بیرون کاشی نمونه سنگ تاریخ حجازی
دروازه آورده اشعار آن مرقوم میشود

عهد ملک ناصر دین الله یافت

تاج ازاو زینت و اورنگ زیب

همت وی بیضهٔ قدر را پدر

هیبت وی کشته قضا را ادب

ناوک او زهرهٔ تیر فلک سوز

خنجر او اختر کف الخضیب

نور بر طلعت مهرش سیاه

حور بر جلوه چهرش مهیب

روی زمین کهنه هستش تمام

سعی فلک عزم کند عنقریب

ساخت ایمن ابن ایمن این بنا کش

کش بهر افسر از او جای نشیب

آنکه خورد چرخ ز دستش نوال

آنکه کند مور ز خوانش نصیب

عافیت لازم برسید از ملک

کانزم جان بخش وی آمد طبیب

پور براهیم علی اصغر آنک

میوه زد از نفخ دمش مشک طیب

آصف دربار سلیمان عهد

سیر فلک حشمت کرده رکیب

مکرمت زیبای محمد شاه

ریخت چو این طرح خوش دل فریب تاریخ

ساخت چو این ساحت حکم اساس
برد برنگ ازدهان گرون شکیب
این حجره و انجمن لاله که شمع
شد مه و پروانه بو عنبر لب
طبع سرود از پی تاریخ وی
۱۳۲
نفرح للقه و فتح قریب

دکان عطاری و بقالی و اطعمه و مهمان خوانه از یکی
تغییر و تبدیل اسب کالسکه ها ساخته شده و
باغچه جلو کاروانسرا است و در باغچه درخت سرو و بید از
و بید بسیار و میوه جات بسیار کم است نام
باغبان شهباز است ماهی چهار تومان مواجب از

از صدارت میگیرد مستغلات را در هشتصد تومان
حاجی محمد خان اجاره کرده از جانب او محمد جعفر
کاشی اینجا است مرغول و محصولش از همین دکان
بقالی و عطاری است نان یکمن تبریزی هفتصد دینار همه
چهارصد دینار ماست یکهزار و ششصد دینار خربزه
پانصد شاهی هندوانه پانصد دینار شیره چهار هزار
کاه پنجشاهی جو یکصد شاهی جوجه قلعه یکهزار و پنجاه
مرغ دو هزار و پنجشاهی میفروشند در جانب کاروانسرا
دو برج ساخته شده دکاکین دارد شاه رضا قهوه چی
مشهدی محمد تقی است قهوه خانه را ماهی سه تومان و
پنجهزار اجاره کرده درون کاروانسرا واقع است نام

منظره سابق شاشکو بچه صدراعظم تغییر داده
قناتی از قدیم داشته صدراعظم تعمیر نموده است

شرح پنجشنبه ششم

ششم

منزل امروز سه آباد است مسافت شش فرسخ است
ساعت ده و کسری نخفه پس از یک فرسخ بباغ باباط
رسیده قهوه خانه و کاروانسرائی است بجناب
صدراعظم تمام نخفه آبی انجا است پس از دو فرسخ
کنار دریاچه ساوه رسیده میان دریاچه و شاه راه
یک میدان اسب فاصله بود ثلث فرسخ کنار دریاچه
میرفتیم طول دریاچه پیدا نبود پس از آن
راه بچپ افتاده از دریاچه دور شده دو میدان

اسب که گذشتیم دریاچه ناپیدا شد قبل از رسیدن
بدریاچه یک میل راه دو شاخه میشود یکی بکوی ازان
نفرت میرود ازانجا بمعبر اباد اله شوشه و سیم
تلگراف اینجا است و یکی از کنار دریاچه بساوه
میکشد که ما آمدیم میگویند نخویک تر ازان راه است
یک فرسنگ بمنزل مانده پیدا نبود ساعتی ده و دو
منزل شده در مهمان خانه منزل کردیم کاروانسرا
پر بود از مسافرین و قوافل دو میدان بمنزل
مانده پسر امین همایون دیده شد بعد میرفت
عمارت اباد را بجناب صدراعظم تمام نخفه عمارت
از کاروانسرائی است بوضع منزل روز گذشته

دولی بان نظافت و پاکیزگی بیت مهمان خانه صدر
بکار رود انسرا است بوضع عمارات فرنگستان ساخته
شده چهار بقعه اطاق در او است و سمتش حجر چوبی
ساخته و سمتش چهار کاروانسرا است و عمارت
حوض و باغچه وسط مهمان خانه است اطاقها همه
رنگ آمیزی که بسیار با صفا و نزهت است باحتیاج
منزل از هر قبیل در او موجود است سرایه دار
محمود خان قمی است ماهی چهار تومان مواجب
میگیرد و صدر بهمان خانه دکان بقالی و علاف است
نام بقال غلامحسین است عقب کاروانسرا و مهمانخانه
باغی است و قناتی و قنات هم آبش از باغ بقعه

بقعه جناب صدر اعظم تعمیر فرموده آبش از منظریه
زیادتر است جلو کاروانسرا و مهمان خانه حجرات
زیاد و قهوه خانه و حمام بسیار خوب ساخته شده
تاریخ اتمام حمام در سنگ مرمر منقور و سمت ترقیم
می پذیرد بعهد ناصر دین قهرمان آتش و آب
در که به سطوت قهرش فغان آتش و آب
خدیو خطه ایران و مهتر ملکان [illegible] گشته خاک
درش حکمران آتش و آب جناب اشرف
اجبر این سلطان خواست برجی خاک نماید
قوام آتش و آب ز صخره های متین کرد
حصین ۲ای حصین گرفت همچو سلیمان عنان

آتش و آب بقاع خاک هوا الا گرفت و
کو اسیر نمود زبره زنو استخوان آتش و آب
کر اعتقاد مجالس نمود کس نشنید ز باد و
خاک نمود توامان آتش و آب چهار
عنصر فضلش چهار فصل نمود ز جسم خاک و
هوا و زروان آتش و آب با بخت پایه
سقف و بنای این حمام ز اسپهر تیغ ملک
شد جهان آتش و آب چو کرد همت وی
اگر کار این بنیان بسطح خاک زمین آسمان
آتش و آب شد از ترانه پروانه شمع
۱۳۰۴
تاریخش نمود جمع از این در میان آتش و آب

آتش و آب کوشک و باغ مخصوص صدارت
عقب حجرات مزبوره و قهوه خانه واقع عمارتش
بطرز عمارات عالیه فرنگستان ساخته شده
از هر حیثیت بسیار ممتاز است اطاقها همه
فرش کهنه و نظیف کف هر اطاق چند حوض در
میان عمارت و باغ هست همه فواره دار چو
گل کاریها در آن باغ شده نزهت غریبی
در آن باغ مشاهده رفت صفائی بهجت افزای
باغبان پیر است غالب اشجار درست
غرض مختصر نام سرایه دار مشهدی علی اکبر است
اجاره علی آباد هم هزار و هفتصد تومان است حاجی

حاجی محمدی خان اجاره کرده از جانب او رسید
حلب لقمه اینجا است در میدان دور از ابادی
عالیه کاروانسرائی است میگویند شاه عباس
بنا کرده جلو قنات اینجا منظریه در آسمان کوچک
ساخته شده در اینجا دریاچه ساوه باز میدان ملحق
مسافت فیما بین میگویند دو فرسنگ است دریاچه
ساوه در شب ولادت حضرت ختمی مآب یکباره
خشکیده در آن شب چند حادثه در عالم اتفاق
افتاد صاحبی بیت کلا در یک بیت جمع نموده
هم رهو سماوه خشک دریاچه ساوه خمود نار
آتش خانه کسر کنگره کسری رهو سماوه دریای

دریای نجف اشرف است معصوم میفرمایند یکی از
علامات قیام حضرت قائم خشکیدن دریای
نجف و فوران آب دریاچه ساوه است دریای
نجف چند سالی قبل خشکیده حال در موضع
دریا باغات زیادی ساخته شده دریاچه ساوه در
۱۳۰۴
هزار و سیصد و چهار آب آورده حالا میگویند
محکم است کشتی برای عبور و مرور کنند ماهیهای
بسیار بزرگ در او هست معلوم تا به بینیم باز از
خدام غیب بعرصه شهود که قدم ظهور کنند الهی در اینجا
نان یکمن تبریز یکهزار پنیر ششهزار جو هشتصد دینار
کاه سیصد دینار هیمه هفتصد دینار خربزه پانصد دینار

انگور کمتر از مالست کمتر از و یکعباسی مرغ قطعه ده هزار و پنجاه

سیفر و شند

شرح جمعه هفتم

هفتم

امشب سید حسن فرزند سید محمد نزد ما آمد که از بنی اعمام

حاجی سید جواد کفشدار است متوطن کربلا است بمشهد

مشرف میشود عیال همراه اوست در قسم گاو و مالک

نحو کذالعه کاری گرفته صدمه زیاد از کار دیده گفت

زیاد داشت صحبت میکردیم غالب در عرض راه اسب

شکست میکند و مسافتی که پیاده باید رفت تند خوب است

منزل امروز حسن آباد است مسافت هشت فرسخ است

ساعت ده و یک نصفه از دست راست در مقامات

در مقامات مرتفعه دو سه چاه ساده پیدا بود پس از

پنج میل بچشمه آبی رسیده پس از دو فرسخ بقلعه

و قهوه خانه پس از سه فرسخ بقلعه حاجی محمد علی خان

رسیدیم مهمان خانه آنجا ساخته شده از دست چپ

یک میدان دور از راه واقع است پس از شش فرسخ

بدو خانه رسیده آبش مشروب نجعه از دست راست

پایه بود در زمستان از برف راه تردد میکنند پس از هفت

فرسخ حسن آباد پیدا شد ساعت یازده وارد شده

در کاروانسرا منزل گرفتیم حول و حوش حسن آباد

از جوانب اربعه قلعه جات و باغات زیاد است

تقریباً یکمیل طول باغات حسن آباد است یک کیمیش

قلعه ایست سی خوانوار جمعیت دراست که آتشکدان

از قم منزل گرفته حال ما انجا منزل داریم میان انها

باغات است جلو کاروانسرا عمارت و باغ خوبی

مخصوص صدارت ساخته شده اعیان انجا منزل می‌کنند

دکان بقالی و علافی و قهوه خانه بیرون کاروانسرا است

مهمان خانه بغل کاروانسرا است بفاصله صد قدم

بپا کنید که طراوت ونظافت مهمان خانه روز بروز کمتر شده است

خربزه یکی ترزی یکهزار هیزم ششصد دینار نان یکهزار شده.

چهار هزار میفروشند در طبقه فوقانی کاروانسرا چند

حجره بسیار خوب ساخته شده

شرح شنبه هشتم امروز

امروز باید وارد طهران شویم چون منزل معین نیست

قرار دادم در شاه عبدالعظیم امشب توقف

کنم فردا بطهران رویم میان حسن آباد و شاه

عبدالعظیم پنج فرسخ است ساعت سه حرکت نموده

پس از انکه سه فرسخ رسیدیم بپل محکمی روی

رودخانه بسته شده از مستغلات جناب صدراعظم است

در قریه حسن آباد آب رودخانه مسلط نیست پس از

دو میدان رسیدیم بشمس آباد کاروانسرا و کوشک و باغ

بسیار خوبی صدارت انجا ساخته قوافل از طهران

میایند انجا منزل می‌کنند میان پل و شمس آباد پل

بسیار کوچکی نزدیکست پس از یک فرسخ بپل دیگر

رسیده پس از پنج میل لله میان جبال رفته
تا بانچ تمام زمین زراعت کار و قری و دهات بهم راه
ربع فرسنگ از میان جبال بیرون رفته شعبه کنند
شاه زاده عبدالعظیم پیدا شده منتها تدبیر تمام
باغ و قریه و ده بود پس از سه فرسخ رسیدیم که رفته
قند ریزی هنوز تمام نشده از آن خط سیم دیگر
از دست راست پیدا شده معلوم نمود سیم تلگراف
یزد و کاشان است یا سیم تلفون است ساعت ده
وارد شاه زاده عبدالعظیم که در اطاق عمارتیکه
از نزدیکش گذشتیم عمارت و باغ ملک التجار بود
در عمارت و باغ مشهدی عباس گمرکچی منزل

منزل گرفته شب شهزاده کرایه بلیت داد عمارت
خوب است کاروانسرایی دو مرتبه اعلی بعمارت
ساخته کاروانسرا از هر حجره شبی پانصد دینار کرایه
میگیرد نماز عصر رفتیم بزیارت حرم مطهر که میان
منزل ما و حرم مطهر است

تمت جزو الاول ویلیه جزو الثانی

قد فرغت من تسوید هذا الکتاب المستطاب فی یوم الثانی
وعشرین من شهر رمضان فی سنة رابعة عشر بعد ثلثمائة
والف وانا العبد المذنب یوسف الرفسنجانی

۹۲۸۳

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد
نام
میکروفیلم شده در تاریخ ۱۳۷۴
شماره میکروفیلم